

رجحست

پا

دولت گریمہ خانہ لاسنہ وحی

محمد خادمی شیرازی

ویرایش:

استاد علی اکبر مہدی پور

رجعت
یا دولت کریمهٔ خاندان وحی ﷺ

مؤلف:

محمد خادمی شیرازی

(۱۳۰۶ - ۱۳۷۸ ش)

ویرایش:

استاد علی اکبر مهدی پور

نشر یوسف فاطمه ﷺ - ۱۳۸۸



سرشناسه: خادمی شیرازی، محمد، ۱۳۰۶-۱۳۷۸.

عنوان و نام پدیدآوران: رجعت، یا، دولت کریمه خاندان وحی علیہ السلام / محمد خادمی شیرازی؛ ویراستار
علی اکبر مهدی پور.

مشخصات نشر: مشهد: یوسف فاطمه (ع)، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۲۲۴ ص.

ISBN : 978 - 964 - 2803 - 15 - 6

شابک: ۶-۱۵-۲۸۰۳-۹۶۴-۹۷۸

بهاء: ۳۲۰۰ تومان

وضعیت فهرست نویسی: فیبا.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: رجعت

شناسه افزوده: دولت کریمه خاندان وحی علیہ السلام

شناسه افزوده: مهدی پور، علی اکبر، ویراستار

رده بندی کنگره: ۳ ر ۲ خ / ۴ / ۲۲۲ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۴۴



رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی علیہ السلام

■ محمد خادمی شیرازی

■ ویراستار: استاد علی اکبر مهدی پور

تیراژ: ۲۰۰۰ / صفحات: ۲۲۴ / نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۸

قطع: وزیری / قیمت: ۳۲۰۰ تومان / چاپ و صحافی: دقت مشهد (۳۸۱۰۲۲۰)

ISBN : 978 - 964 - 2803 - 15 - 6

شابک: ۶-۱۵-۲۸۰۳-۹۶۴-۹۷۸

نشر یوسف فاطمه (ع)، مشهد مقدس، ص پ: ۳۸۸۵-۹۱۳۷۵؛ تلفن: ۸۵۲۲۴۹۶

مراکز پخش: (۱) نشر یوسف فاطمه (ع) ۰۹۱۵۱۱۹۱۳۴۱

(۲) مشهد، چهارراه شهدا، گنجینه کتاب، فروشگاه میلانی: ۲۲۴۲۲۶۲

فهرست مطالب

یوم الله رجعت (مقدمه ویراستار) ۹

فصل اول

رجعت چیست ؟

۱۷ - ۲۲

فرمان رجعت ۲۱

فصل دوم

رجعت از دیدگاه قرآن

۲۵ - ۱۰۰

آیاتی از قرآن کریم در باب رجعت ۲۷

فصل سوم

رجعت در میان گذشتگان

۱۰۳ - ۱۳۵

رجعت در امت اسلامی ۱۳۳

فصل چهارم رجعت از دیدگاه روایات ۱۳۷ - ۱۵۵

| | | |
|-----|-------------------------------------|-----|
| ۱۴۱ | تواتر احادیث رجعت | ۱۴۱ |
| ۱۴۴ | اجماع علمای شیعه در مورد رجعت | ۱۴۴ |
| ۱۴۶ | رجعت در ادعیه و زیارات | ۱۴۶ |
| ۱۴۶ | ۱- زیارت جامعه | ۱۴۶ |
| ۱۴۷ | ۲- زیارت رسول اکرم ﷺ | ۱۴۷ |
| ۱۴۸ | ۳- زیارت امام حسین ﷺ | ۱۴۸ |
| ۱۴۹ | ۴- زیارت وارث | ۱۴۹ |
| ۱۴۹ | ۵- زیارت اربعین | ۱۴۹ |
| ۱۵۰ | ۶- زیارت حضرت ابوالفضل ﷺ | ۱۵۰ |
| ۱۵۰ | ۷- زیارت حضرت بقیه الله ﷺ | ۱۵۰ |
| ۱۵۳ | ۸- زیارت آل یاسین | ۱۵۳ |
| ۱۵۴ | ۹- زیارت رجبیه | ۱۵۴ |
| ۱۵۴ | ۱۰- زیارت وداع | ۱۵۴ |
| ۱۵۵ | دعای عهد | ۱۵۵ |

فصل پنجم چه کسانی در رجعت باز می‌گردند؟ ۱۵۹ - ۲۰۶

| | | |
|-----|-----------------------------|-----|
| ۱۶۴ | آیا رجعت اختیاری است؟ | ۱۶۴ |
|-----|-----------------------------|-----|

| | |
|-----|--|
| ۱۶۶ | رجعت پیامبران <small>علیهم السلام</small> |
| ۱۶۸ | رجعت حضرت اسماعیل علی نبینا و آله و علیه السلام |
| ۱۷۰ | رجعت حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام |
| ۱۷۴ | رجعت حضرت خضر علی نبینا و آله و علیه السلام |
| ۱۷۷ | رجعت حضرت رسول اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> |
| ۱۸۱ | رجعت امیر مؤمنان <small>علیه السلام</small> |
| ۱۸۸ | رجعت امام حسین <small>علیه السلام</small> |
| ۱۹۲ | رجعت سایر امامان معصوم <small>علیهم السلام</small> |
| ۱۹۴ | رجعت جمعی از اصحاب پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> |
| ۱۹۴ | ۱- سلمان فارسی <small>رضی الله عنه</small> |
| ۱۹۶ | ۲- مقداد بن اسود <small>رضی الله عنه</small> |
| ۱۹۶ | ۳- جابر بن عبدالله انصاری <small>رضی الله عنه</small> |
| ۱۹۶ | ۴- ابودجانة انصاری <small>رضی الله عنه</small> |
| ۱۹۷ | ۵- مالک اشتر <small>رضی الله عنه</small> |
| ۱۹۷ | ۶- مفضل بن عمر <small>رضی الله عنه</small> |
| ۱۹۸ | ۷- حمران بن اعین <small>رضی الله عنه</small> |
| ۱۹۸ | رجعت افرادی از امت‌های گذشته |
| ۱۹۸ | ۱- مؤمن آل فرعون |
| ۱۹۹ | ۲- یوشع بن نون <small>علیه السلام</small> |
| ۲۰۰ | ۳- اصحاب کهف |
| ۲۰۱ | پاسخ به شبهات |
| ۲۰۱ | ۱- بازگشت فعل به قوه |
| ۲۰۲ | ۲- تناسخ |

- ۳- اجماع منقول ۲۰۳
- ۴- خبر واحد ۲۰۳
- ۵- استبعاد ۲۰۴
- ۶- اجتماع دو امام ۲۰۴
- ۷- بدن مثالی ۲۰۵
- ۸- تأویل رجعت ۲۰۵
- ۹- آثار سوء ۲۰۵
- ۱۰- بطلان رستاخیز ۲۰۶

فصل ششم
کتابنامه رجعت
۲۰۹- ۲۱۵

- فهرست منابع ۲۱۷

یوم الله رجعت

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ ، وَ تُذِلُّ بِهَا
النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ ، وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ ، وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ ،
وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»

«پروردگارا! ما در انتظار دولت کریمه‌ای هستیم که در پرتو آن اسلام و
اسلامیان را عزیز گردانی، و نفاق و منافقان را خوار نمایی، و ما را در آن
دولت کریمه از منادیان فرمان خود و پیشروان راهت قرار داده، کرامت دنیا
و آخرت را به ما عطا فرمایی.»^۱

دولت کریمه خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام که آرزوی قلبی هر مسلمان است و در فراز بالا -
دعای افتتاح - در تمام شب‌های ماه مبارک رمضان از درگاه حضرت احدیت مسألت می‌کنیم، با
قیام شکوهمند حضرت بقیة الله روحی فداء آغاز می‌شود و با فرمانروایی صالحان بر سراسر جهان
هستی تداوم می‌یابد.

چهارده قرن تمام، دل‌باختگان دولت حقه حضرت بقیة الله (روحی و ارواح العالمین لتراب
مقدمه الفدا) در دعاها و مناجات‌های خود این فرازها را زمزمه کرده، در انتظار فرا رسیدن آن دولت
کریمه ثانیه‌شماری نموده، سرانجام پیش از آن که به آرزوی خود برسند دیده از جهان فرو

بسته‌اند.

خداوند متان بر طبق حکمت بالغه‌اش مقرر فرموده که به هنگام جاری شدن احکام الهی و استقرار یافتن حکومت واحد جهانی، چشم انتظاران آن روزگار مسعود بازگردند و از برکات بی‌پایان دولت کریمه خاندان وحی برخوردار شوند.

هنگامی که مؤمنان خالص برای مشاهده الطاف حق و درک لذت زندگی در پناه دولت حق باز می‌گردند، ستمگران و ملحدان نیز باز می‌گردند و پیش از آخرت، قسمتی از واکنش اعمال خود را می‌بینند تا مایه سرور و تشفی خاطر ستمدیدگان گردد. بازگشت گروهی از مؤمنان خالص و عده‌ای از منافقان فاجر پیش از قیامت به این جهان، «رجعت» نامیده می‌شود.

اعتقاد به رجعت، یکی از عقاید مسلم و تردیدناپذیر شیعه است که بر پایه آیات قرآن و احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام استوار می‌باشد. در این کتاب با بیش از ۷۰ آیه از آیات قرآن آشنا می‌شوید که در اخبار وارده از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام به «یوم الله رجعت» تفسیر شده است. روایات واصله از خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام به قدری فراوان است که برای احدی جای تردید باقی نمی‌ماند.

شیخ حرّ عاملی رحمه الله علیه، صاحب کتاب پراج الإیقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة می‌فرماید:

احادیث رجعت متواتر است و هرگز قابل تأویل نیست.^۱

علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه، صاحب دائرةالمعارف بزرگ بحارالانوار نیز می‌نویسد:

اگر احادیث رجعت متواتر نباشد، در هیچ موردی نمی‌توان ادعای تواتر نمود.^۲

شیخ مجتبی قزوینی رحمه الله علیه، پس از تشریح اقسام تواتر می‌نویسد:

۱ - الایقاظ، ص ۳۱.

۲ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۳.

احادیث باب رجعت انصافاً از حدّ تواتر بیشتر است و اگر کسی تواتر اجمالی آن را هم نپذیرد، از مقام علم و عقل دور است.^۱

امین الاسلام طبرسی رحمه الله علیه، می گوید:

همه شیعیان امامیه در مورد رجعت اجماع کرده اند و اخبار آن را تأیید می کنند و لذا هرگز جای تأویل نیست.^۲

شیخ حرّ عاملی رحمه الله علیه، پس از اثبات تواتر احادیث رجعت می نویسد:

ثبوت رجعت از ضروریات مذهب شیعه است.^۳

شیخ مفید رحمه الله علیه نیز عقیده به رجعت را مورد اتفاق همه شیعیان دانسته است.^۴ اگر بخواهیم تعبیرات علمای بزرگ جهان تشیع را پیرامون رجعت نقل کنیم مطلب طولانی می شود، فقط می خواهیم به این نکته اشاره کنیم که رجعت با این همه دلایل متقن و استواری که دارد، اختصاص به جهان تشیع داشته و دیگر طوائف اسلامی از آن بی بهره بوده و از اعتقاد به آن بسیار گریزانند. لذا می بینیم **سفیان ثوری** در مورد **جابر بن یزید جعفی** می گوید:

مردم از جابر جعفی روایت نقل می کردند. هنگامی که عقیده اش را ابراز کرد، دیگر از او حدیثی نقل نکردند. پرسیدند: چه چیزی را ابراز کرد؟ گفت: اعتقاد به رجعت را.^۵

در حالی که خود سفیان می گوید:

-
- ۱ - بیان الفرقان، ج ۵، ص ۲۷۵.
 - ۲ - مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۵.
 - ۳ - الايقاظ، ص ۶۰.
 - ۴ - اندیشه های کلامی شیخ مفید، ص ۳۵۵.
 - ۵ - صحیح مسلم، ج ۱، ص ۲۰.

جابر بسیار راست‌گو بود و کسی را در نقل حدیث پرهیزگارتر از جابر ندیدم.^۱

جابر بن یزید جعفی با این همه راستی و درستی، چون به رجعت اعتقاد داشت از او روایت نقل نکردند و ابوحنیفه در حقیقت گفت:

من کسی را دروغ‌پردازتر از جابر ندیدم!^۲

راست‌گویی جابر برای دوست و دشمن مسلم بود و در روایت صحیحی از امام صادق علیه السلام بر راست‌گویی او تأکید شده است^۳ ولی اعتقاد به رجعت چیزی نیست که برای دل‌های بیمار قابل تحمل باشد. لذا هنگامی که جابر از رجعت سخن می‌گفت، بیماردلان از خانه‌اش بیرون می‌رفتند. سفیان بن عیینه می‌گوید:

در خانه جابر جعفی بودیم، چیزی گفت که از خانه‌اش بیرون رفتیم؛ زیرا ترسیدیم که سقف خانه بر سرمان فرو ریزد!^۴

بیماردلانی که از شنیدن نام رجعت این قدر واهمه دارند، هنگامی که با یوم الله رجعت مصادف شوند چه حالی خواهند داشت؟ اگر روزی ببینند که رهبر سامری سیرتشان بازگشته و در محکمه علنی دولت حقه، از غصب فدک و خون به ناحق ریخته محسن فاطمه علیها السلام بازخواست می‌شود، چه حالی خواهند داشت؟!

برخلاف تصور آنها، مسأله رجعت سابقه‌ای بس دراز دارد و یادآوری آن روز پرشکوه در سرلوحه برنامه‌های حضرت موسی علی نبینا و آله و علیه السلام نیز قرار داشته است. به طوری که در تفسیر آیه پنجم از سوره ابراهیم آمده است، منظور از «ایام الله» سه روز است:

-
- ۱ - معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۲۳.
 - ۲ - حیاة الحیوان، ج ۱، ص ۴۵۹.
 - ۳ - معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۲۵.
 - ۴ - حیاة الحیوان، ج ۱، ص ۴۵۹.

۱- روز قیام جهانی حضرت بقیة الله ارواحنا فداء.

۲- روز پرشکوه رجعت.

۳- روز رستاخیز.^۱

روز قیام شکوهمند حضرت بقیة الله روحی فداء، که سرآغاز حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی است، به حق شایسته آن است که اولین یوم الله نامیده شود.

دومین یوم الله، روز رجعت است که در آن بندگان شایسته خداوند باز می گردند و بر سراسر جهان هستی فرمانروایی می کنند. در یوم الله رجعت، سالار شهیدان باز می گردد و ۴۰ هزار سال بر جهان حکومت می کند.^۲ در این روز بزرگ مظلوم تاریخ امیرمؤمنان علیه السلام باز می گردد و به دور از دسیسه های ناکثین، قاسطین و مارقین، ۴۴ هزار سال بر سراسر جهان فرمانروایی می نماید.^۳

روزگار رجعت که دوران حکومت خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام و تداوم دولت حقّه حضرت بقیة الله ارواحنا فداء است، به حق عنوان دومین یوم الله را به خود اختصاص داده است.

مؤلف بزرگوار پس از نگارش کتاب پر ارج «یاد مهدی» دومین اثر خود را به یوم الله قیام اختصاص داد و کتاب پر ارج «فروع بی نهایت» را به رشته تحریر درآورد و سیمای پر فروغ جهان بعد از ظهور را تا جایی که امکان داشت بر صفحات آن ترسیم نمود. آنگاه سومین اثر خود را به «یوم الله رجعت» اختصاص داد و تا جایی که شرایط اجازه می داد به ترسیم سیمای تابناک دولت کریمه خاندان وحی در روزگار رجعت پرداخت.

از خداوند متعال مسألت می نمایم که همه خوانندگان این کتاب را از بهترین یاران حضرت مهدی علیه السلام در دوران قیام جهانی آن بزرگوار، و از بهترین یاوران خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام در یوم الله رجعت قرار دهد. ان شاء الله.

حوزه علمیه قم
علی اکبر مهدی پور

۱ - خصال، ص ۱۰۸ / معانی الاخبار، ص ۳۶۶.

۲ - تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۸.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۳.



اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ
كَرِيمَةٍ نُعْرِبُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ
وَتَذِلُّ بِهَا النِّفَاةَ وَأَهْلَهُ، وَتُجْعَلُنَا
فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادِمِينَ
إِلَى سَبِيلِكَ وَتُرْفُنَا بِهَا كِرَامَةً
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .



پروردگارا!

ما بایک دنیا اشتیاق از تو دولت سکو میهنی می خواهیم
که در پر تو آن اسلام و ایمان اعزیز گردانی و نفاق
و منافقان را خوار و زبون سازی و ما را در آن دولت
پر سگوه از دعوت کنندگان بسوی تو و راهنمایان هست
قرار دهی و در پر تو آن عزت دنیا و آخرت را بمانع مانی
فراقی از دعای فتوح

فصل اوّل :

رجعت چیست؟

رجعت در لغت به معنای بازگشت است و در اصطلاح، عبارت از بازگشت بعضی از مؤمنان خالص و برخی از منافقان فاجر به این جهان، پیش از قیام قیامت است.

برخی از مؤمنان خالص که در تمام عمر آرزوی درک دولت حقّه را در دل می‌پرورانسیدند، بازمی‌گردند تا به آرزوی خود برسند و حکومت عدالت‌گستر ولی الله اعظم علیه السلام را ببینند، و برخی از منافقان فاجر که در تمام عمر تلاش می‌کردند که در مقابل حق بایستند و در برابر آن صف‌آرایی کنند، برمی‌گردند تا به سزای اعمال خویش برسند.

به طوری که مشروحاً بحث خواهیم کرد، رجعت مخصوص مؤمنین خالص و منافقین فاجر است.^۱ بازگشت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام و سرور شهیدان حضرت حسین بن علی علیه السلام در عهد رجعت، از نظر احادیث قطعی است و در مورد دیگر امامان معصوم علیهم السلام نیز در روایات اشاراتی هست که بحث خواهیم کرد.

در یادداشت‌های مرحوم دهخدا، از ظهور حضرت بقیة الله روحی فداه و از نزول حضرت مسیح علیه السلام نیز به «رجعت» تعبیر شده است^۲ که از نظر معنای لغوی درست است، ولی از نظر اصطلاح صحیح نیست؛ زیرا «رجعت» در اصطلاح کلامی شیعه، عبارت از بازگشت پس از مرگ است، در حالی که وجود اقدس حضرت صاحب الزمان علیه السلام در پشت پرده غیبت است و از پرده

۱ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۸ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۸ / الايقاظ، ص ۳۶۰.

۲ - لغتنامه دهخدا، حرف راء.

برون می آید، و وجود مقدس حضرت عیسیٰ علیه السلام در آسمان هاست که بعد از ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام او نیز نازل می شود و در پیاده کردن عدالت اجتماعی یار و مددکار آن مهر تابان می گردد. از این رو در مورد امام زمان علیه السلام به «ظهور» تعبیر می شود، و در مورد حضرت عیسیٰ علیه السلام به «نزول» تعبیر می گردد، و تعبیر رجعت اصطلاحی در حق آن ها صحیح نیست.



فرمان رجعت

فرمان رجعت همانند فرمان ظهور، از طرف خداوند قادر متعال صادر می‌شود و جمعی از بندگان خالص خداوند که سال‌ها و احیاناً قرن‌ها پیش از آن دیده از جهان فرو بسته‌اند، باز می‌گردند و تجلی قدرت خداوند را در دولت کریمه حضرت مهدی صلوات الله علیه می‌بینند. در دولت حقه امام زمان علیه السلام دوستان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام رجعت می‌کنند تا با چشم خود ببینند که از دشمنان آن‌ها چگونه انتقام گرفته می‌شود. آنان که یک عمر برای محسن فاطمه علیها السلام اشک ریخته‌اند، شاهد دست انتقام الهی باشند که چگونه از دشمنان فاطمه علیها السلام انتقام خون محسن مظلوم را می‌گیرد و همه خون‌های به ناحق ریخته شده در راستای تاریخ را از ستم‌پیشگان می‌ستاند. هابیلیان شاهد انتقام آن دست انتقام‌گر از قابیلیان در راستای تاریخ می‌شوند.

فرمان رجعت از سوی پروردگار صادر می‌شود و همه مؤمنان خالص و مظلوم رجعت می‌کنند تا حقیقتشان از منافقان تجاوزگر گرفته شود.

زیربنای فرمان رجعت، قدرت بی‌پایان حق تعالی است. جز قدرت ناپیدای کرانه حضرت احدیت، کدام قدرتمندی توان آن را دارد که مردگان را فرمان بازگشت دهد و استخوان‌های پوسیده و جسم‌های فرسوده را زندگی مجدد بخشد و جهان را شکوه دیگر عطا فرماید؟ رجعت، دورنمای رستاخیز را در سراسر گیتی به نمایش می‌گذارد و هزاران انسان را که از

قرن‌ها پیش در زیر خاک‌ها مدفون شده‌اند، با یک فرمان جان می‌بخشد و در محکمه عدل الهی، پیش از رستاخیز عمومی شرکت می‌دهد، تا خود شاهد گرفتن حق مظلوم از ظالم باشند. هنگامی که زیربنای این فرمان، قدرت بیکران حضرت احدیت باشد، دیگر برای کسی جای چرا و چگونه نمی‌ماند؛ زیرا خداوندی که این جهان را آفریده و روزی همه آدمیان را در عرصه محشر گرد خواهد آورد، چه مانعی دارد که برخی از آن‌ها را - پس از موت - به این جهان بازگرداند تا به آرزوی دیرینه خود برسند و طعم و لذت حکومت حق را بچشند و از لذت زندگی در پرتو حکومت اسلامی برخوردار شوند. همچنین برخی از ستمگران خون‌آشام را بازگرداند، تا عبرت دیگران شوند و حق محرومان از آن‌ها گرفته شود.

امیرمؤمنان علیه السلام آن مشعل هدایت و بانگ عدالت، بازگردد و قدرش شناخته شود. سالار شهیدان علیه السلام آن کشتی نجات بازگردد و بر سریر سلطنت تکیه کند و شاهد دست انتقام الهی باشد که چگونه خون به ناحق ریخته شهیدان کربلا و دیگر شهدای اسلام از بدر و اُحد تا پایان غیبت کبری را از ستمگران خون‌آشام می‌گیرد.

آفریدگار جهان هستی و پدیدآورنده کهکشان‌ها، که این جهان را از کران تا کران با قدرت بیکران خود آفریده است، فرمان رجعت را صادر می‌کند و همه آنان که با کِلک قضا بر لوح تقدیر نوشته شده‌اند، باز می‌گردند و حکومت واحد جهانی آن مصلح غیبی را درک می‌کنند.



قال حجة بن الحسن المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف :

فَانَا يَحِيطُ عَلْمُنَا بِأَنْبَاءِ كُمْ وَلَا يَعْرِبُ

عَنَّا شَيْئًا مِنْ أَخْبَارِكُمْ .

حضرت مهدی ارواحه الفدا فرمودند:

براشی که علم ما بر اوضاع شما احاطه دارد و هیچ چیز از

احوال شما بر ما پوشیده نیست .

بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵

فصل دوم :

رجعت از دیدگاه قرآن

آیاتی از قرآن کریم در باب رجعت

آیات زیادی از قرآن کریم توسط پیشوایان معصوم به عنوان آیات رجعت مطرح شده، که از بررسی آنها وقوع رجعت در میان پیشینیان و امکان آن در آینده به روشنی اثبات می‌شود. در مورد پیشینیان در بخش دیگری سخن خواهیم گفت. در این جا از آیاتی گفتگو می‌کنیم که در احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به رجعت گروهی از مؤمنان و مشرکان خالص، بعد از ظهور حضرت مهدی روحی فداه تفسیر شده است:

﴿ ۱ ﴾ ﴿ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ ﴾^۱
آنان که غیب را باور می‌کنند.

در تفسیر این آیه آمده است که «غیب» سه روز است:

۱ - روز رجعت

۲ - روز قیامت

۳ - روز قیام قائم صلوات الله علیه که این روزها، روزهای آل محمد علیهم السلام است.^۲

۱ - بقره : ۳.

۲ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۴۰.

﴿ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ ﴾^۱

﴿ ۲ ﴾

و چون خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هرگاه به شما کتاب و حکمت عطا کردیم و آنگاه پیامبری آمد که آنچه با شماست را تصدیق کرد، البته به او ایمان آورید و یاری اش کنید.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

یعنی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله ایمان بیاورند و امیرمؤمنان علیه السلام را یاری نمایند. ابن ابی شیبه پرسید: امیرمؤمنان را یاری نمایند؟ فرمودند: آری، به خدا سوگند، خداوند از آدم تا خاتم پیامبری نفرستاده، جز این که او را باز می گرداند تا در برابر علی بن ابی طالب علیه السلام شمشیر بزند.^۲

پیشوای ششم شیعیان در تفسیر همین آیه فرمودند:

این آیه هنوز تحقق نیافته است. سلام بن مستنیر پرسید: جانم به فدای شما، این آیه کی تحقق می یابد؟ فرمودند: این آیه هنگامی تحقق می یابد که خداوند همه پیامبران و مؤمنان را برای نصرت امیر مؤمنان علیه السلام گرد می آورد، و پرچم رسول اکرم صلی الله علیه و آله به دست امیرمؤمنان علیه السلام داده می شود. در آن روز علی بن ابی طالب علیه السلام امیر همه مخلوقات می شود و همه آنها در زیر پرچم او قرار می گیرند و او بر همه امیر می باشد. این است تأویل این آیه.^۳

در برخی منابع به این تعبیر آمده است:

۱ - آل عمران : ۸۱.
 ۲ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۱ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۹۵ / تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۹ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۱، ۵۰ و ۶۱ / الایقاظ، ص ۳۶۰.
 ۳ - تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۹۵ / تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۱ / تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۹.

در آن روز رسول اکرم ﷺ پرچم را به دست امیر مؤمنان ﷺ می‌دهد و آن حضرت بر همه مخلوقات امیر می‌شود.^۱

امیر مؤمنان ﷺ در ضمن خطبه مفصلی، از تفسیر این آیه سخن می‌گوید و تصریح می‌کند که خداوند از همه پیامبران پیمان گرفته که به حضرت محمد ﷺ ایمان بیاورند و جانشین او را نصرت کنند. سپس می‌فرمایند:

هنوز احدی از پیامبران مرا یاری نکرده‌اند ولی همه آنها مرا یاری خواهند نمود و آن هنگامی است که شرق و غرب جهان از آن من خواهد بود. در آن روز خداوند همه پیامبران را از آدم تا خاتم ﷺ زنده خواهد کرد و تمامی آنها در برابر من شمشیر خواهند زد و گردن گردنکشان انس و جن را خواهند زد.^۲

در حدیث دیگری امام صادق ﷺ از امیر مؤمنان ﷺ نقل می‌کنند که فرمودند:

این آیه تحقق نمی‌یابد، مگر در رجعت.^۳

این حدیث را علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه از تفسیر نعمانی نقل کرده است، و آن را از محمد بن ابراهیم نعمانی دانسته،^۴ ولی شیخ حرّ عاملی آن را به سید مرتضی علم‌الهدی نسبت داده است.^۵

﴿ ۳ ﴾ ﴿ أَفَغَيَّرَ دِينَ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴾^۶

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷۰ / الايقاظ، ص ۳۸۱.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۶ / الايقاظ، ص ۳۶۵.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۸ و ج ۹۳، ص ۸۷.

۴ - همان، ج ۱، ص ۱۵.

۵ - الايقاظ، ص ۳۷۷.

۶ - آل عمران : ۸۳.

آیا جز آیین خدا را می طلبند، در حالی که آنچه در آسمانها و زمین است، خواه ناخواه در برابر او تسلیم اند و به سوی او باز می گردند (در محکمه عدل الهی حاضر می شوند).

صالح فرزند میثم تمار از پیشگاه امام باقر علیه السلام تفسیر این آیه را پرسید، امام علیه السلام فرمودند:

این آیه هنگامی تحقق می یابد که حضرت علی علیه السلام بانگ برمی آورد: من از همه مردم به آیه ﴿ وَاقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ ﴾^۱ شایسته ترم - در مورد این آیه سخن خواهیم گفت.^۲

در احادیث فراوانی تصریح شده که آیه فوق در زمان ظهور تحقق خواهد یافت.^۳

﴿ ٤ ﴾ ﴿ وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ﴾^۴

اگر در راه خدا کشته شوید، و یا بمیرید، رحمت و مغفرت خدا بهتر است از آنچه می توان گرد آورد.

امام باقر علیه السلام پیرامون این آیه از جابر پرسیدند:

ای جابر! آیا می دانی که معنای «سبیل الله» چیست؟

جابر گفت: نه، به خدا سوگند، جز این که از شما بشنوم. فرمودند: سبیل الله راه علی و راه اولاد علی است. هر کس با ولایت او کشته شود، در راه خدا کشته شده

۱ - نحل : ۳۸.

۲ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳ / تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۶۲ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۰.

۳ - المحجّه، ص ۵۰ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۹۶ / تفسیر صافی، ج ۱، ص ۳۲۷ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۸۵.

۴ - آل عمران : ۱۵۷.

است. و هر کس با ولایت او بمیرد، در راه خدا مرده است. هیچ مؤمنی از این امت نیست، جز این که برای او قتل و مرگی هست؛ هر کدام از آنها کشته شود، بار دیگر برمی‌گردد تا بمیرد، و هر کدام از آنها بمیرد، برمی‌گردد تا کشته شود.^۱

در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند:

برای هر مؤمنی یک مرگ و یک قتل مقدر شده است، هر کس بمیرد برمی‌گردد تا کشته شود و هر کس کشته شود باز می‌گردد تا بمیرد، این قدرت خداست هرگز منکر مباش.^۲

امام رضا علیه السلام نیز در این رابطه می‌فرمایند:

هر مؤمنی در بستر بمیرد، در رجعت کشته می‌شود، و هر مؤمنی کشته شود، زمان رجعت در بستر خود می‌میرد.^۳

در این زمینه احادیث دیگری نیز وارد شده که در ذیل آیات بعدی تقدیم خوانندگان گرامی خواهد شد.

﴿ ۵ ﴾ ﴿ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ﴾^۴
هر کس طعم مرگ را خواهد چشید.

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

کسی که کشته شود، مرگ را نچشیده است. سپس فرمودند: کسی که کشته شود

۱ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۲ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۳ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۰.
۲ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۱۳ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۶۷ / مستدرک سفینه، ج ۴، ص ۱۲۰.
۳ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۶.
۴ - آل عمران: ۱۸۵.

باید برگردد تا مرگ را بپشد.^۱

در ذیل آیه سیزدهم نیز در این باره سخن خواهیم گفت.

﴿ وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ ﴾^۲

﴿ ۶ ﴾

احدی از اهل کتاب نیست، جز این که پیش از مرگش به او (حضرت عیسی) ایمان می آورد.

در مورد ضمیر «مَوْتِهِ» دو احتمال است؛ یکی این که به اهل کتاب برگردد و دیگر این که به حضرت عیسی علیه السلام. بنا بر احتمال اول، معنای آیه شریفه این است که: «احدی از اهل کتاب نیست، جز این که پیش از مرگ به حضرت عیسی ایمان خواهد آورد» و بنا بر احتمال دوم معنای آیه چنین خواهد بود: «احدی از اهل کتاب نیست، جز این که پیش از مرگ حضرت عیسی به او ایمان خواهد آورد».

برخی از مفسران اهل سنت که احتمال اول را برگزیده‌اند، ناچار شده‌اند که توجیهاات عجیب و غریبی را در مورد آیه شریفه ملتزم شوند، ولی بنا بر احتمال دوم معنای آیه بسیار روشن است، چون طبق عقیده قطعی ما مسلمانان، حضرت عیسی علیه السلام هنوز زنده است و بعد از ظهور حضرت بقیة الله صلوات الله علیه او نیز نازل شده، از یاران و اصحاب آن حضرت خواهد بود.

شهر بن حوشب می گوید:

روزی حجاج به من گفت: آیه‌ای در کتاب خدا مرا ناتوان ساخته است. گفتم: کدام آیه؟ گفت: آیه: ﴿ وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ ﴾، این آیه به صراحت می گوید احدی از اهل کتاب نیست، جز این که پیش از مرگش به حضرت عیسی ایمان می آورد، در صورتی که من یهودی و نصرانی را می آورم و

۱ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۰ / تفسیر صافی، ج ۱، ص ۳۷۴ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷۱.

۲ - نساء: ۱۵۹.

گردن می‌زنم و چشم به دهان او می‌دوزم و می‌بینم که دیده از جهان فرویست و لب‌هایش را حرکت نداد و اعترافی نکرد.

گفتم: معنای آیه آن طور نیست که شما تصور کرده‌اید. گفت: پس چگونه است؟

گفتم: پیش از آن که قیامت برپا شود، حضرت عیسی علیه السلام نازل می‌شود و در روی زمین هیچ یهودی و مسیحی و غیره باقی نمی‌ماند، جز این که به او ایمان می‌آورد و او پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز می‌خواند. حجاج گفت: وای بر تو، این معنی را از کجا آورده‌ای؟! گفتم: آن را محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام به من فرموده است. حجاج گفت: به خدا سوگند آن را از چشمه زلال معرفت آورده‌ای.^۱

این حدیث در کتب اهل سنت نیز نقل شده است، و در بسیاری از کتب حدیثی، تفسیری و کلامی آن‌ها تصریح شده که ضمیر «مَوْتِهِ» به حضرت عیسی علیه السلام مربوط می‌شود.^۲

در این جا توضیح این نکته لازم است که بازگشت حضرت عیسی علیه السلام از مصادیق «رجعت» به شمار نمی‌آید؛ زیرا رجعت آن است که شخصی از دنیا برود و پیش از قیامت به این دنیا بازگردد، ولی نظر به این که برخی از علمای اهل سنت به ظاهر آیه ﴿ يَا عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ قُمْ وَرَافِعُكَ إِلَىٰ آلِكَ ﴾^۳ استناد کرده، گفته‌اند که حضرت عیسی علیه السلام قبض روح شده و به آسمان‌ها برده شده و در آخرالزمان رجعت خواهد کرد^۴ ما آن را در ضمن آیات رجعت آوردیم و گر نه قرآن صریحاً می‌فرماید: ﴿ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ ﴾ او را نکشتند و به دارش نیاویختند، بلکه امر بر آن‌ها مشتبه شد.^۵

۱ - تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۸۰ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۲۶ / تفسیر مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۳۷ / المحجّة، ص ۶۲ / تفسیر قتی، ج ۱، ص ۱۵۸.

۲ - تفسیر فخر رازی، ج ۳، ص ۵۰۵ / تفسیر در المنثور، ج ۲، ص ۲۴۱.

۳ - آل عمران: ۵۵.

۴ - تفسیر المنار، ج ۳، ص ۳۱۶.

۵ - نساء: ۱۵۷.

در بخش «رجعت حضرت عیسی» ﷺ در این رابطه سخن خواهیم گفت.

﴿ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ﴾^۱

به یاد آورید نعمت‌های خدا را بر شما؛ هنگامی که در میان شما پیامبرانی برانگیخت و شما را فرمانروا ساخت و آنچه را که به احدی از جهانیان نداده بود به شما عطا فرمود.

سلیمان دیلمی می‌گوید:

معنای این آیه را از محضر امام صادق ﷺ پرسیدم، فرمودند: منظور از پیامبران، رسول اکرم ﷺ، حضرت ابراهیم، حضرت اسماعیل ﷺ و فرزندان اوست، و منظور از فرمانروایان امامان هستند. عرض کردم: کجا به شما فرمانروایی داده شد؟! فرمود: فرمانروایی بهشت و فرمانروایی عالم رجعت از آن ماست.^۲

﴿ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا ﴾^۳

آن روز که بعضی از آیات پروردگار ظاهر شود، کسی را که جلوتر ایمان نیاورده باشد، ایمان آوردنش سودی نمی‌بخشد.

هنگامی که برخی از نشانه‌های پروردگار، همچون طلوع خورشید از مغرب و ظهور «دابة الارض» از مکه تحقق پذیرد، دیگر توبه پذیرفته نمی‌شود و اگر کسی پیش از آن ایمان

۱ - مائده: ۲۰.

۲ - تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۵ / الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۳۰ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۶.

۳ - انعام: ۱۵۸.

نیاورده باشد، ایمان آوردنش او را سودی نمی‌بخشد.^۱

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

هنگامی که خورشید از مغرب طلوع کند، دیگر هر کس در آن روز ایمان بیاورد
ایمانش او را سود نبخشد.^۲

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده که در تفسیر این آیه فرمودند:

طلوع خورشید از مغرب، خروج دابّة و ظهور دجال است. کسی که در گناهان
غوطه‌ور باشد تا این نشانه‌ها ظاهر شود، دیگر ایمان آوردنش او را سود ندهد.^۳

بعداً به تفصیل بحث می‌کنیم که مراد از خروج دابّة، رجعت امیرمؤمنان علیه السلام است. در بخشی
از زیارت «آل یاسین» که از ناحیه مقدّسه وارد شده است می‌خوانیم:

«وَأَنْ رَجَعْتَكُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمْنًا مِنْ
قَبْلُ».

«گواهی می‌دهم که رجعت شما - خطاب به ائمه هدی علیهم السلام - حقّ است و
تردیدی در آن نیست، و آن روزی است که دیگر کسی را ایمان آوردن سود
نبخشد؛ اگر جلوتر ایمان نیاورده باشد».^۴

احتمال می‌رود این آیه در مورد کسانی باشد که برای انتقام و تنبیه در رجعت بازگردانیده
می‌شوند، که مسلماً از آن‌ها هیچ توبه و ندامتی پذیرفته نخواهد شد.^۵

۱ - مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۸۸.

۲ - تفسیر صافی، ج ۲، ص ۱۷۳ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۶۴ / تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۷۸۲.

۳ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۸۴ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۶۵ / تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۷۸۱.

۴ - احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۴ / کلمة الامام المهدي، ص ۴۴۶ / بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۳۸.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۳۳.

﴿ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ
الْأَرْضِ ۗ ﴾^۱

اگر اهل شهرها ایمان می‌آوردند و تقوی پیشه می‌کردند، برکات آسمان‌ها و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم.

امام حسین علیه السلام در مسیر مسافرت خود به عراق، خطبه مفصلی ایراد کرده و در آن از ظهور حضرت ولی عصر عجل الله فرجه و از رجعت خویش به تفصیل سخن گفته، و در پایان از رفع گرفتاری‌ها و ریشه کن شدن بیماری‌ها و فراوانی میوه‌ها و نزول برکات آسمانی سخن به میان آورده، سپس فرمودند: این است معنای آیه شریفه: ﴿ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا ۗ ﴾^۲.

﴿ إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ۗ ﴾^۳

زمین از آن خداست، به هر کس از بندگانش بخواهد آن را ارث می‌گذارد، و عاقبت از آن پرهیزکاران است.

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

در کتاب حضرت علی علیه السلام یافتیم که در تفسیر این آیه فرموده‌اند: من و فرزندانم کسانی هستیم که خداوند زمین را برای ما ارث نهاده است؛ پرهیزکاران ما هستیم و همه زمین از آن ماست.^۴

تا به امروز این وعده الهی تحقق نیافته است ولی به زودی در رجعت تحقق می‌یابد و همه روی زمین تحت فرمانروایی امیرمؤمنان علیه السلام و فرزندان بزرگوارش قرار می‌گیرد، چنان که خود

۱ - اعراف : ۹۶.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۳.

۳ - اعراف : ۱۲۸.

۴ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۵ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۲۷ / تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۵۷ / تفسیر صافی، ج ۲، ص ۲۲۸ / الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۳۱.

می‌فرمایند:

به خدا سوگند، خداوند اهل و اولاد را در اطراف من گرد خواهد آورد، چنان که اهل و اولاد حضرت یعقوب را در اطراف او گرد آورد، بعد از آن که مدت زمانی در میان آنها جدایی افتاده بود.^۱

یکی می‌شود که یوسف فاطمه علیها السلام ظهور کند و دیدگان نگران پدر بزرگوار و منتظران داغ هجران دیده‌اش را از انتظار برهاند.

﴿ ۱۱ ﴾ ﴿ وَمِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴾^۲

از قوم موسی گروهی به سوی حق هدایت می‌کنند و به آن داوری می‌نمایند.

طبق روایات، این‌ها گروهی هستند که اسلام را نپذیرفته‌اند و پانزده نفر از آنها به هنگام ظهور حضرت بقیة الله روحی فداء رجعت خواهند کرد.

گفته می‌شود هنگامی که بنی اسرائیل پیامبران خود را می‌کشتند، یک گروه از آنها از روش بقیة ناراحت شدند و از میان آنها هجرت کردند. یک سال و نیم راه رفتند تا به منطقه‌ای در پشت چین رسیدند. چون آیین اسلام بر آنها عرضه شد، آن را پذیرفتند و به دین حنیف اسلام مشرف شدند و به سوی کعبه نماز گزارند.^۳

امام باقر علیه السلام در مورد آنها می‌فرمایند:

در میان آنها و چین، صحرای سوزانی حایل است. احدی از آنها در نزد یکدیگر مالی ندارد. شب‌های بارانی و روزهای آفتابی دارند. به کشاورزی اشتغال داشته و بر آیین حق استوار هستند. دست ما به آنها نمی‌رسد و احدی از

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۸.

۲ - اعراف: ۱۵۹.

۳ - مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۸۹.

آنها به نزد ما نمی آید.^۱

طبق روایات، ۱۵ تن از آنها با حضرت ولّی عصر عَجَل الله فرجه رجعت خواهند کرد. مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمودند:

۲۷ نفر از پشت کوفه همراه قائم علیه السلام خارج می شوند؛ ۱۵ تن از آنها از قوم حضرت موسی علیه السلام هستند، که به حق هدایت می کردند و به آن داوری می نمودند. هفت تن از آنها اصحاب کهف هستند، همچنین یوشع بن نون (وصی حضرت موسی)، سلمان، ابودجانہ، مقداد و مالک اشتر، که همگی از یاران و فرماندهان آن حضرت می باشند.^۲

در برخی منابع به جای «مقداد»، مؤمن آل فرعون روایت شده است.^۳

﴿ ۱۲ ﴾ ﴿ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴾^۴

او خداوندی است که پیامبرش را برای هدایت و دین حق فرستاده تا او را بر همه ادیان پیروز گرداند، اگر چه مشرکان دوست ندارند.

این وعده الهی تا به امروز تحقق نیافته و بدون تردید باید روزی تحقق پیدا کند؛ زیرا خدای تبارک و تعالی هرگز در وعده های خود خُلف نمی کند. امام باقر علیه السلام می فرماید:

این آیه در رجعت تحقق خواهد یافت.^۵

-
- ۱ - تفسیر صافی، ج ۲، ص ۲۴۴.
 - ۲ - ارشاد مفید، ص ۳۶۵ / روضة الواعظین، ص ۲۲۸ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۰.
 - ۳ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۱ / اثبات الهداة، ج ۷، ص ۹۸.
 - ۴ - توبه: ۳۳.
 - ۵ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۸۷ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۲۱ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۴.

امام صادق علیه السلام از رجعت حضرت علی علیه السلام سخن گفته و توضیح می‌دهند که برای آن حضرت چندین رجعت است، و در پایان می‌فرمایند:

خداوند فرمانروایی همه جهان را از روز آفرینش جهان تا روز انقضای عالم به رسول اکرم صلی الله علیه و آله عطا می‌فرماید و وعده خود را عملی می‌سازد که در قرآن کریم وعده فرموده او را بر تمام ادیان جهان پیروز گرداند، اگر چه مشرکان دوست ندارند.^۱

﴿ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴾^۲

﴿ ۱۳ ﴾

خداوند از مؤمنان جان‌ها و مال‌هایشان را در برابر بهشت خریداری کرد - که آن‌ها - در راه خدا کارزار کنند و بکشند و کشته شوند. این وعده حق خدا در تورات و انجیل و قرآن است. چه کسی از خداوند به وعده خود وفادارتر است؟ بشارت باد بر شما با این معامله‌ای که با خدا کردید و این رستگاری بزرگ است.

امام زین العابدین علیه السلام رهسپار مکه معظمه بودند. در راه با عباد بصری مصادف شدند. او از امام پرسید: می‌بینم که جهاد را با آن همه مشقت و رنج رها کرده‌ای و به سوی حج و تن‌آسایی آن روی آورده‌ای؟ در حالی که خداوند می‌فرماید: ﴿ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى ... ﴾. امام زین العابدین علیه السلام فرمودند: آیه را تا آخر بخوان. عباد بصری ادامه داد:

۱ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷۵.

۲ - توبه: ۱۱۱.

﴿ التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ
بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴾
- همانا مؤمنان حقیقی - توبه کنندگان، عبادت کنندگان، سپاس گزاران،
روزه داران، رکوع گزاران، سجده کنندگان، امر به معروف و نهی از منکر
کنندگان، و حافظان حدود الهی اند و بشارت ده به مؤمنان.^۱

آنگاه امام زین العابدین علیه السلام فرمودند:

هرگاه سپاهسانی با این اوصاف پیدا کردیم، جهاد با آنها از حج خانه خدا برتر
است.^۲

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

اگر دارندگان این اوصاف را پیدا کنی، آنها کسانی هستند که خداوند جان و
مالشان را در برابر بهشت خریداری کرده است؛ یعنی در رجعت.^۳

و در حدیثی دیگر از امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه آمده است:

هر مؤمنی کشته شود برمی گردد تا در بستر بمیرد، و هر کس در بستر بمیرد
برمی گردد تا کشته شود. این قدرت پروردگار است و هرگز انکار نکن.^۴

بار دیگر ابوبصیر تفسیر این آیه را از امام باقر علیه السلام پرسید، امام فرمودند: مربوط به رجعت
است. سپس ادامه دادند:

۱ - توبه: ۱۱۲.
۲ - مجمع البیان، ج ۵، ص ۷۶ / تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۸۱ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۶۳ / نور
الثقلین، ج ۲، ص ۲۷۲.
۳ - تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۸۲ / تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۷۳ / تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۱۳ /
تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۶۶.
۴ - تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۶۶ / تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۱۴ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷۴.

هیچ مؤمنی نیست، جز این که برای او یک مرگ و یک قتل نوشته شده؛ هر کس بمیرد برمی‌گردد تا کشته شود و هر کس کشته شود برمی‌گردد تا در بستر بمیرد.^۱

زراره می‌گوید: دوست داشتم از امام باقر علیه السلام در مورد «رجعت» سؤال کنم ولی نمی‌خواستم مستقیماً بپرسم، از این رو پرسش خود را چنین مطرح کردم:

جانم به فدایت! به من خبر ده از کسی که کشته می‌شود، آیا او مرده است؟ فرمودند: نه، مرگ مرگ است و قتل قتل. گفتم: بالاخره کسی که کشته می‌شود می‌میرد. فرمودند: ای زراره! گفتار خدا حق است که میان مرگ و قتل فرق می‌گذارد، آن‌جا که می‌فرماید: «اگر بمیرد و یا کشته شود»،^۲ و در جای دیگر می‌فرماید: «اگر بمیرید و اگر کشته شوید، به سوی خداوند باز می‌گردید».^۳ و نیز می‌فرماید: «خداوند از مؤمنان جان و مالشان را در برابر بهشت خریداری کرده است».^۴

عرض کردم: خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ «هر کسی طعم مرگ را خواهد چشید».^۵ آیا کسی که کشته می‌شود طعم مرگ را نمی‌چشد؟ فرمودند: کسی که با شمشیر کشته می‌شود، همانند کسی نیست که در بستر بمیرد. کسی که کشته می‌شود، ناگزیر باید برگردد تا طعم مرگ را بچشد.^۶

در ذیل آیه‌های چهارم و پنجم نیز در این زمینه سخن گفتیم.

- ۱ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۴۳ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷۱ / تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۱۳.
- ۲ - آل عمران: ۱۴۴.
- ۳ - آل عمران: ۱۵۸.
- ۴ - توبه: ۱۱۱.
- ۵ - انبیاء: ۳۵.
- ۶ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۶ / تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۱۲ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۶۶.

﴿ ۱۴ ﴾ ﴿ بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَاْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿ ۱

آنچه را که احاطه علمی به آن ندارند و هنوز تأویلش فرا نرسیده است، تکذیب کردند. پیشینیان نیز همچنان به تکذیب برخاستند، بین عاقبت ستمکاران چگونه شد.

مفسران در ذیل این آیه نوشته‌اند: این آیه در مورد «رجعت» نازل شده است، و منکران کسانی هستند که می‌گویند چنین چیزی واقع نخواهد شد.^۱

حمران می‌گوید: از امام باقر علیه السلام از مسائل مهم «رجعت» پرسیدم، فرمودند:

آنچه پرسیدی هنوز وقتش نرسیده است. خداوند می‌فرماید: چیزی را که احاطه علمی ندارند و زمانش نرسیده است، انکار می‌کنند.^۲

مسعدة بن صدقه می‌گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد مسائل مهمی که در آینده محقق خواهد شد - هنوز تحقق نیافته - سؤال شد، فرمودند:

هنوز وقت فاش ساختن آن نرسیده است، و این است معنای آیه شریفه که می‌فرماید: «چیزی را که احاطه علمی نداشتند و زمان تأویلش هم نرسیده بود تکذیب کردند».^۳

زراره نیز از امام صادق علیه السلام در مورد برخی از ابعاد مهم «رجعت» پرسید، امام فرمودند:

آنچه پرسیدی هنوز وقتش نرسیده است. خداوند می‌فرماید: «چیزی را که

۱ - یونس: ۳۹.

۲ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۴۴ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۱ / نور الثقلین، ج ۲، ص ۳۰۵ / تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۰۳ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۸۶.

۳ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۲۲ / تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۰۳ / نور الثقلین، ج ۲، ص ۳۰۴.

۴ - تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۸۶ / تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۲۲ / نور الثقلین، ج ۲، ص ۳۰۴.

احاطه علمی ندارند و وقت تأویلش نرسیده است انکار می‌کنند.^۱

در ذیل این آیه از امام صادق علیه السلام روایت شده که خدای تبارک و تعالی این امت را به دو امتیاز مفتخر نموده است:

۱ - چیزی را که نمی‌دانند نگویند.

۲ - چیزی را ندانسته تکذیب نکنند.^۲

﴿ ۱۵ ﴾ ﴿ وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ ﴾^۳

هر کس ستم کرده، آرزو می‌کند که آنچه در زمین است از آن او باشد، تا همه را بدهد و خود را برهاند.

در این آیه، منظور از هر کس که ستم کرده، کسانی هستند که به آل محمد صلوات الله علیهم ستم کرده‌اند و حق آن‌ها را پایمال نموده‌اند. آن‌ها در رجعت از انتقام الهی راه فراری ندارند و آرزو می‌کنند که همه آنچه در روی زمین است متعلق به آنان باشد، تا تمام آن‌ها را داده و خود را نجات دهند.^۴

﴿ ۱۶ ﴾ ﴿ وَلَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ إِلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ

لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴾^۵

و اگر عذاب را تا زمان محدودی از آنان به تأخیر اندازیم، حتماً خواهند

۱ - تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۸۶.

۲ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۲۳.

۳ - یونس: ۵۴.

۴ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۱ / الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۴۴ / نورالثقلین، ج ۲، ص ۳۰۶ /

تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۰۶.

۵ - هود: ۸.

گفت: چه چیز مانع آن شده است؟ آگاه باش، روزی که [عذاب] به آنان برسد، از آنها بازگردانده نخواهد شد و آنچه را مسخره می‌کردند آنان را فرو خواهد گرفت.

در احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام تصریح شده که منظور از عذاب در این آیه، عذاب آخرت نیست، بلکه دست انتقام الهی است که در رجعت از آنها انتقام خواهد گرفت و پیش از آخرت آنان را به سزای کردار خویش خواهد رسانید.
امام صادق علیه‌السلام در تفسیر این آیه می‌فرمایند:

منظور از «عذاب»، خروج حضرت قائم است^۱ و منظور از «امت معدوده» اصحاب اوست که به تعداد اهل بدر هستند.^۲

از امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام روایت شده که منظور از «امت معدوده» اصحاب قائم علیه‌السلام است که چون قطعات ابر بهاری در یک ساعت گرد آیند.^۳
امام باقر علیه‌السلام در حدیث دیگری، هنگام بحث از اصحاب قائم علیه‌السلام می‌فرمایند:

به خدا سوگند آنها ایند امت معدوده که خدای تبارک و تعالی فرموده است، آنها در یک ساعت چون قطعات ابر بهاری گرد آیند.^۴

در تفسیر علی بن ابراهیم، پیرامون این آیه آمده است:

اگر در دنیا آنها را مهلت بدهیم، از لذایذ دنیوی برخوردار می‌شوند، تا وقتی که قائم عجل الله فرجه خروج کند، آن وقت آنها را برگردانده و به کیفر کارهایشان می‌رسانیم. آنها که می‌گویند: (مَایِخِبِسُنَه) منظورشان این است که چه باعث

۱ - غیبت نعمانی، ص ۲۴۱.

۲ - تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۳۳ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۲۰۹.

۳ - مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۴۴ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۲۰۹ / نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۴۱.

۴ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۰۰ / تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۴۰ / تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۳۳.

شده قائم علیه السلام ظهور نمی‌کند؟ آن را از روی استهزاء می‌گویند و به زودی کیفر این کار خود را می‌بینند. چنان که خداوند می‌فرماید: «هنگامی که او بیاید، عذاب از آن‌ها برگردانده نمی‌شود و آنچه را که مسخره می‌کردند بر آن‌ها فرود می‌آید»^۱.

﴿ ۱۷ ﴾ ﴿ مُسْوَمَةٌ عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ ﴾^۲

[سنگ‌هایی که] در نزد پروردگارت همگی نشان‌دارند، و آن از ستمگران دور نیست.

این آیه که به دنبال سرگذشت قوم لوط و زیر و رو شدن شهر آن‌ها آمده، به خسف زمان رجعت تفسیر شده است.

امیرمؤمنان علیه السلام در ضمن یک حدیث طولانی، که به تفصیل از ظهور حضرت بقیة الله علیه السلام و رجعت خویشان سخن می‌گویند، پس از شرح خسف و قذف و مسخ آن روز می‌فرماید:

تأویل آیه شریفه «وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ» در آن روز خواهد بود.^۳

﴿ ۱۸ ﴾ ﴿ وَذَكَرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ ﴾^۴

روزهای خدا «ایام الله» را برای آن‌ها یادآوری کن.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«أَيَّامُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثَلَاثَةٌ: يَوْمَ يَقُومُ الْقَائِمُ، وَ يَوْمَ الْكُرَّةِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»

روزهای خدای تبارک و تعالی سه روز است:

۱ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۴۴ / تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۳۳ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۲۰۹.
۲ - هود: ۸۳.
۳ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸۴.
۴ - ابراهیم: ۵.

١ - روز قیام قائم عجل الله تعالی فرجه. ٢ - روز رجعت. ٣ - روز قیامت.^١

این حدیث با همین تعبیر، از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است.^٢

بر اساس روایات معصومین علیهم السلام سه روز به عنوان «یوم الله» شناخته شده که یادآوری آن در سرلوحه برنامه‌های حضرت موسی علیه السلام قرار گرفته است. طبق آیه پنجم از سوره ابراهیم، حضرت موسی علیه السلام موظف بود که روزهای خداوند را به قوم خود یادآوری کند. بر اساس روایات معصومین علیهم السلام روزهای خداوند سه روز است: روز قیام جهانی حضرت بقیة الله علیه السلام، روز رجعت و روز قیامت.

اولین یوم الله؛ روز قیام شکوهمند حضرت بقیة الله روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء، است که آن روز سرآغاز حکومت واحد جهانی براساس عدالت و آزادی، و روز برجیده شدن بساط ظلم و استبداد از سراسر گیتی است.

روز قیام آن حضرت؛ روز شکستن بت‌ها و گسستن زنجیرها و فروریختن کاخ‌های ستمگران و درهم شکستن قدرت‌های اهریمنی است.

روز قیام مصلح جهانی؛ مرزهای جغرافیایی درهم ریزد، دنیا رنگ دیگر گیرد، شالوده حکومت واحد جهانی براساس عدالت و آزادی استوار گردد، پرچم توحید بر فراز گیتی به اهتزاز درآید و از بساط ستم و ستمگر نشانی نماند. چنین روزی جداً شایسته است که «یوم الله» خوانده شود.

دومین یوم الله؛ روز رجعت است که در آن بندگان شایسته خداوند باز می‌گردند و بر سراسر جهان هستی حکومت می‌کنند.

نخستین کسی که رجعت می‌کند، سالار شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام است که با شهیدان کربلا باز می‌گردد و بر سراسر جهان فرمان‌روایی می‌کند. آنگاه امیر مؤمنان علی علیه السلام،

١ - خصال شیخ صدوق، ص ١٠٨ / معانی الاخبار، ص ٣٦٦ / المحجّه، ص ١٠٨ / تفسیر صافی، ج ٣، ص ٨٠ / تفسیر برهان، ج ٢، ص ٣٠٥.

٢ - الزام الناصب، ج ٢، ص ٣٤٤ / المحجّه، ص ١٠٨.

آن بزرگ مظلوم تاریخ باز می‌گردد و به دور از دسیسه‌های ناکثین و قاسطین و مارقین، بر سراسر گیتی فرمان‌روایی می‌نماید.

طبق روایاتی که در بخش‌های بعدی یادآور خواهیم شد، عمر جهان صد هزار سال اعلام شده، که بیست هزار سال آن از آن فرعونیان است و هشتاد هزار سال دیگر متعلق به آل محمد ﷺ است. روز رجعت که روز بازگشت محمد و آل محمد ﷺ است، همانند روز قیام قائم ﷺ شایسته آن است که «یوم الله» خوانده شود.

سومین یوم الله؛ روز رستاخیز جهانی است که همه خلایق از اولین و آخرین، در آن روز شکوهمند گرد آیند و سلطنت خداوند قهار را مشاهده کنند. بیش از هفتصد آیه از آیات قرآن، به ترسیم سیمای قیامت اختصاص یافته؛ و از دگرگونی زمین و زمان، تیرگی خورشید فروزان، گرفتگی ماه تابان، فروریختن ستارگان درخشان و وحشت و اضطراب آدمیان و پریان سخن گفته‌اند. چنین روزی جداً شایسته آن است که «یوم الله» نامیده شود.

از خدای تبارک و تعالی مسألت می‌کنیم که سعادت درک حکومت حقه حضرت مهدی ﷺ را بر ما عنایت فرماید، و در یوم الله رجعت، ما را از بهترین یاوران آل محمد ﷺ قرار دهد، و در روز قیامت ما را در زیر لوای اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ محشور فرماید، و از خطرات آن روز پرمخاطره ما را در امان نگهدارد. ان شاء الله.

﴿ ۱۹ ﴾ ﴿ رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ ﴾^۱

بسا دوست می‌دارند آنان که کافر شدند، که ای کاش مسلمان بودند.

امام صادق ﷺ در تفسیر این آیه می‌فرمایند: که در رجعت خواهد بود.^۲
امام باقر ﷺ نیز در تفسیر این آیه، از وجود مقدس امیرمؤمنان ﷺ نقل می‌کنند که فرمودند:

۱ - حجر: ۲.

۲ - الايقاظ، ص ۳۵۸.

هنگامی که من و شیعیانم خارج شویم، عثمان و پیروانش نیز خارج شوند و بنی‌امیه را از دم شمشیر بگذرانیم و کافران آرزو می‌کنند که ای کاش مسلمان بودند.^۱

﴿ ۲۰ ﴾ ﴿ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴾^۲

[شیطان] گفت: خدایا! تا روزی که برانگیخته می‌شوند به من مهلت بده. خداوند فرمود: تا روز وقت معین، تو از مهلت داده‌شده‌ها هستی.

این آیه با همین تعبیر در سوره «ص» نیز تکرار شده است.^۳ در این فراز از آیات قرآن که در دو سوره عیناً تکرار شده است، ابلیس از خداوند تا روز قیامت مهلت می‌خواهد و خداوند در پاسخ می‌فرماید: «تا روز معین به تو مهلت دادم».

از دقت در تعبیر قرآن استفاده می‌شود، که منظور از روز معین روز قیامت نیست؛ زیرا اگر منظور روز قیامت باشد، دیگر لازم نیست که تعبیر «روز معین» افزوده شود، بلکه کافی است که به درخواست او پاسخ مثبت داده شود. با توجه به شیوه خاص قرآن که هرگز قید توضیحی در آن آورده نمی‌شود - بلکه هر قیدی در آن به کار رود، عنایت خاصی را نشان می‌دهد - باید ببینیم منظور از «روز معین» چه روزی است که در آن، مهلت ابلیس به پایان می‌رسد و انسان‌ها از شر او رهایی می‌یابند؟

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

ابلیس از خدا خواست که او را تا روز رستاخیز مهلت دهد، ولی خداوند آن را رد کرد و فرمود: تا روز وقت معلوم تو از مهلت داده‌شده‌ها هستی. چون روز

۱ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۴ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۳۲۵.

۲ - حجر: ۳۶ - ۳۸.

۳ - ص: ۷۹ - ۸۱.

وقت معلوم فرا رسد، ابلیس با تمام پیروانش که از زمان خلقت آدم تا آن روز از او پیروی کرده‌اند ظاهر می‌شود، و آن در آخرین رجعت امیرمؤمنان علیه السلام اتفاق می‌افتد.

آنگاه امام صادق علیه السلام توضیح می‌دهند که چگونه سپاه ابلیس در سرزمین «روحا» در نزدیکی کوفه اجتماع می‌کنند و اصحاب امیرمؤمنان علیه السلام برای نبرد با آنها آماده می‌شوند و مهم‌ترین جنگ تاریخ بشری در آن روز واقع می‌گردد و سرانجام سپاهیان ابلیس شکست خورده و خود او پا به فرار می‌گذارد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله او را دنبال کرده از میان شانه‌هایش ضربتی کاری بر او وارد می‌کنند و او را به هلاکت می‌رسانند. پس از هلاکت شیطان و پیروانش، دیگر کسی جز خدا را نمی‌پرستد و هرگز کسی به او شرک نمی‌ورزد.^۱

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرمودند:

آری! روز وقت معلوم، روزی است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله او - شیطان - را بر روی سنگی در بیت المقدس سر می‌برد.^۲

﴿ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ﴾^۳

﴿ ۲۱ ﴾

آنان که به آخرت ایمان نمی‌آورند، دل‌هایشان منکر است و آنها کبرورزانند.

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرمایند:

لَا يُؤْمِنُونَ؛ یعنی به روز رجعت ایمان نمی‌آورند و حقانیت آن را باور

۱ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۲ / الايقاظ، ص ۳۶۲ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۳۴۳ / الزام الثائب، ج ۲، ص ۳۳۲.

۲ - تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۱۳.

۳ - نحل: ۲۲.

نمی‌کنند.^۱

﴿ ۲۲ ﴾ ﴿ وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿ ۲

با سخت‌ترین قسم‌ها به خدا سوگند یاد کردند، که او کسی را که بمیرد دیگر برنمی‌انگیزد، بلکه وعده حتمی خداوند است، لکن بیشتر مردمان نمی‌دانند.

امام صادق علیه السلام از اصحاب خویش پرسیدند:

مردم در مورد این آیه چه می‌گویند؟ یکی از اصحاب گفت: آن‌ها می‌گویند در حق کافران نازل شده است. فرمودند: کافران هرگز به خدا سوگند نمی‌خورند، بلکه در مورد گروهی از امت محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است که به آن‌ها گفته شد: شما بعد از مرگتان و پیش از قیامت یک بار دیگر به دنیا برمی‌گردید. آن‌ها قسم یاد کردند که هرگز برنمی‌گردند. خداوند در رد گفته آنان فرمود: تا برای آن‌ها بیان کند آنچه را که در آن اختلاف می‌کنند. و کافران بدانند که دروغ‌گو هستند. آری خداوند در رجعت آن‌ها را بازگردانده و می‌کشد و دل‌های مؤمنان را شفا می‌بخشد.^۳

امام صادق علیه السلام در حدیث دیگری در تفسیر این آیه می‌فرمایند:

هنگامی که قائم ما قیام کند، گروهی از شیعیان خالص ما رجعت می‌کنند و شمشیر بر خود حمایل می‌نمایند. چون داستان آن‌ها را برخی از شیعیان بازگو می‌کنند - که فلانی و فلانی از قبر بیرون آمده‌اند و همراه قائم علیه السلام هستند -

۱ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۵۷ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۸ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۳۶۳.

۲ - نحل: ۳۸.

۳ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۵۷ / نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۴ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۳۶۸.

دشمنان می‌گویند: شما شیعیان چقدر دروغ‌گو هستید؟ الآن که حکومت به دست شما رسیده است، باز هم دروغ می‌گویید! به خدا سوگند، آن‌ها که مرده‌اند زنده نمی‌شوند تا روز رستاخیز فرا رسد. خداوند در این آیه گفتار آنان را تکذیب می‌کند.^۱

﴿ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ﴾^۲

آنگاه شما را بر علیه ایشان دولت دادیم و با اموال و اولاد مدد کردیم و شما را از حیث نفرات افزون‌تر قرار دادیم.

﴿ ۲۳ ﴾

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه و آیات قبل از آن چنین می‌فرمایند:

منظور از دو فساد در آیه شریفه که می‌فرماید: «دو بار فساد خواهید کرد»، قتل علی بن ابی طالب علیه السلام و مجروح ساختن امام حسن مجتبی علیه السلام است. مراد از برتری جویی در آیه شریفه که می‌فرماید: «برتری خواهید جست، برتری بزرگی»، قتل امام حسین علیه السلام است. مقصود از «وعدة اولی»، انتقام خون امام حسین علیه السلام است و منظور از «بندگان باصلابت»، گروهی هستند که خداوند آن‌ها را پیش از قیام قائم علیه السلام برمی‌انگیزد، تا هرکس را که خونی از آل محمد علیهم السلام به گردنش باشد بکشند. منظور از «وعدة حتمی»، خروج قائم علیه السلام است. و مقصود از این که می‌فرماید، «شما را بر ضد آن‌ها دولت دادیم»، رجعت امام حسین علیه السلام است با هفتاد نفر از یارانش، که خودهای دوروی طلا بر سر دارند، و به مردم اعلام می‌کنند که این حسین است که خارج شده است، تا مؤمنان در مورد او دچار شک و تردید نشوند و خیال نکنند که شیطان یا دجال است، و این هنگامی

۱ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۵۹ / نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۴ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۳۶۸ / روضة کافی، ص ۷۳ / المحجّه، ص ۱۱۶.

۲ - اسراء: ۶.

است که حضرت مهدی علیه السلام در میان مردم است. هنگامی که همه مؤمنان امام حسین علیه السلام را شناختند و همگی یقین کردند که او کیست، اجل حضرت مهدی علیه السلام فرا می‌رسد و دیده از جهان فرومی‌بندد. امام حسین علیه السلام او را غسل و کفن و حنوط نموده به خاک می‌سپارد؛ که هرگز امام را جز امام غسل نمی‌دهد.^۱

امیرمؤمنان علیه السلام در ضمن خطبه مفصلی، از آرامش و آسایش انسان‌ها در آن ایام میمون سخن گفته و در تفسیر آیه فوق می‌فرمایند:

سوگند به خداوندی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، در آن زمان همه مردم در اوج قدرت و نعمت زندگی می‌کنند و از دنیا نمی‌روند، جز این که یکهزار پسر برای آنها متولد شود که همگی به دور از هر گونه بدعت و انحراف زندگی کنند. به کتاب خدا عمل می‌کنند و از سنت رسول الله صلی الله علیه و آله پیروی می‌نمایند و همه خطرات و نگرانی‌ها از آنها دور می‌شود.^۲

امام صادق علیه السلام نیز در تفسیر همین آیه فرمودند:

اول کسی که در رجعت به دنیا بازمی‌گردد، امام حسین علیه السلام و اصحاب باوفای ایشانند، سپس یزید و یارانش نیز برمی‌گردند. امام حسین علیه السلام همه آنها را می‌کشد و دقیقاً برای هر ضربتی یک ضربت می‌زند. آنگاه این آیه را تلاوت فرمود: «سپس شما را بر ضد آنها دولت دادیم و شما را با اموال و اولاد مدد کردیم و از جهت نفرت فزونی بخشیدیم.»^۳

۱ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۱ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۷ / تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۳۸ / بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۶ و ج ۵۳، ص ۹۳ / الايقاظ، ص ۳۰۹ / المحجة، ص ۱۲۱ / روضة کافی، ج ۲، ص ۳.

۲ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۲ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۸ / تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۳۹ / بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۷.

۳ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۲ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۸ / تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۴۰.

جنایات شوم و فجیعی که یزید و پیروانش در کربلا و مدینه مرتکب شدند، چیزی نیست که در این دنیا کیفر شود، بلکه در جهان آخرت به کیفر اعمال زشت خویش خواهند رسید، لکن روی مصالحتی در همین دنیا نیز در سطحی که امکانات آن اجازه می‌دهد، به کیفر جنایات خود می‌رسند. در مورد تعدّد رجعتِ امیرمؤمنان علیه السلام در احادیث تصریح شده است، ولی در مورد یزید و پیروانش به حدیثی برنخوردیم که از تعدّد رجعت آنان سخن گفته باشد، در عین حال از تنوعی که در مورد مجازات یزید و یزیدیان آمده است، احتمال می‌رود که او نیز چندین بار رجعت کند و هر بار به کیفر اعمال خود برسد. اینک به سه دسته از روایاتی که در این زمینه آمده است اشاره می‌کنیم:

۱ - گروهی از مؤمنان باصلابت، پیش از قیام قائم علیه السلام برانگیخته می‌شوند و انتقام خون حسین علیه السلام را می‌گیرند.^۱

۲ - هنگامی که قائم ما قیام کند، انتقام خون امام حسین علیه السلام را می‌گیرد^۲ و منظور از مؤمنان باصلابت در آیه فوق حضرت قائم علیه السلام و اصحاب اوست.^۳

۳ - در پایان عمر حضرت ولی عصر علیه السلام امام حسین علیه السلام با هفتاد نفر از اصحابش رجعت می‌کند و یزید و یزیدیان را قصاص می‌نماید.^۴

در تفسیر این آیه، حدیث مفصلی را جناب سلمان از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است^۵ و در پایان آن، بعد از بیان اسامی دوازده امام علیهم السلام، از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌پرسد:

چگونه ممکن است که من آنها را درک کنم؟ رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ای سلمان! تو و امثال تو از کسانی که با شناخت حقیقی از آنان پیروی کنند، آنها

تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۷۹.

۱ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۱ / کامل الزیارات، ص ۶۳ / تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۳۸ / تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۷۹ / الایقاظ، ص ۳۰۹ / المحجّة، ص ۱۲۱ / روضة کافی، ج ۲، ص ۳.

۲ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۰۲ و ۱۰۵.

۳ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۱ / تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۳۸ / بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۷.

۴ - تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۸ / تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۴۰ / تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۷۹.

۵ - متن حدیث را در بخش «رجعت جناب سلمان» خواهیم آورد.

را درک خواهند کرد. جناب سلمان می‌گوید: خدا را سپاس گفتم و سپس عرض کردم: آیا عمر من تا پایان عهد آنها ادامه می‌یابد؟ فرمودند: این آیه را بخوان که می‌فرماید:

﴿ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَئِهِمَا... ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ... ﴾ جناب سلمان می‌گوید: اشک شوق ریخته و به شدت گریستم و سپس گفتم: ای رسول خدا! آیا شما با من پیمان می‌بندید؟ فرمودند: آری، سوگند به خدایی که محمد را به رسالت برانگیخت، این پیمانی است از طرف من، علی، فاطمه، حسن، حسین و نه امام - از نسل حسین علیه السلام - برای تو و همه کسانی که از ما هستند و با ما هستند و در راه ما مورد ستم قرار گرفته‌اند.^۱

علی بن مهزیار، یکی از نیکبختانی است که سعادت تشرّف به پیشگاه حضرت بقیّة اللّٰه روحی فداه را پیدا کرده و داستانش مشهور و مفصل است. در این تشرّف، قسمتی از علایم ظهور و برنامه‌های جهانی آن حضرت را، از زبان مبارکش شنیده است. هنگامی که حضرت بقیّة اللّٰه علیه السلام از ورود به مدینه و بیرون آوردن جسد نحس آن دو نفر و به دار آویختن آنها سخن گفت، علی بن مهزیار پرسید: سپس چه حوادثی روی می‌دهد، ای سرور من؟ فرمودند:

«رجعت، رجعت، رجعت» آنگاه آیه فوق را تلاوت نمودند.^۲

﴿ وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴾^۳
هرکس در این سرای نابینا باشد، در آن سرای نیز نابینا و گمراه‌تر است.

﴿ ۲۴ ﴾

ابوبصیر می‌گوید: از امام باقر یا امام صادق علیه السلام در مورد آیه فوق پرسیدم. فرمودند: مربوط به

۱ - تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۶ / الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۳۳.
۲ - دلائل الامامة، ص ۲۹۷ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۷ / المحجّه، ص ۱۲۵.
۳ - اسراء: ۷۲.

رجعت است.^۱

پر واضح است که منظور از «اعمی» کوری چشم ظاهری نیست، بلکه منظور انحراف عقیده و کوری چشم دل از دیدن حقایق است. با این توضیح معنای آیه چنین خواهد بود: «کسی که در این زندگی از دیدن حقایق ناتوان باشد، در رجعت نیز ناتوان و گمراه تر خواهد بود». با توجه به این که در دوران رجعت راه توبه بسته است و هر کس برای مجازات به این جهان رجعت داده شود دیگر توبه‌اش پذیرفته نیست، طبعاً کسی که از شناخت حق محروم باشد، در رجعت نیز از درک آن محروم خواهد بود.

﴿ ۲۵ ﴾ ﴿ قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا ﴾^۲

بگو: هر که در گمراهی است [خدای] رحمان به او مهلت می‌دهد تا زمانی که وعده الهی را به چشم خود ببیند؛ عذاب یا روز رستاخیز را. پس به زودی خواهند دانست جایگاه چه کسی بدتر و سپاهش ناتوان تر است.

در تفسیر علی بن ابراهیم، در توضیح عبارت «ما یوعدون» آمده: منظور، حضرت قائم و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشد.^۳

امام صادق علیه السلام در تفسیر «مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ» فرمودند:

همه آنان که به ولایت امیرمؤمنان علیه السلام و امامت ما معتقد نیستند، در گمراهی هستند. خداوند به آنها مهلت می‌دهد تا مرگشان فرا رسد، آنگاه آنها را از نظر جایگاه پست تر و از نظر نفرت زبون تر قرار می‌دهد. همچنین در تفسیر

۱ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۰۶ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۳۳ / الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۴۶ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۷.

۲ - مریم: ۷۵.

۳ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۸۹.

«مَا يُوعَدُونَ» می‌فرمایند: خروج قائم است که همان ساعت است.^۱

پس اگر منظور از «مَا يُوعَدُونَ» حضرت قائم و حضرت علی علیه السلام باشند، آیه شریفه مربوط به رجعت می‌شود، و اگر منظور حضرت ولی عصر علیه السلام به تنهایی باشد، مربوط به رجعت نمی‌شود، مگر به آن عده از دشمنان اهل بیت علیهم السلام که به هنگام ظهور رجعت می‌کنند و به سزای خویش می‌رسند. از تعبیر «رَأَوْا» نیز می‌توان این معنا را فهمید.

﴿ ۲۶ ﴾ ﴿ وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا ﴾^۲

هرکس از یاد من اعراض کند، برای او زندگی سخت و تنگی است.

از امام صادق علیه السلام تفسیر این آیه را پرسیدند، ایشان فرمودند:

به خدا سوگند این آیه در حق دشمنان ماست. راوی پرسید: جانم به فدایت! گاهی می‌بینیم که آنها در طول زندگی با آسایش و وسعت زندگی می‌کنند و هرگز روی سختی نمی‌بینند تا مرگشان فرا رسد. فرمودند: به خدا سوگند که مربوط به رجعت است.^۳

آنان که حق را دیدند و از آن اعراض کردند و از شاهراه حق و حقیقت منحرف شدند، در رجعت روز بسیار سختی دارند و در رستاخیز روزگار سخت‌تری در انتظار آنهاست.

﴿ ۲۷ ﴾ ﴿ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ﴾^۴

هرکس طعم مرگ را خواهد چشید.

۱ - تفسیر صافی، ج ۳، ص ۲۹۱ / تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۳۵۵ / المحجّه، ص ۱۳۲.

۲ - طه: ۱۲۴.

۳ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۴۶ / تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۲۵ / نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۰۵ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۱.

۴ - انبیاء: ۳۵.

زراره در تفسیر این آیه از امام باقر علیه السلام پرسید:

آیا به نظر شما کسی که کشته می‌شود طعم مرگ را می‌چشد؟ امام فرمودند: کسی که با شمشیر کشته می‌شود، مانند کسی نیست که در بستر بمیرد؛ کسی که کشته می‌شود باید یک بار دیگر به دنیا برگردد تا طعم مرگ را بچشد.^۱

در ذیل آیه‌های چهارم، پنجم و سیزدهم، به تفصیل در این زمینه سخن گفتیم.

﴿ وَ حَرَامٌ عَلٰی قَرْيَةٍ اَهْلَكْنَاهَا اَنْهُمْ لَا يُرْجَعُونَ ﴾^۲

﴿ ۲۸ ﴾

و اهل دیاری را که ما هلاک گردانیم، دیگر زندگانی بر آن‌ها حرام و هرگز به دنیا باز نخواهند گشت.

جای تردید نیست که این آیه مربوط به قیامت نیست؛ زیرا در روز قیامت همه مردمان برمی‌گردند. چنان که امام صادق علیه السلام بر آن تصریح می‌فرمایند.^۳ امام باقر و امام صادق علیهما السلام در تفسیر این آیه می‌فرمایند:

هر قریه‌ای که با عذاب خدای تبارک و تعالی هلاک شود، در رجعت بر نمی‌گردد.

این آیه یکی از بزرگ‌ترین دلایل اثبات رجعت است؛ زیرا هیچ فردی از مسلمانان منکر آن نیست که قریه‌هایی که با عذاب هلاک شده‌اند، در روز قیامت برگردند، بلکه همه معتقدند که تمامی مردمان در روز قیامت برمی‌گردند.^۴

۱ - نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۲۹ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۶.

۲ - انبیاء: ۹۵.

۳ - تفسیر برهان، ج ۳، ص ۷۱ / تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۵۸ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۱.

۴ - مجمع البیان، ج ۷، ص ۶۲ / الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۴۶ / تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۵۴ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۲ / نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۵۸ / تفسیر برهان، ج ۳، ص ۷۱.

هنگامی که از امام باقر علیه السلام در مورد رجعت سؤال کردند، امام علیه السلام این آیه را تلاوت فرمودند.^۱ بسیاری از علمای شیعه نیز به این آیه استدلال نموده‌اند؛ همچون سید مرتضی علم‌الهدی که در کتاب «محکم و متشابیه» از امیرمؤمنان علیه السلام نقل کرده، که در رد منکران رجعت به این آیه استدلال نموده است.^۲

به طوری که قبلاً یادآور شدیم، کیفیت استدلال به این آیه بدین صورت است که هر مسلمانی عقیده دارد که همه مردم در روز قیامت برانگیخته می‌شوند. چون آیه می‌فرماید: «مردم آن قریه‌هایی که هلاک شده‌اند بر نمی‌گردند» و یقین داریم که آن‌ها نیز در روز قیامت بر می‌گردند، پس منظور این آیه روز قیامت نیست، بلکه روز رجعت است که مؤمنان خالص و مشرکان خالص در آن روز بر می‌گردند و گروه‌هایی از مردم بر نمی‌گردند که یکی از آن‌ها گروهی است که به عذاب آسمانی هلاک شده‌اند.

﴿ ۲۹ ﴾ ﴿ وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴾^۳

علاوه بر ذکر (تورات)، در زبور نیز نوشتیم که زمین را بندگان شایسته‌ام وارث خواهند شد.

در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است:

پیش از آن که حضرت فاطمه علیها السلام به امام حسین علیه السلام حامله شود، خدای تبارک و تعالی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله را آگاه ساخته بود که حسین علیه السلام را به او مرحمت خواهد کرد و امامت را تا روز قیامت در نسل او قرار خواهد داد. سپس او را آگاه ساخت که چه حوادث تلخ و ناگواری در انتظار اوست؛ او را چگونه می‌کشند و چه مصیبت‌هایی بر او و اولادش وارد می‌شود، ولی در مقابل، امامت

۱ - تفسیر ابوالفتوح، ج ۷، ص ۱۰۷.

۲ - بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۸۶ و ج ۵۳، ص ۱۱۸.

۳ - انبیاء: ۱۰۵.

تا روز قیامت در نسل او خواهد ماند. خداوند رسول اکرم ﷺ را آگاه ساخت که امام حسین ﷺ کشته می‌شود، ولی یک بار دیگر او را رجعت می‌دهد و یاری‌اش می‌کند، تا دشمنانش را بکشد و بر سراسر جهان فرمانروایی کند. این است معنای آیه شریفه که می‌فرماید: «و ما اراده کرده‌ایم، بر کسانی که به ضعف کشیده شده‌اند منت نهاده، آن‌ها را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم» و نیز می‌فرماید: «علاوه بر تورات، در زبور نیز نوشتیم که زمین را بسندگان شایسته‌ام وارث خواهند شد». خداوند پیامبرش را آگاه ساخت که اهل بیتش یک بار دیگر به این جهان برمی‌گردند و در روی زمین فرمانروا می‌شوند و دشمنانش را نابود می‌کنند.^۱

﴿ حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴾^۲

تا هنگامی که بر ایشان دری از عذاب سخت بگشودیم، ناگهان در آن حیران و نومید شدند.

امام باقر ﷺ در تفسیر این آیه فرمودند:

منظور عالم رجعت است.^۳ همچنین در حدیث دیگری می‌فرمایند: منظور از آن، امیرمؤمنان علی بن ابی طالب ﷺ است؛ هنگامی که در رجعت به این جهان باز می‌گردد.^۴

آری! امیرمؤمنان ﷺ در عالم رجعت، مظهر قهر و غضب حضرت احدیت بر کافران و معاندان خواهد بود.

۱ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۳۵ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۲.

۲ - مؤمنون: ۷۷.

۳ - مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۱۴ / تفسیر صافی، ج ۳، ص ۴۰۶ / تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۱۸ / نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۵۰.

۴ - مستدرک سفینه، ج ۴، ص ۱۲۰ / تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۱۸ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۴.

﴿ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا
اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ
مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أُمَّنًا يَغْتَابُونَ لِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ
هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿ ١ ﴾

﴿ ٣١ ﴾

خداوند کسانی را از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند،
و عده داده است که البته آنها را در روی زمین جانشین خود کند، چنان که
جانشین کرد کسانی را که پیش از آنها بودند، و آنها را از دینی که برایشان
پسندیده متمکن سازد، و ترسشان را به آرامش مبدل کند. مرا پرستند و چیزی
را بر من شریک نگیرند. و آنان که بعد از این کافر شوند، پس آنان تبهکارانند.

مرحوم طبرسی پس از نقل احادیثی در ذیل این آیه، می نویسد:

در این آیه منظور از کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهند، حضرت
رسول اکرم ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است و این آیه به آنها نوید
می دهد که به هنگام قیام قائم علیه السلام در روی زمین جانشین خواهند شد و کشورها
زیر سلطه آنها خواهند بود و ترسشان به آرامش مبدل می گردد، چنان که قبلاً
حضرت آدم، حضرت سلیمان و حضرت داود در روی زمین جانشین و فرمانروا
شدند. سپس می گوید: اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بر این معنا اجماع کرده اند
و اجماع آنها حجت است.^۱

سید مرتضی علم الهدی در کتاب «محکم و متشابه»، از امام صادق علیه السلام نقل می کند، که
امیرمؤمنان علیه السلام برای اثبات رجعت به این آیه استدلال کرده و فرمودند:

۱ - نور: ۵۵.

۲ - مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۵۲ / الايقاظ، ص ۷۴.

این آیه هنگامی تحقق می‌یابد که به دنیا رجعت کنند.^۱

در تفسیر علی بن ابراهیم نیز در حدیثی آمده است که این آیه در رجعت تحقق خواهد یافت.^۲

بر اساس روایات فراوانی که در کتب حدیث و تفسیر از ائمه علیهم‌السلام رسیده است، در این آیه منظور از « کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند » امامان معصوم علیهم‌السلام می‌باشند.^۳ پُر واضح است که نویدهای این آیه هنگامی تحقق می‌یابد که ائمه هدی علیهم‌السلام به این دنیا بازگردند، و گرنه در عهد خود، هرگز آرامش خاطر و فرمانروایی بر روی زمین برای آن‌ها پیش نیامد. اگر چه همه نویدهای این آیه در حق حضرت بقیه‌الله روحی فداه به طور یقین تحقق خواهد یافت، ولی با فرمانروایی و جانشینی آن حضرت، گفته نمی‌شود که همه امامان به فرمانروایی رسیدند و آرامش یافتند و در روی زمین متمکن شدند، بلکه برای تحقق این معنا راهی جز رجعت نیست، چنان که احادیث فراوانی به آن تصریح کرده‌اند.^۴ امیرمؤمنان علیه‌السلام در ضمن خطبه مفصلی، آیه فوق را تلاوت کرده و سپس فرمودند:

برای من بازگشتی پس از بازگشت و رجعتی بعد از رجعت است. من صاحب رجعت‌ها هستم. من صاحب صولت‌ها و شوکت‌ها هستم و من صاحب دولت‌ها و قدرت‌ها می‌باشم.^۵

از امام صادق علیه‌السلام نیز روایت شده که این آیه در حق حضرت علی و اولاد آن حضرت علیهم‌السلام نازل شده است.^۶

-
- ۱ - بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۸۷ و ج ۵۳، ص ۱۱۹.
 - ۲ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۱ / الايقاظ، ص ۳۳۲.
 - ۳ - تفسیر صافی، ج ۳، ص ۴۴۳ / تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۴۶ / تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۶۱۶ / الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۳۶.
 - ۴ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۳۶ / الايقاظ، ص ۷۴.
 - ۵ - تفسیر صافی، ج ۱، ص ۳۲۶ / تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۴۹ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۶.
 - ۶ - المحجّه، ص ۱۴۸ / تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۴۶.

﴿ إِنَّ نَشَأَ نُزُلٍ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ ﴾^۱
 اگر بخواهیم، برای آنها از آسمان آیتی فرو می فرستیم، تا گردن هایشان در برابر
 آن خاضع شود.

ابوبصیر می گوید: از محضر امام باقر علیه السلام معنای این آیه را پرسیدم، فرمودند:

منظور از نشانه، علی بن ابی طالب علیه السلام است که یک ساعت در کنار خورشید
 ظاهر می شود و خورشید بالای سر مردم می ایستد، تا همگان او را ببینند و دقیقاً
 با حَسَب و نَسَب بشناسند. در آن هنگام گردن بنی امیه در برابرش خاضع
 می شود. سپس فرمودند: در آن روز بنی امیه آن قدر خوار می شوند که اگر یکی از
 آنها در زیر درختی پنهان شود، آن درخت بانگ می زند که این جا یک نفر
 اموی است، او را بکشید.^۲

در حدیث دیگری امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می فرمایند:

آری! خداوند این نشانه را برای آنها اشکار می کند. ابو بصیر پرسید: برای چه
 کسانی؟ فرمودند: برای بنی امیه. پرسید: منظور از نشانه چیست؟ فرمودند:
 ایستادن خورشید از ظهر تا عصر در وسط آسمان و ظاهر شدن صورت و سینه
 مردی در قرص خورشید که حَسَب و نَسَب او برای همه مردم روشن است، و آن
 در عهد سفیانی واقع می شود، که هلاکت سپاهش در آن موقع فرا می رسد.^۳

ابن عباس در تفسیر این آیه می گوید:

برای ما دولتی خواهد بود که بر آنها فرمانروا خواهیم بود و آنها بعد از

۱ - شعراء: ۴.

۲ - تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۸۰ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۹.

۳ - ارشاد مفید، ص ۳۵۹ / تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۰ / نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۶.

گردنکشی در برابر آن خاضع خواهند شد و بعد از عزت، در برابر آن زیون خواهند گشت.^۱

﴿ وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴾^۲

﴿ ۳۳ ﴾

و چون قول [عذاب] بر آنها فرود آید، از زمین جنبدهای برایشان بیرون می آوریم تا با آنها سخن گوید؛ که مردم به آیه های ما باور نمی کردند.

از نظر روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام هیچ تردیدی نیست که منظور از «دابة الارض» رجعت وجود مقدس شاه ولایت، حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد، و احادیث فراوانی در این زمینه به دست ما رسیده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم. امام باقر علیه السلام از حضرت علی علیه السلام نقل می کند که فرمودند:

من تقسیم کننده بهشت و دوزخم؛ کسی وارد آنها نمی شود، جز بر اساس تقسیم من. من فاروق اکبرم. من پیشوای آیندگانم. من گزارشگر گذشتگانم. جز رسول اکرم صلی الله علیه و آله کسی بر من پیشی نمی گیرد. او و من در یک صراط هستیم، جز این که صراط به نام اوست. به من شش فضیلت داده شد:

۱ - علم منایا، بلایا و وصایا به من داده شد.

۲ - سخن فصل (جدا کننده حق و باطل) به من عطا شد.

۳ - من صاحب رجعت ها هستم.

۴ - فرمانروایی کل از آن من است.

۵ - من صاحب عصا و میسم هستم.

۱ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۳۶ / تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۸۰.

۲ - نمل: ۸۲.

۶- من «دَابَّةُ الْأَرْضِ» هستم که با مردم سخن خواهم گفت.^۱

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

مردی به عمار یاسر گفت: ای ابویقظان! - کنیه عمار- آیه‌ای در قرآن مرا مضطرب کرده و افکار پوسیده‌ای بر دلم هجوم آورده. عمار گفت: آن کدام آیه است؟ گفت: آیه ﴿ اِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ... ﴾ نمی‌دانم که منظور از «دَابَّةُ الْأَرْضِ» در این آیه چیست؟ عمار یاسر پاسخ داد: من به خدای تبارک و تعالی سوگند می‌خورم که نشینم و نخورم، جز این که او را به تو نشان دهم. عمار با آن مرد راه افتادند و به خدمت مولای متقیان امیرمؤمنان علیه السلام شرف‌یاب شدند. حضرت علی علیه السلام خرما و کره میل می‌کردند. خطاب به عمار فرمودند: ای ابویقظان! بیا نزدیک. عمار جلو رفت و مشغول خوردن شد. آن مرد دچار شکفت شد. چون برخاستند به عمار گفت: ای ابویقظان! تو که قسم خورده بودی نشینی و نخوری تا او را به من نشان دهی؟! عمار گفت: اگر اندیشه‌ات را به کار انداخته بودی، متوجه می‌شدی که من او را به تو نشان دادم.^۲

همچنین حضرت امام صادق علیه السلام در جای دیگری می فرمایند:

روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله وارد مسجد شدند و مشاهده کردند که امیرمؤمنان علیه السلام شن‌های مسجد را زیر سرش بالش کرده و خوابیده است. با پای مبارکشان او را حرکت دادند و فرمودند: ای «دَابَّةُ الْأَرْضِ» برخیز. یکی از اصحاب گفت: ای رسول گرامی! آیا ما یکدیگر را با این نام بخوانیم؟ فرمودند: نه. به خدا سوگند که

۱ - تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۰۹ / تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۹۷ / تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۵ / الایقاظ، ص ۳۶۷.

۲ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۴۷ / تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۱۰ / تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۹۸ / بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۲۴۲ / مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۴ / تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۴ / الایقاظ، ص ۳۳۶.

این نام به او اختصاص دارد. او همان «دابة الارض» است که خدای تبارک و تعالی در کتابش فرموده: «چون قول [عذاب] بر آن‌ها فرود آید جنبده‌ای را از زمین بیرون می‌آوریم و برای مردم سخن می‌گویند که مردم آیات ما را باور نمی‌کردند». سپس خطاب به علی علیه السلام فرمودند: ای علی! چون آخرالزمان فرا رسد، خداوند تو را در زیباترین صورت ظاهر می‌سازد و در دست تو میسمی (آهنی) هست که دشمنانت را با آن علامت می‌گذاری.^۱

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در وصف «دابة الارض» فرمودند:

تیزپایی به او نمی‌رسد و فرار کننده‌ای از او فوت نمی‌شود. مؤمن را نشان مؤمن، و کافر را نشان کافر می‌زند. عصای حضرت موسی و انگشتر حضرت سلیمان با اوست.^۲

امام صادق علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که در شب معراج گفته شد:

ای محمد! علی اول است؛ زیرا او نخستین امامی است که پیمان مرا پذیرفته است. علی آخر است؛ زیرا او آخرین امامی است که روحش را قبض می‌کنم. او همان «دابة» است که با مردم سخن می‌گوید.^۳

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در ضمن حدیث مفصلی می‌فرمایند که «دابة الارض» سه بار ظاهر می‌شود و هر سه را بیان می‌کنند.^۴ از محضر امیرمؤمنان علیه السلام در مورد «دابة الارض» سؤال شد، حضرت

۱ - تفسیر قمی، ص ۴۷۹ / تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۰۹ / تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۹۸ / بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۲۴۳ / مستدرک سفینه، ج ۳، ص ۴۱۶ / تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۴.

۲ - مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۴ / تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۹۸ / بحارالانوار، ج ۶، ص ۳۰۰ / تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۵ / الايقاظ، ص ۳۳۵.

۳ - بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۳۸ / بصائر الدرجات، ص ۱۵۰.

۴ - نور الثقلین، ج ۴، ص ۹۹ / مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۴ / بحارالانوار، ج ۶، ص ۳۰۰.

فرمودند:

به خدا سوگند، آن جنبنده‌ای نیست که دُم داشته باشد، بلکه جنبنده‌ای است که ریش دارد.^۱

امیرمؤمنان علیه السلام در ضمن خطبه مفصلی که در مورد «دجال» ایراد فرموده‌اند، بعد از شرح کشته شدن او می‌فرمایند:

پس از آن «طامة کبری» است. اصحاب پرسیدند: «طامة کبری» چیست؟ فرمودند: خروج «دابة الارض» است که در نزدیکی «صفا» ظاهر می‌شود. انگشتر حضرت سلیمان و عصای حضرت موسی در دست اوست... هنگامی که سرش را بلند می‌کند، همه کسانی که در میان مشرق و مغرب هستند، به قدرت الهی او را می‌بینند؛ و آن پس از طلوع خورشید از مغرب است که در آن هنگام در توبه بسته می‌شود.^۲

در حدیث دیگری فرمودند:

من «دابة الارض» هستم، من صاحب عصایم، من جداکننده حق و باطل در قضایم و من کشتی نجاتم.^۳

اصبغ بن نباته می‌گوید:

به خدمت امیرمؤمنان علیه السلام رسیدم، نان و سرکه و زیتون میل می‌فرمود. از معنای «دابة الارض» پرسیدم، فرمودند: «دابة الارض» نان و سرکه و زیتون می‌خورد.^۴

۱ - بحارالانوار، ج ۶، ص ۳۰۰ / مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۴ / تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۵ / تفسیر تیان، ج ۸، ص ۱۱۹ / نورالثقلین، ج ۴، ص ۹۸.
 ۲ - بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۴ / تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۵ / کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۷.
 ۳ - بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۵ / مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۲۰.
 ۴ - تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۱۱ / بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۲۴۴ / الايقاظ، ص ۳۸۴.

ابو عبدالله جدلی می‌گوید:

امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: «دابة الارض» منم.^۱

امام رضا علیه السلام نیز در تفسیر آیه فوق می‌فرمایند:

«دابة الارض» علی بن ابی طالب است.^۲

ابوالطفیل می‌گوید:

مطالبی را که در مورد رجعت، از سلمان و مقداد و ابی بن کعب شنیده بودم، در کوفه خدمت حضرت علی علیه السلام نقل کردم. امیر مؤمنان علیه السلام همه آنها را تصدیق فرمودند. آنگاه یقین من به رجعت در سطح یقینم به قیامت شد. از مطالبی که از محضر آن حضرت پرسیدم، در مورد «دابة الارض» بود که فرمودند: از این پرسش درگذر. عرض کردم: مرا آگاه ساز. فرمودند: «دابة الارض» جنبه‌ای است که غذا می‌خورد، در بازار راه می‌رود و ازدواج می‌کند. پرسیدم: او کیست؟ فرمودند: او کسی است که استقرار و آرامش زمین به وسیله اوست. گفتم: او چه کسی است؟ فرمودند: او صاحب زمین است. گفتم: کیست؟ فرمودند: او صدیق امت، فاروق امت و ذوالقرنین امت است. گفتم: او چه کسی است؟ فرمودند: او کسی است که علم‌الکتاب نزد اوست. او کسی است که به آنچه از طرف خدا آمده تصدیق نموده؛ روزی که جز من و محمد صلی الله علیه و آله به آن کافر بودند، که به خدا سوگند منم. گفتم: نامش را بفرمایید. فرمودند: گفتم.^۳

با توجه به احادیث یاد شده، هیچ تردیدی نمی‌ماند در این که از نظر روایات شیعه، منظور از «دابة الارض» وجود اقدس امیر مؤمنان علیه السلام است که در عالم رجعت به این جهان باز می‌گردد و

۱ - تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۱۰ / بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۲۴۴.

۲ - مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۵۷۹ / بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۲۴۴.

۳ - کتاب سلیم بن قیس، ص ۶۸ / الايقاظ، ص ۳۶۶.

خروج او یکی از «اشراط الساعة» است و برای او سه رجعت است که با رجعت سوم در توبه بسته می‌شود. عصای موسی و انگشتر سلیمان در دست اوست و او کافر و مؤمن را جدا می‌کند و... تا آخر، نشانه‌هایی است که در ضمن احادیث فوق بیان شد.

از بررسی روایات اهل سنت استفاده می‌شود که روایات آنها نیز بسیار مشابه روایات شیعه است، جز این که به رجعت و به نام مقدس حضرت علی علیه السلام تصریح نکرده‌اند، ولی غالب نشانه‌ها یکی است. اینک، فهرست نشانه‌هایی که در احادیث اهل سنت در مورد «دابة الارض» آمده است را می‌آوریم:

- ۱ - برای دابة الارض سه خروج است.^۱
- ۲ - اولین نشانه، طلوع خورشید از مغرب است و خروج دابة الارض.^۲
- ۳ - خروج دابة الارض از مسجد الحرام است.^۳
- ۴ - خروج دابة الارض از نزدیکی صفاست.^۴
- ۵ - انگشتر حضرت سلیمان و عصای حضرت موسی در دست اوست.^۵
- ۶ - سه مرتبه بانگ برمی‌آورد و همه مردم مشرق و مغرب آن را می‌شنوند.^۶
- ۷ - چون دابة الارض خارج شد، در توبه بسته می‌شود.^۷
- ۸ - دابة الارض مؤمن و کافر را نشان می‌گذارد که برای همه شناخته می‌شوند.^۸
- ۹ - طلوع خورشید از مغرب، ملازم خروج دابة الارض است؛ هر کدام از آن دو جلوتر واقع

۱ - تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۳۸۴ / عقد الدرر، ص ۳۱۳ / تفسیر در المنثور، ج ۵، ص ۱۱۶.
 ۲ - عقد الدرر، ص ۳۱۳ / سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۵۳.
 ۳ - مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۸۴ / عقد الدرر، ص ۳۱۴ / تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۳۸۴.
 ۴ - در المنثور، ج ۵، ص ۱۱۵ / عقد الدرر، ص ۳۱۵ / تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۳۸۴.
 ۵ - تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۳۸۴ / تفسیر در المنثور، ج ۵، ص ۱۱۶ / عقد الدرر، ص ۳۱۶ / سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۴۰.
 ۶ - عقد الدرر، ص ۳۱۵ / تفسیر در المنثور، ج ۵، ص ۱۱۷.
 ۷ - کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۵۸ / صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۳۸ / عقد الدرر، ص ۳۲۲.
 ۸ - عقد الدرر، ص ۳۱۸ / تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۳۸۴ / تفسیر در المنثور، ج ۵، ص ۱۱۶.

شود، آن دیگری به دنبال آن واقع می‌شود.^۱

۱۰ - خروج دابة الارض، یکی از اشراط ساعة دهگانه‌ای است که پیش از قیامت بدون تردید تحقق خواهند یافت.

اشراط ساعة در احادیث اهل سنت ده چیز است:

۱ - خروج دابة الارض.

۲ - طلوع خورشید از مغرب.

۳ - نزول حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام.

۴ - خروج دجال.

۵ - فتح یاجوج و ماجوج.

۶ - آتشی که از قعر عدن خارج می‌شود.

۷ - دخان، طوفان و یا گردباد - به اختلاف احادیث.

۸ - خسفی در مشرق.

۹ - خسفی در مغرب.

۱۰ - خسفی در جزیره العرب.^۲

از بررسی احادیث فوق به این نتیجه می‌رسیم که روایات اهل سنت در مورد «دابة الارض» دقیقاً با روایات شیعه منطبق است، جز این که تصریح نکرده‌اند که منظور از آن مولای متقیان امیرمؤمنان علیه السلام می‌باشد.

از خدای منان مسألت می‌نماییم که از روی لطف و کرم خود، از بقیه غیبت حضرت بقیة الله روحی فداء صرف نظر فرماید و آن روزهای مسعود و حوادث شگرف و شگفت را نصیبمان نماید. ان شاء الله.

۱ - صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۶۰ / سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۱۲ / کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۵۸.
۲ - عقد الدرر، ص ۳۲۷ / سنن ترمذی، ج ۴، ص ۴۷۷ / سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۱۲ / کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۵۷ / صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۲۶.

﴿ ۳۴ ﴾

﴿ وَ يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴾^۱
 روزی که از هر امتی گروهی را برمی انگیزیم که آیات ما را تکذیب می کردند،
 پس آنها بازداشته می شوند.

این آیه یکی از روشن ترین آیات رجعت است؛ چون در روز قیامت همه مردم بدون استثنا برانگیخته می شوند ولی در این آیه از روزی گفت وگو شده که در آن از هر امتی گروهی برانگیخته خواهد شد، به خصوص که این آیه بعد از آیه «دَابَّةُ الْأَرْضِ» آمده که به اتفاق شیعه و سنی پیش از قیامت و از اشراط ساعه است، و جالب تر این که آیه «نَفْخُ صُورٍ» هم به دنبال آن آمده است.
 از محضر امام صادق علیه السلام در مورد این آیه سؤال شد، فرمودند:

مردم در این زمینه چه می گویند؟ سؤال کننده گفت: آنها می گویند این آیه در مورد قیامت است. فرمودند: آیا خداوند در روز قیامت گروهی را برمی انگیزد و گروه دیگری را فرو می گذارد؟! این آیه در مورد «رجعت» است، اما آیه قیامت این آیه است:

﴿ وَ حَشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴾^۲ آنان را برانگیختیم و احدی از آنها را
 فروگذار نشدیم.^۳

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه قبلی - دَابَّةُ الْأَرْضِ - می فرمایند:

دلیل این که این آیه در مورد رجعت است، آیه «وَ يَوْمَ نَحْشُرُ» است، که منظور از «آیات» در این آیه، امیرمؤمنان و دیگر امامان معصوم علیهم السلام هستند. راوی گفت: دیگران خیال می کنند که این آیه در مورد قیامت است! فرمودند: آیا خداوند در روز قیامت گروهی را مبعوث می کند و گروه دیگری را فرو

۱ - نمل: ۸۳.

۲ - کهف: ۴۷.

۳ - تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۱۰ / تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۰۰ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۱.

می‌گذارد؟! و لکن این آیه در مورد رجعت است، آیه‌ای که در مورد قیامت است آیه «وَ حَشْرَنَاهُمْ» می‌باشد.^۱

سید مرتضی علم‌الهدی نیز در کتاب «محکم و متشابه» از امیرمؤمنان علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند:

اما پاسخ کسی که رجعت را انکار کند، این آیه شریفه است که می‌فرماید: ﴿ وَ يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا ﴾ که مربوط به این دنیا است، اما در باره برانگیخته شدن در آخرت، آیه ﴿ وَ حَشْرَنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴾ می‌باشد.^۲

ابوبصیر می‌گوید: به خدمت امام باقر علیه السلام مشرف شدم، فرمودند:

آیا مردم عراق رجعت را انکار می‌کنند؟ گفتم: آری. فرمودند: مگر نمی‌خوانند این آیه را: ﴿ وَ يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا ﴾؟^۳

شیخ مفید در کتاب «الفصول المختاره» می‌نویسد:

روزی «سید حمیری» در مجلس منصور دوانیقی شعر می‌خواند که «سوار قاضی» زبان به ملامت گشود و گفت: این شخص به رجعت قائل است. سید گفت: آری من قائل به رجعت هستم، چنان که خدای تبارک و تعالی در قرآن کریم فرموده است: «وَ يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا» و در جای دیگر فرموده: «وَ حَشْرَنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا» از بررسی این دو آیه می‌فهمیم که دو حشر است؛ در یکی همه انسان‌ها برانگیخته می‌شوند و در دیگری از هر امتی گروهی برانگیخته می‌شود.^۴

۱ - تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۶ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۱۰ / تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۹۹ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۳.

۲ - بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۸۶ و ج ۵۳، ص ۱۱۸ / الایقاظ، ص ۳۷۷.

۳ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۴۷ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۱۱ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۰.

۴ - مجالس، ص ۱۳۰ / الغدير، ج ۲، ص ۲۵۸ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۳۱.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

هیچ مؤمنی کشته نمی‌شود، جز این که رجعت می‌کند و در رختخواب می‌میرد،
و هیچ مؤمنی در بستر نمی‌میرد، جز این که رجعت می‌کند و کشته می‌شود.^۱

در ذیل آیه سیزدهم به تفصیل در این مورد سخن گفتیم. در تفسیر همین آیه از امام
صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

تنها کسی در رجعت برمی‌گردد که مؤمن خالص و یا کافر خالص باشد.^۲

در روایات بسیاری از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام وارد شده که گروهی از دشمنان
اهل بیت که در دشمنی حدّ و مرزی نشناخته‌اند، به هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام زنده
می‌شوند، و گروهی از دوستان اهل بیت علیهم السلام که در راه دوستی آن‌ها مشکلات فراوانی را تحمل
نموده‌اند زنده می‌شوند، تا این گروه از آن گروه انتقام بکشند و دل‌هایشان خنک شود، آنگاه هر
گروهی به سزای اعمال خود می‌رسد.^۳

مرحوم طبرسی در تفسیر پر ارج «مجمع البیان» در ذیل همین آیه می‌نویسد:

روایات بسیار فراوانی - در حدّ استفاضه - از اهل بیت علیهم السلام رسیده است که خدای
تبارک و تعالی به هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام گروهی از دوستان و شیعیان
آن حضرت را که پیش از قیام او از دنیا رفته‌اند باز می‌گرداند تا به ثواب یاری آن
حضرت برسند و با دیدن آن روزگار میمون مسرور شوند، و گروهی از دشمنان
او را نیز باز می‌گرداند، تا به دست شیعیان از آن‌ها انتقام گرفته شود و با دیدن
شکوه و عظمت آن حضرت خوار و زیون شوند.^۴

۱ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۴۷ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۱۱ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۰.
۲ - نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۰۰.
۳ - جوامع الجامع، ص ۳۴۱ / تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۰۱.
۴ - مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۴.

مرحوم فیض کاشانی نیز همین فراز را در تفسیر خود آورده و بر آن تأکید نموده است.^۱ شیخ حرّ عاملی نیز همین فراز را عیناً در کتاب پر ارج «الایقاظ» آورده است.^۲

﴿ ۳۵ ﴾ ﴿ سَیْرِكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا ﴾^۳

به زودی نشانه‌های خود را به شما ارائه می‌دهد و شما آن‌ها را می‌شناسید.

مفسران شیعه این آیه را چنین معنا کرده‌اند:

هنگامی که در عالم رجعت، به این جهان بازگردید و آن آیات الهی نیز به این جهان بازگردند، آن‌ها را خواهید دید و خواهید شناخت، ولی دیگر دیر شده است، آن شناخت شما را سودی نمی‌بخشد.^۴

در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است:

منظور از آیات الهی، وجود مقدّس امیر مؤمنان و دیگر امامان معصوم علیهم‌السلام هستند که در عالم رجعت به این جهان برمی‌گردند و دشمنانشان اگر آن‌ها را در دنیا دیده باشند می‌شناسند. چنان که امیر مؤمنان علیه‌السلام می‌فرمایند: خداوند آیتی بزرگ‌تر از من نیافریده است.^۵

در تفسیر آیه ۱۰۱ از سوره یونس، از امام صادق علیه‌السلام روایت شده که فرمودند:

منظور از آیت‌های الهی، آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند.^۶

۱ - تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۶.

۲ - الایقاظ، ص ۳۵.

۳ - نمل: ۹۳.

۴ - تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۹.

۵ - تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۹ / الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۳۶ / تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۰۶ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۳.

۶ - تفسیر برهان، ج ۲، ص ۲۰۴.

و نیز در تفسیر آیه ۷۳ از سوره بقره، روایت شده که منظور از آیات الهی امیرمؤمنان و دیگر امامان معصوم ﷺ هستند که در رجعت برمی گردند.^۱ همچنین در تفسیر دهها آیه دیگر، لفظ «آیات» به امامان معصوم ﷺ تفسیر شده است.^۲

﴿ ۳۶ ﴾ ﴿ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴾^۳

و ما اراده کرده ایم بر آنان که در روی زمین به ضعف کشیده شده اند منت نهاده، آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.

مفضل می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند:

روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله به علی، حسن و حسین علیهم السلام نگاه کردند و گریستند، آنگاه فرمودند: شما کسانی هستید که بعد از من به ضعف کشیده می شوید. مفضل می گوید: گفتم ای فرزند رسول خدا! معنای این جمله چیست؟ فرمودند: معنای آن این است که شما بعد از من پیشوا و وارث هستید که خدای تبارک و تعالی می فرماید: ﴿ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ... ﴾^۴.

ابوالصلاح کنانی می گوید:

در خدمت امام باقر علیه السلام بودم، به سوی فرزند بزرگوارشان امام صادق علیه السلام نگاه کردند و فرمودند: او را می بینی؟ او از کسانی است که خدای تبارک و تعالی در

۱ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۳۹ / الايقاظ، ص ۹۳.

۲ - مستدرک سفینه، ج ۱، ص ۱۷۳-۱۷۴.

۳ - قصص : ۵.

۴ - معانی الاخبار، ص ۷۹ / تفسیر صافی، ج ۴، ص ۸۰ / تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۱۰ / تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۱۷.

حَقُّشَ فَرَمُودَه اسْت: ﴿ وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ... ﴾^۱.

امیرمؤمنان علیه السلام در یکی از کلمات قصار خود می فرمایند:

دنیا پس از چموشی به ما روی می آورد، آن چنان که شتر بدخو به بچه اش روی می آورد. سپس این آیه را تلاوت فرمودند: ﴿ وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ... ﴾^۲.

از بررسی احادیث یاد شده و احداث دیگری که در این زمینه وارد شده استفاده می شود که ائمه معصومین علیهم السلام، کلمه «مستضعف» را در این آیه به امامان معصوم تفسیر نموده اند، و در نتیجه در این آیه وعده داده شده که امامان معصوم علیهم السلام روزی وارث زمین و فرمانروای جهان خواهند شد. این وعده در گذشته انجام نشده، پس در آینده محقق می شود؛ زیرا وعده های پروردگار متعال هرگز تخلف پذیر نیست.

در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است که این آیه در «رجعت» تحقق می یابد.^۳ سید مرتضی نیز در کتاب «محکم و متشابیه» از امیرمؤمنان علیه السلام روایت می کند که این آیه از ادله رجعت است. در حدیث مفصلی که مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام در مورد ظهور حضرت بقیة الله روحی فداء و رجعت امامان معصوم علیهم السلام روایت کرده، از رجعت امام حسین، سپس امیرالمؤمنین و بعد از آن رجعت رسول اکرم صلوات الله علیهم اجمعین به تفصیل گفت و گو شده، آنگاه امام صادق علیه السلام می فرمایند: در آن موقع آیه ﴿ وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ... ﴾. تحقق پیدا می کند.^۴

در ذیل آیه بیست و هشتم، حدیثی از تفسیر علی بن ابراهیم نقل کردیم که در آن به استناد این آیه، از رجعت امام حسین علیه السلام گفت و گو شده بود.^۵

۱ - ارشاد مفید، ص ۲۷۱ / تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۱۸ / مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۹.
۲ - نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۲۰۹ / مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۹ / الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۳۷.
۳ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۱ / الايقاظ، ص ۳۳۳.
۴ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷ / الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۳۷.
۵ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۲ / الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۳۵.

﴿ ۳۷ ﴾ ﴿ أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ ﴾^۱

آیا کسی که به او وعده نیکو داده‌ایم و او بدون تردید به آن خواهد رسید.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

کسی که در این آیه وعده داده شده، علی بن ابی طالب علیه السلام است. خدای تبارک و تعالی به او وعده داده است که در دنیا برای او از دشمنانش انتقام بگیرد و در آخرت به او و دوستان او بهشت عطا کند.^۲

این وعده هنوز تحقق نیافته، ان شاء الله در رجعت محقق می‌شود و از همه دشمنان اهل بیت علیهم السلام به دست آقا امیرمؤمنان علیه السلام انتقام گرفته می‌شود.

﴿ ۳۸ ﴾ ﴿ إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ ﴾^۳

به راستی خداوندی که - عمل به - قرآن را بر تو واجب کرد، تو را به بازگشتگاه بازگرداند.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سوی شما بازمی‌گردد.^۴

امام سجّاد علیه السلام نیز در تفسیر این آیه می‌فرمایند:

پیامبرتان به سوی شما برمی‌گردد.^۵

۱ - قصص : ۶۱.

۲ - مستدرک سفینه، ج ۴، ص ۱۲۱ / الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۴۷ / تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۳۴ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷۶.

۳ - قصص : ۸۵.

۴ - تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۳۹ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۶.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۶.

در تفسیر قمی نیز از امام زین العابدین علیه السلام روایت شده که این آیه مربوط به رجعت است.^۱
ابو خالد کابلی از امام زین العابدین علیه السلام روایت می‌کند که در تفسیر این آیه فرمودند:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله، امیر مؤمنان و امامان علیهم السلام به سوی شما باز می‌گردند.^۲

از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده که منظور از این آیه، عالم رجعت است.^۳ مرحوم سید مرتضی علم الهدی در کتاب «محکم و متشابه» از امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرده که این آیه مربوط به رجعت دنیاست.^۴

در محضر امام باقر علیه السلام از جابر بن عبدالله انصاری گفت و گو شد. امام باقر علیه السلام فرمودند:

خداوند رحمت کند جابر را، او از فقهای ما بود. دانش او تا به آنجا رسیده بود که می‌دانست آیه ﴿ إِنَّ الَّذِي فَرَضَ ﴾ مربوط به رجعت است.^۵

از امام صادق علیه السلام تفسیر این آیه را پرسیدند، فرمودند:

به خدا سوگند، دنیا سپری نمی‌شود تا رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام در تُوَّیَه^۶ همدیگر را ملاقات کنند و در آنجا مسجدی بسازند که دوازده هزار در داشته باشد.^۷

۱ - تفسیر قمی، ذیل آیه ۸۵ سوره مبارکه قصص.
۲ - تفسیر صافی، ج ۴، ص ۱۰۷ / تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۲۹ / تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۴۴ / الزام النَّاصِب، ج ۲، ص ۳۳۸.
۳ - مستدرک سفینه، ج ۴، ص ۱۲۰.
۴ - بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۸۷.
۵ - تفسیر صافی، ج ۴، ص ۱۰۷ / تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۴۰ / تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۴۴ / الزام النَّاصِب، ج ۲، ص ۳۴۸ / الايقاظ، ص ۳۳۳.
۶ - نام سرزمینی در نواحی کوفه است که قبر ابوموسی اشعری در آنجا قرار دارد. مستدرک سفینه ج ۱، ص ۴۲۹.
۷ - تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۴۰ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۳ / الايقاظ، ص ۳۸۶.

﴿ ۳۹ ﴾

﴿ وَ لَنَذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴾^۱

بدون تردید، پیش از فرا رسیدن عذاب بزرگ‌تر، از عذاب نزدیک‌تر به آنها می‌چشایم، شاید به سوی حق بازگردند.

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده که مراد از عذاب نزدیک‌تر عذاب «دابة» و «دجال» است.^۲

در ذیل آیه سی و دوم گفتیم که مراد از «دابة» رجعت آقا امیرمؤمنان علیه السلام است. طبق این بیان، در این آیه از دو جهت در مورد رجعت بحث شده: یکی این که کفار برمی‌گردند تا عذاب شوند، دیگر این که آن دست انتقام الهی باز می‌گردد تا آنها را به سزای خود برساند.

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام وارد شده که منظور از «عذاب ادنی» و «دابة الارض» علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۳

همچنین از امام صادق علیه السلام روایت شده که منظور از «عذاب ادنی» عذاب رجعت است.^۴ و نیز در تفسیر قمی آمده است که منظور از «عذاب ادنی» عذاب شمشیر در رجعت است.^۵

﴿ ۴۰ ﴾

﴿ قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴾^۶

بگو که در روز فتح، کافران را ایمان آوردن سودی نمی‌بخشد و به آنها مهلت داده نمی‌شود.

در تفسیر قمی آمده است:

۱ - سجده: ۲۱.

۲ - مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۳۲ / تفسیر صافی، ج ۴، ص ۱۵۸.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۴ / تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۸۸.

۴ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۳۸ / مستدرک سفینه، ج ۴، ص ۱۱۹ / تفسیر بصائر، ج ۳۱، ص ۴۵۳ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۴.

۵ - تفسیر صافی، ج ۴، ص ۱۵۸ / تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۳۱ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۶.

۶ - سجده: ۲۹.

هنگامی که رسول خدا ﷺ اخبار رجعت را بیان فرمودند، سؤال شد: روز فتح چه روزی است؟ فرمودند: در روز فتح کافران را ایمان آوردن سودی نمی‌بخشد و به آن‌ها مهلت داده نمی‌شود.^۱

علی بن ابراهیم گوید: این آیه در مورد رجعت است.^۲

﴿ ۴۱ ﴾ ﴿ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا ﴾^۳

ما تو را نفرستادیم، جز بشارت دهنده و بیم دهنده برای همه مردمان.

تردید نیست که رسول اکرم ﷺ برای همه جهانیان مبعوث شده است، ولی دعوت او در زمان خودش به همه مردمان نرسیده، پس چگونه ممکن است که بشارت دهنده و بیم دهنده همه جهانیان باشد؟ در روایات معصومین علیهم‌السلام پاسخ‌هایی به این سؤال داده شده است. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

این آیه در رجعت تحقق می‌یابد.^۴

همچنین در حدیث دیگری فرموده‌اند: دلالت این آیه بر اثبات رجعت، از آیه‌های سی و دوم و سی و هفتم محکم‌تر است.^۵

﴿ ۴۲ ﴾ ﴿ قَالُوا يَا وَرَثَتَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا ﴾^۶

گویند: ای وای بر ما، چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت!؟

۱ - تفسیر صافی، ج ۴، ص ۱۶۰ / تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۳۳.
۲ - تفسیر قمی، ذیل آیه ۲۹ سوره مبارکه سجده.
۳ - سبأ: ۲۸.
۴ - مستدرک سفینه، ج ۴، ص ۱۲۰ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۲.
۵ - تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۴۰ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۳.
۶ - یس: ۵۲.

این آیه در مورد منکران و ملحدان است که در رجعت برای کیفر شدن باز می گردند. چون از قبر بیرون آیند و خود را در این دنیا ببینند، تصور می کنند که این مدت را خواب بوده اند، از این رو می پرسند: چه کسی ما را از خوابگاه خود برانگیخت؟
حسن بن شاذان می گوید:

گروهی از عثمانی ها در شهر واسط مرا آزار می کردند و در هر فرصتی ضربه هایی بر من وارد می نمودند. من نامه ای به خدمت امام رضا علیه السلام نوشتم و از آزارهای مردم واسط به محضر آن حضرت شکایت کردم. امام رضا علیه السلام با خط شریف خود در پاسخ نوشتند:

خدای تبارک و تعالی از دوستان ما پیمان گرفته که در حکومت های باطل در برابر آزار دشمنان صبر کنند. هنگامی که اشرف مخلوقات قیام کند، خواهند گفت: ای وای بر ما، چه کسی ما را از خوابگاه های خود برانگیخته است.^۱

﴿ قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَنَا اثْنَتَيْنِ وَأَخْيَبْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ ﴾^۲ ﴿ ۴۳ ﴾

گویند: پروردگارا! ما را دو بار میراندی، و دو بار زنده کردی، و ما به گناهانمان اقرار کردیم. آیا راهی برای رهایی هست؟

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

این آیه مربوط به رجعت است.^۳

۱ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۴۸ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۱۲ / تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۳۸۸ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۸۹.
۲ - غافر (مؤمن): ۱۱.
۳ - تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۳۶ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۹۳ / تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۱۳ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۶ / مستدرک سفینه، ج ۴، ص ۱۲۱.

مرحوم شیخ مفید در «مجالس» داستان مفصلی در مورد سعایت سوار از سید حمیری، نزد منصور دوانیقی نقل کرده، که سید حمیری با این آیه بر اثبات رجعت استدلال نموده است.^۱ امام رضا علیه السلام نیز در تفسیر این آیه فرمودند:

به خدا سوگند این آیه در مورد رجعت است.^۲

تقریباً همه مفسران در تفسیر دو مرگ و دو زندگی دچار اضطراب شده‌اند و تفسیرهایی نموده‌اند که پایه استواری ندارد. غالباً گفته‌اند که یکی از مرگ‌ها و زندگی‌ها مربوط به قبر است؛ به این معنی که انسان در قبر زنده می‌شود تا به سوالات نکیر و منکر پاسخ دهد و سپس می‌میرد و در نتیجه دوبار زنده شده (یکی در دنیا و دیگری در قبر) و دوبار مرده است (یکی در دنیا و دیگری در قبر).^۳

برخی از مفسرین با مسأله زندگی برزخی، دو مرگ و دو زندگی درست کرده‌اند؛ به این معنی که یک بار در دنیا می‌میرند و بار دیگر در عالم برزخ، یک مرتبه در عالم برزخ زنده می‌شوند و بار دوم در عالم آخرت.^۴

ما در پرتو احادیث فراوانی که از امامان معصوم علیهم السلام رسیده و تصریح کرده که این آیه در مورد «رجعت» است، نیاز به هیچ توجیهی نداریم؛ زیرا افرادی که در رجعت زنده می‌شوند، در حقیقت دوبار می‌میرند و دوبار زنده می‌شوند؛ یکبار در این زندگی می‌میرند و بار دیگر به هنگام رجعت، یک دفعه برای رجعت زنده می‌شوند و بار دیگر برای رستاخیز. در این جا روایتی از امام باقر علیه السلام رسیده است که این معنا را به روشنی بیان می‌کند:

این آیه منحصرأ در مورد گروه‌هایی است که بعد از مرگ رجعت می‌کنند، و این

۱ - مجالس، ص ۱۳۰ / الغدير، ج ۲، ص ۲۵۸ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۳۱.

۲ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۴۹ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۴.

۳ - مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۱۶.

۴ - المیزان، ج ۱۷، ص ۳۳۱.

گفت‌وگو در روز قیامت واقع می‌شود.^۱

اگر این گفت‌وگو در رجعت واقع شود، دو مرگ و دو زندگی مفهوم ندارد، ولی اگر آنان که در رجعت به این جهان بازگشته‌اند، در روز قیامت بگویند: «خدایا ما را دوبار زنده کردی و دوبار میراندی» دقیقاً درست است.

ممکن است خواننده گرامی تصور کند که در واقع سه زندگی وجود دارد، چون ما زندگی دنیا را در این جا به حساب نیاوردیم. این درست است، ولی در متن آیه تعبیر «زنده کردی» آمده که این تعبیر زندگی دنیا را شامل نمی‌شود؛ زیرا زنده کردن هنگامی گفته می‌شود که مسبوق به مرگ باشد. کودکی که دیده به جهان می‌گشاید، خدایش او را ایجاد می‌کند، می‌آفریند، نه این که زنده می‌کند. همچنین در این جا زنده شدن در قبر را نیز به حساب نیاوردیم؛ زیرا از روایات استفاده می‌شود که آن زنده شدن حیات کامل نیست، بلکه نوعی حیات برزخی است.^۲

﴿ ۴۴ ﴾ ﴿ إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ ﴾^۳

بی شک ما رسولان خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند یاری می‌کنیم؛ در این دنیا و در روزی که گواهان برخیزند.

بی شک نصرت و پیروزی که در این آیه وعده داده شده، تاکنون تحقق نیافته است و خداوند هرگز خلف وعده نمی‌کند، پس ناگزیر باید در آینده تحقق یابد، به خصوص که به هنگام نزول قرآن جز رسول اکرم ﷺ پیامبر دیگری در قید حیات نبود - غیر از عیسی، خضر، الیاس و ادريس ﷺ. پس برای تحقق یافتن این وعده راهی جز رجعت نیست.^۴

در تفسیر این آیه امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

۱ - الزام النَّاصِب، ج ۲، ص ۳۴۹ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۶ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۹۳.
 ۲ - الايقاظ، ص ۸۴.
 ۳ - غافر (مؤمن): ۵۱.
 ۴ - مستدرک سفینه، ج ۴، ص ۱۱۹.

به خدا سوگند، این آیه در مورد رجعت است. مگر نمی‌دانید که پیامبران بسیاری در این دنیا کشته شدند و نصرت خدا به آن‌ها نرسید، امام‌ها کشته شدند و نصرت و یاری خدا به آن‌ها نرسید. این آیه در رجعت تحقق پیدا می‌کند.^۱

در تفسیر قمی آمده است که منظور از «گواهان» در این آیه «امامان» هستند.^۲ امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی که از رجعت امام حسین و حضرت علی علیه السلام بحث می‌کنند، می‌فرمایند:

اول کسی که سر از خاک برمی‌دارد حسین بن علی علیه السلام است با ۷۵ هزار تن. و این است معنای کلام خدای تبارک و تعالی که می‌فرماید: ﴿ إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا... ﴾^۳

علی بن ابراهیم در تفسیرش روایت کرده که این آیه مربوط به روزی است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام رجعت می‌کنند.^۴ امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

حسین بن علی علیه السلام از آن‌هاست. او هنوز یاری نشده است. آری، قاتلان او کشته شدند ولی هنوز انتقام او گرفته نشده است.^۵

شیخ مفید علیه‌الرحمه در «مسائل عکبریّه» در تفسیر این آیه می‌نویسد:

شیعیان عقیده دارند که خدای تبارک و تعالی وعده نصرت خود را در مورد دوستانش، پیش از آخرت تحقق خواهد بخشید و آن هنگامی است که قائم علیه السلام

۱ - الزام النَّاصِب، ج ۲، ص ۳۳۸ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۱۰۱ / تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۲۶ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۵ / تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۴۵.
۲ - تفسیر برهان، ج ۴، ص ۱۰۱ / تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۴۵.
۳ - الايقاظ، ص ۳۸۲ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۱۰۱ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۶.
۴ - الايقاظ، ص ۳۴۴.
۵ - کامل الزیارات، ص ۶۳ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۱۰۱.

قیام کند و در پایان آن مؤمنین رجعت می‌کنند و وعده الهی تحقق می‌یابد.^۱

﴿ ۴۵ ﴾ ﴿ وَيُزِيكُمُ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ ﴾^۲

آیات خویش را به شما می‌نماید، پس کدامیک از آیات خدا را انکار می‌کنید.

علی بن ابراهیم در تفسیر این آیه آورده است:

منظور از آیات الهی در این آیه، وجود مقدس امیرمؤمنان و دیگر امامان معصوم علیهم‌السلام هستند که در رجعت بازمی‌گردند. کافران آن‌ها را می‌بینند و می‌گویند: «ما به خدای یکتا ایمان آوردیم و آنچه را که به او شریک قرار می‌دادیم، دیگر باور نداریم. در آن هنگام که عذاب ما را دیدند دیگر ایمان آوردن، آن‌ها را سودی نمی‌بخشد».^۳

در ده‌ها حدیث، به تناسب‌های مختلف از معصومین علیهم‌السلام روایت شده است که منظور از «آیات الهی» حضرت علی و دیگر معصومین علیهم‌السلام هستند.^۴

﴿ ۴۶ ﴾ ﴿ وَ تَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِّنْ سَبِيلٍ ﴾^۵

ستمگران را می‌بینی، هنگامی که عذاب را ببینند گویند: آیا راهی برای بازگشت هست؟

۱ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۳۰.

۲ - غافر (مؤمن): ۸۱.

۳ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۳۹ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۶.

۴ - تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۹ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۲۰۴ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۳ / الايقاظ، ص ۹۳.

۵ - شوری: ۴۴.

علی بن ابراهیم در تفسیر این آیه روایت کرده که منظور از «عذاب» در این آیه، رجعت علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۱ هنگامی که امیرمؤمنان علیه السلام آن دست انتقام الهی رجعت کند، ستمگران آرزو می‌کنند که ای کاش بتوانند به زندگی قبلی برگردند و توبه کنند و عمل شایسته انجام دهند، ولی در رجعت راه توبه بسته می‌شود.

﴿ ۴۷ ﴾ ﴿ فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ ۝ يَغشى النَّاسَ ﴾^۲
منتظر باش روزی را که آسمان، دودی آشکار بیاورد و مردم را فراگیرد.

علی بن ابراهیم در ضمن حدیثی طولانی روایت کرده که این آیه مربوط به رجعت است و هنگامی که از قبر بیرون آیند، می‌بینند که آسمان را دود فرا گرفته است.^۳ در احادیث اهل سنت نیز در مورد «دخان» به تفصیل سخن رفته است. آن‌ها معتقدند که در آستانه فرارسیدن قیامت، ده نشانه به طور قطع واقع خواهد شد که یکی از آن‌ها دخان است و این نشانه‌های دهگانه را «اشارات ساعة» می‌نامند. احادیث دخان در تفاسیر و مجامع حدیثی آن‌ها بسیار فراوان است.^۴ در احادیث شیعه نیز «دخان» از «اشارات ساعة» شمرده شده است.^۵ از بررسی احادیث مربوط به دخان استفاده می‌شود که این نشانه از نشانه‌های دهگانه، در اواخر رجعت و در آستانه قیامت قیامت تحقق پیدا می‌کند.

۱ - تفسیر برهان، ج ۴، ص ۱۲۹ / الايقاظ، ص ۹۳.

۲ - دخان: ۱۰ و ۱۱.

۳ - تفسیر برهان، ج ۴، ص ۱۶۰ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۷ / لزام الناصب، ج ۲، ص ۳۵۰ / الايقاظ، ص ۹۴ / تفسیر صافی، ج ۴، ص ۴۰۵ / نور الثقلین، ج ۴، ص ۶۲۷.

۴ - صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۲۶ / سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۱۲ / کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۵۷ / عقد الدرر، ص ۳۲۷ / تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۲۷۲.

۵ - تفسیر صافی، ج ۴، ص ۲۹۷ / بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۹۷، ۳۰۱.

﴿ ۴۸ ﴾ ﴿ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا ۱﴾

انسان را در مورد پدر و مادرش به نیکویی سفارش کردیم، مادرش او را به دشواری حمل کرد و به دشواری [بار] او را بنهاد.

این آیه از دو جهت با امام حسین علیه السلام ارتباط دارد؛

اول: این که لفظ «کره» گذشته از مشقت و دشواری، حالت اکراه را نیز می‌رساند و حضرت فاطمه علیها السلام که از سرنوشت فرزندشان آگاه شده بودند، در وضع حمل او نوعی اکراه داشته و فرمودند:

من چگونه بخواهم فرزندی را که به چنان طرز فجیعی خواهند کشت.

دوم: این که در ذیل این آیه به حداقل مدت حمل اشاره شده که شش ماه است و امام حسین علیه السلام شش ماهه به دنیا آمده بودند. در ضمن احادیثی که در تفسیر این آیه از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام رسیده، آمده است:

خداوند متعال پیامبرش را آگاه ساخت که چه مصیبت‌هایی از قتل و غیره به امام حسین علیه السلام و اهل بیت او خواهد رسید، و در مقابل امامت در نسل او باقی خواهد بود. خدایش به او خبر داد که امام حسین علیه السلام کشته می‌شود، ولی بعداً به این دنیا باز می‌گردد و بر اریکه سلطنت می‌نشیند و دشمنانش را نابود می‌کند و بر سراسر جهان فرمانروایی می‌نماید... خداوند به پیامبرش نوید داد که اهل بیتش یک بار دیگر به این جهان باز می‌گردند و دشمنانشان را می‌کشند و بر سراسر زمین حکم می‌رانند.^۲

۱ - احقاف: ۱۵.

۲ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۳۹ / تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۱۱ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۲ / الايقاظ، ص ۳۴۵.

﴿ ۴۹ ﴾ ﴿ قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴾^۱

بگو به کسانی که ایمان آورده‌اند، بگذرند از کسانی که به روزهای خداوند امید ندارند، تا خداوند پاداش دهد هر قومی را در برابر آنچه کسب می‌کردند.

گفته می‌شود:

یکی از کفار فردی از اصحاب پیامبر ﷺ را دشنام داد. آن صحابی در صدد انتقام برآمد، که خداوند این آیه را فرستاد و آن صحابی را به گذشت فرمان داد تا در یوم‌الله رجعت از او انتقام گرفته شود.^۲

در تفسیر این آیه از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

روزهای موعود خداوند سه روز است:

۱ - روز قیام قائم علیه السلام ۲ - روز رجعت. ۳ - روز قیامت.^۳

در تفسیر آیه هجدهم نیز به تفصیل از «ایام‌الله» سخن گفتیم و طی احادیثی از امام باقر و امام صادق علیه السلام سخن فوق را نقل کردیم.

﴿ ۵۰ ﴾ ﴿ وَ اسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ ۝ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ ﴾^۴

گوش فراده روزی را که منادی از جایی نزدیک آواز دهد. روزی که آن صیحه را به حق بشنوند، آن روز، روز خروج است.

۱ - جائیه : ۱۴.

۲ - تفسیر کبیر، ج ۲۷، ص ۲۶۲ / تفسیر ابوالفتوح، ج ۱۰، ص ۱۳۰.

۳ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۵۰.

۴ - ق: ۴۱ و ۴۲.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند: آن روز، روز رجعت است.^۱

﴿ ۵۱ ﴾ ﴿ يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ ﴾^۲

روزی که زمین - از فراز آن‌ها - شتابان شکافته شود. آن روز حشری است برای ما آسان.

در این آیه که دنباله آیه قبلی است، از شکافته شدن قبرها و بیرون آمدن انسان‌ها و شتافتن آن‌ها به سوی سرزمین‌های موعود سخن رفته است. در تفسیر علی بن ابراهیم روایت شده که این آیه نیز در مورد رجعت نازل شده است.^۳

﴿ ۵۲ ﴾ ﴿ يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُقْتَلُونَ ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ﴾^۴

روزی که آنان بر آتش آزموده شوند [گفته می‌شود:] بپشید عذاب خود را، این است آنچه بدان شتاب می‌کردید.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

در رجعت آزموده می‌شوید؛ آن چنان که طلا آزموده می‌شود و حقیقت هر چیزی آشکار می‌گردد.^۵

۱ - تفسیر صافی، ج ۵، ص ۶۵ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۲۹ / تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۱۹ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۵ / الایقاظ، ص ۹۴ / الزام النَّاصِب، ج ۲، ص ۳۵۰.
۲ - ق: ۴۴.

۳ - تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۶۵ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۲۹ / تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۱۱۹ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۸ / الایقاظ، ص ۹۵ / الزام النَّاصِب، ج ۲، ص ۳۵۰.

۴ - ذاریات: ۱۳ و ۱۴.

۵ - الزام النَّاصِب، ج ۲، ص ۳۵۱ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۳۱ / تفسیر بصائر، ج ۴۱، ص ۱۲۸.

﴿ ۵۳ ﴾ ﴿ وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ ﴾^۱

روزی شما و آنچه به شما وعده داده می‌شود در آسمان است.

در تفسیر علی بن ابراهیم آمده:

مراد از آنچه وعده داده می‌شود، اخبار رجعت و قیامت است.^۲

﴿ ۵۴ ﴾ ﴿ وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴾^۳

بی‌گمان ستمکاران را عذابی است پیش از آن (قیامت) و لکن بیشترشان نمی‌دانند.

در این آیه برای ستمکاران، پیش از عذاب آخرت عذابی دیگر وعده داده شده، که دقیقاً با رجعت منطبق است. علی بن ابراهیم در تفسیر خود می‌نویسد:

منظور از ستمکاران در این آیه، کسانی هستند که به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام ستم کرده‌اند، و منظور از عذاب، لبه شمشیر انتقام در عالم رجعت است.^۴

﴿ ۵۵ ﴾ ﴿ مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ ﴾^۵

به سوی دعوت کننده (صاحب صیحه) می‌شتابند و کافران گویند: امروز روز دشواری است.

۱ - ذاریات : ۲۲.

۲ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۵۱ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۳۲ / تفسیر بصائر، ج ۴۱، ص ۱۳۰ / الايقاظ، ص ۹۵ / نور الثقلين، ج ۵، ص ۱۲۴.

۳ - طور : ۴۷.

۴ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۵۱ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۴۳ / تفسیر بصائر، ج ۴۱، ص ۳۶۱ / تفسیر صافی، ج ۵، ص ۸۳ / نور الثقلين، ج ۵، ص ۱۴۳ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳ / مستدرک سفینه، ج ۴، ص ۱۲۱.

۵ - قمر : ۸.

در تفسیر قمی آمده است:

این آیه مربوط به رجعت است. چون به کافران فرمان رجعت داده شود، گویند: امروز روز بسیار سختی است.^۱

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَتَّبِعُوا مِنَ الْآخِرَةِ
كَمَا يَتَّبِعُ الْكُفَّارُ مِنَ أَصْحَابِ الْقُبُورِ ﴾^۲

﴿ ۵۶ ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از گروهی که خداوند بر آن‌ها خشم کرده پیروی نکنید، آن‌ها از آخرت مأیوس شده‌اند چنان که کفار از اهل قبور.

امیرمؤمنان علیه السلام به هنگام بحث از ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام و رجعت امامان معصوم علیهم السلام

فرمودند:

همه شگفتی‌ها در میان ماه‌های «جمادی» و «رجب» است. یکی از اصحاب بلند شد و عرضه داشت: ای امیرمؤمنان! این حوادث شگفت چیست که موجب این همه تعجب شما شده است؟ فرمود: وای بر تو، چه چیزی شگفت‌تر از این که مرده‌ها برخیزند و گردن دشمنان خدا و دشمنان رسول اکرم و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را بزنند! این است تأویل آیه شریفه ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا... ﴾^۳

همچنین در یک خطبه طولانی، جمله معروف: «كُلُّ الْعَجَبِ بَيْنَ جَمَادِي وَرَجَبٍ» را به زبان

آوردند. یکی از مستمعان گفت:

ای امیرمؤمنان! این چه حادثه شگفت‌انگیزی است که این همه موجب تعجب

۱ - تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۶۰ / تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۰۰ / الايقاظ، ص ۹۵.

۲ - متحنه: ۱۳.

۳ - تفسیر برهان، ج ۴، ص ۳۲۷ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۰.

شما شده است؟ فرمودند: وای بر تو! چه چیزی شکفت انگیزتر از این که مردگان برخیزند و گردن زنده‌ها را بزنند! پرسید: این حادثه چه وقت اتفاق می‌افتد؟ فرمودند: سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، گویی با چشم خود می‌بینم که شمشیرهای خود را بر شانه حمایل کرده‌اند و در کوچه‌های کوفه پراکنده شده، گردن دشمنان خدا و پیامبر و دشمن مؤمنان را می‌زنند. و این است معنای آیه شریفه: ﴿ لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ﴾^۱.

﴿ ۵۷ ﴾ ﴿ سَنَسِئُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ ﴾^۲

به زودی بر روی بینی‌اش مهر خواهیم زد.

در این آیه در مورد شخصی که حق را بشناسد و تکذیب کند، به دروغ سوگند بخورد، مردم را استهزاء کند، سخن چینی پیشه کند، گنه‌کار و تجاوزکار باشد، از کارهای خیر بازدارد، بی تبار و درشت‌خو باشد و به هنگام شنیدن سخن حق آن را افسانه بخواند، می‌فرماید: «زود است که روی دماغش مهر بزیم و نشانی بگذاریم». در تفسیر قمی روایت شده:

این آیه مربوط به رجعت است؛ هنگامی که شاه ولایت حضرت امیرمؤمنان علیه السلام رجعت کند، پیشانی چنین افرادی را مهر زده و نشان‌دار می‌کند، چنان که چهار پایان را داغ می‌زنند تا نشان‌دار شوند.^۳

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

۱ - تفسیر بصائر، ج ۴۵، ص ۴۱۴ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۸۱.

۲ - قلم: ۱۶.

۳ - تفسیر صافی، ج ۵، ص ۲۱۰ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۳۷۱ / تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۹۴ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳ / مستدرک سفینه، ج ۴، ص ۱۲۲ / الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۵۲ / الايقاظ، ص ۲۴۶.

هنگامی که روی بینی کافران مهر زده شد، دیگر کار از کار گذشته است.^۱

در احادیث دیگر نیز آمده است که در رجعت راه توبه بسته می‌شود و کسی که تا آن روز با دیدن حقایق ایمان نیاورده باشد، دیگر ایمان آوردن او را سودی نمی‌بخشد. هدف از این مهر زدن، مشوه ساختن صورت کافر است که هر کس او را ببیند، بداند که اهل دوزخ است و در برابر حق عنود و لجوج بوده است و پس از دیدن آن همه دلایل روشن در عهد ظهور و در رجعت امامان پیشین، حق را نپذیرفته است.

بعداً به طور مفصل بحث خواهیم کرد که نخستین امامی که رجعت می‌کند، امام حسین علیه السلام است و آخرین رجعت از آن امیرمؤمنان علیه السلام است و آن حضرت چندین رجعت دارند که در آخرین مرتبه بر پیشانی دشمنان و دماغ آنان مهر می‌زنند. در احادیث فراوانی از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده که فرمودند:

من صاحب عصا هستم، من صاحب میسم هستم.^۲

در این حدیث منظور از «عصا» عصای حضرت موسی است که در دست آن حضرت خواهد بود، و «میسم» به معنای چیزی است که به وسیله آن بر پیشانی چهارپایان داغ می‌زنند و نشان‌دار می‌کنند. چنان که در آخرت امیرمؤمنان علیه السلام قسیم الجنة و النار هستند، در رجعت نیز دوست و دشمن را از یکدیگر جدا می‌سازند و بر روی بینی دشمنان مهر باطل می‌زنند.

اما در مورد این که چگونه این مهر را می‌زنند، در روایات آمده است که با عصای موسی به طرف آن‌ها اشاره می‌کنند و این مهر باطل بر پیشانی و دماغ آن‌ها نقش می‌بندد.^۳

۱ - نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۹۵.

۲ - اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۷ / بصائر الدرجات، ص ۵۴ / تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۹۷ / بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۳۴۳ و ج ۵۳، ص ۱۱۹ / الايقاظ، ص ۳۶۷ / تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۰۹.

۳ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۷ و ج ۳۹، ص ۳۴۵ / مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۴۷ / تفسیر کشاف، ج ۲، ص ۳۷۰.

﴿ تَفْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ﴾^۱
فرشتگان و روح به سوی او بالا روند؛ در روزی که اندازه‌اش پنجاه هزار سال
[دنیوی] است.

در روایات بسیاری آمده است که منظور از آن روز، مدّت سلطنت حضرت رسول اکرم ﷺ در
رجعت است. امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

روزی که پنجاه هزار سال است، روزگار رجعت و فرمانروایی حضرت رسول
اکرم ﷺ است و مدّت فرمانروایی امیرمؤمنان علیه السلام چهل و چهار هزار سال
می‌باشد.^۲

البته این معنا با این که برخی از مواقف قیامت پنجاه هزار سال باشد، یا قیامت پنجاه موقف
داشته باشد که هر یک از آن‌ها هزار سال به طول بیانجامد، منافاتی ندارد؛ زیرا برای آیات قرآن
معنای ظاهری و معنای باطنی وجود دارد و برای هر باطنی، باطنی دیگر متصور است که این
معانی باطنی را جز اهل بیت علیهم السلام نمی‌دانند. لذا ممکن است از این آیه، هم مدّت موقف‌های
قیامت منظور نظر باشد و هم مدّت حکومت رسول اکرم ﷺ در رجعت.

﴿ حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا ﴾^۳
هنگامی که ببینند آنچه را که به ایشان وعده داده شده، می‌فهمند چه کسی
یاورش زبون‌تر و نفراش کم‌تر است.

در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است:

۱ - معارج : ۴.
۲ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۵۳ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۳۸۳ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۴ /
الایقاظ، ص ۳۶۸.
۳ - جنّ : ۲۴.

منظور از آمدن وعده الهی، ظهور حضرت بقیة الله ﷺ و رجعت حضرت امیر مؤمنان ﷺ می باشد.^۱

این آیه را امیر مؤمنان ﷺ برای «زفر» (خلیفه دوم) تلاوت کرده و سپس فرمودند:

ای پسر صهاک! به خدا سوگند اگر نبود وصیت پیامبر که با من عهد کرده، و نبود تقدیر الهی که تعلق یافته بود، می فهمیدی که چه کسی یاورش زیون تر و نفراش کم تر است.

هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ حوادث رجعت را برای اصحاب خود شرح دادند، آن ها پرسیدند: این حوادث چه وقت واقع خواهد شد؟ پیامبر ﷺ فرمودند:

خدا می فرماید: بگو من نمی دانم که آنچه به شما وعده داده شده نزدیک است و یا پروردگارم برای آن مدتی قرار می دهد.^۲

﴿ يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ ﴾^۳ ﴿ ۶۰ ﴾

ای جامه به خود پیچیده! برخیز و بیم ده.

امام باقر ﷺ در تفسیر این آیه می فرمایند:

منظور رجعت رسول اکرم ﷺ و بیم دادن آن حضرت در آن روز است.^۴

همچنین امام باقر ﷺ از امیر مؤمنان ﷺ روایت می کنند که فرمودند:

-
- ۱ - تفسیر صافی، ج ۵، ص ۲۳۸ / مستدرک سفینه، ج ۴، ص ۱۲۱ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۹ و ج ۵۳، ص ۸۹ / الایقاظ، ص ۹۶.
 - ۲ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۵۳ / تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۴۱ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۸.
 - ۳ - مدثر: ۱ و ۲.
 - ۴ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۵۳ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۳۹۹ / تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۵۳ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳ / الایقاظ، ص ۳۵۷ / تفسیر بصائر، ج ۵۰، ص ۴۲۶.

این آیه در رجعت تحقق می‌یابد. یکی از اصحاب عرض کرد: آیا پیش از قیامت زنده شدن و یک بار دیگر مردن است؟ فرمودند: آری. سپس اضافه کردند: به خدا سوگند کفر ورزیدن در رجعت، از کفرهای پیشین بسیار سنگین‌تر است.^۱

﴿ ۶۱ ﴾ ﴿ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ ﴾^۲

بیم دهنده همه انسان‌هاست.

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرمایند:

منظور از «نذیر» در این آیه رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که در رجعت همه انسان‌ها را بیم می‌دهد.^۳

﴿ ۶۲ ﴾ ﴿ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ﴾^۴

روزی که در صور دمیده می‌شود و گروه گروه می‌آیید.

در تفسیر این آیه از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا رجعت حق است؟

فرمودند: آری. پرسیدند: اول کسی که رجعت می‌کند چه کسی است؟ فرمودند: امام حسین علیه السلام که به دنبال ظهور قائم علیه السلام رجعت می‌کند. پرسیدند: آیا همه مردم همراه آن حضرت رجعت می‌کنند؟ فرمودند: نه، بلکه گروه گروه، چنان که خدای تبارک و تعالی فرموده است: روزی که در صور دمیده شود، گروه گروه می‌آیید، هر گروهی بعد از گروه دیگر.^۵

۱ - تفسیر برهان، ج ۴، ص ۳۹۹ / تفسیر بصائر، ج ۵۰، ص ۴۲۶.

۲ - مدثر: ۳۶.

۳ - تفسیر برهان، ج ۵، ص ۳۹۹ / تفسیر بصائر، ج ۵۰، ص ۴۲۶ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۲ و ۶۴.

۴ - نبأ: ۱۸.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳.

﴿ ۶۳ ﴾ ﴿ یَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ تَتَّبِعَهَا الرَّادِفَةُ ﴾^۱

روزی که جنبنده بجنبند و از پی آن لرزه‌ای [دگر] در آید.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

منظور از «راجفه» امام حسین علیه السلام و منظور از «رادفه» حضرت علی علیه السلام است. اول کسی که سر از تیره خاک برمی‌دارد، حسین بن علی علیه السلام است که با ۷۵ هزار نفر به این دنیا بازمی‌گردد.^۲ در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام ۹۵ هزار نفر آمده است.^۳

﴿ ۶۴ ﴾ ﴿ قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ﴾^۴
گویند: این بازگشتی زیان‌بار است.

از محضر امام صادق علیه السلام پرسیدند: در مورد رجعت چه می‌فرمایید؟ فرمودند:

آن را می‌گویم که خدای تبارک و تعالی فرموده است. ۲۵ روز پیش از آن که آیه «تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ» نازل شود، تفسیر رجعت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله گفته شده بود. چون به دنیا بازگردند می‌گویند: این بازگشتی زیان‌بار است؛ زیرا از آن‌ها هنوز انتقام گرفته نشده است.^۵

۱ - نازعات: ۶ و ۷.

۲ - مستدرک سفینه، ج ۴، ص ۱۲۳ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۲۴ / تفسیر بصائر، ج ۵۰، ص ۱۴۹ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۶ / الايقاظ، ص ۳۸۲.

۳ - تفسیر فرات کوفی، ص ۲۰۳ / تفسیر بصائر، ج ۵۰، ص ۱۴۹.

۴ - نازعات: ۱۲.

۵ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۵۴ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۲۵ / تفسیر بصائر، ج ۵۲، ص ۱۵۰ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۵.

علامه مجلسی رضوان الله تعالى عليه در شرح این حدیث می نویسد:

ستمگران آن روز را بازگشت زیان بار می نامند؛ زیرا در آن روز از آنها انتقام گرفته می شود، ولی عذاب از آنها سلب نمی شود، بلکه آتش دوزخ در انتظار آنهاست. به این خاطر آن را زیان بار می دانند.^۱

﴿ ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ ﴾^۲

﴿ ۶۵ ﴾

سپس هنگامی که بخواهد او را برمی انگیزد، که هنوز آنچه را که به او امر فرموده انجام نداده است.

تفسیر این آیات از امام باقر علیه السلام سؤال شد، فرمودند:

این آیه ها در حق امیرمؤمنان علیه السلام نازل شده است و منظور از برانگیخته شدن آن حضرت «رجعت» اوست، که آنچه خدا به ایشان امر فرموده است، در مدت زندگی او عملی نشده، پس رجعت می کند و آن قدر می ماند که تمام اوامر الهی را که به آن حضرت امر شده انجام دهد.^۳

نیازی به توضیح نیست که امیرمؤمنان علیه السلام آمادگی کامل برای انجام اوامر الهی داشتند، ولی غاصبان خلافت زمینه آن را از بین برده بودند و لذا امکانات و استعداد جامعه اجازه نمی داد که امیرمؤمنان علیه السلام همه مأموریت هایشان را انجام دهند. به همین خاطر فرزند رشیدشان حضرت بقیه الله روحی فداء ظهور کرده، ریشه انحرافات را از بین می برند. آنگاه سالار شهیدان حضرت اباعبدالله علیه السلام رجعت کرده، آثار ناکثین و قاسطین و مارقین را از ریشه و بن برمی کنند و سپس امیرمؤمنان علیه السلام رجعت نموده، همه فرامین الهی را مو به مو اجرا می نمایند. ان شاء الله.

۱ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۵.

۲ - عبس: ۲۲ و ۲۳.

۳ - تفسیر بصائر، ج ۵۰، ص ۳۵۵ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۲۸ / تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۵۱۰ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۹ / الایقاظ، ص ۳۴۷ و ۹۶ / الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۵۴.

﴿ ۶۶ ﴾ ﴿ إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴾^۱

بدون شک او بر بازگردانیدن وی تواناست.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

خدایی که انسان را از نطفه آفرید، بر بازگردانیدن وی به این جهان و در آن سرای تواناست.^۲

اصولاً همه آیاتی که بر امکان رستاخیز دلالت دارد، بر امکان رجعت نیز دلالت می‌کند، ولی ما در این بخش فقط به آیاتی استدلال می‌کنیم که در کلام معصوم به آن تصریح شده باشد. در توضیح آیه فوق نیز امام علیه السلام تصریح می‌کنند که دلالت بر قدرت خدای تبارک و تعالی، به بازآفرینی انسان در این دنیا و آن دنیا دارد.

﴿ ۶۷ ﴾ ﴿ فَمَهَلِّ الْكَافِرِينَ أَهْلَهُمْ رُؤُودًا ﴾^۳

پس مهلت بده کافران را، مهلتی اندک و نزدیک.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرمایند:

این آیه در مورد کسانی است که به رسول اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام حيله و خدعه کردند. خداوند آنها را تهدید می‌کند که در رجعت به سزای اعمال خویش خواهند رسید؛ هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، انتقام آل محمد صلی الله علیه و آله را از ستمگران و تجاوزگران قریش و بنی‌امیه و دیگر جنایت پیشگان می‌گیرد.^۴

۱ - طارق : ۸.

۲ - تفسیر بصائر، ج ۵۴، ص ۳۵۵ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۴۹ / تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۵۵۲ / تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۱۴ / الايقاظ، ص ۳۴۸.

۳ - طارق : ۱۷.

۴ - تفسیر بصائر، ج ۵۴، ص ۳۵۸ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۴۹ / تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۵۵۳ /

﴿ ۶۸ ﴾ ﴿ وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ﴾^۱

قسم به آفتاب و روشنایی آن، و به ماه چون از پی آن درآید، و به روز چون جهان را روشن کند، و به شب چون آن را بپوشاند.

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیات فرمودند:

منظور از «آفتاب» در این سوره، رسول اکرم صلی الله علیه و آله، منظور از «ماه» امیرمؤمنان علیه السلام و منظور از «روز» امامان اهل بیت علیهم السلام هستند که در آخرالزمان مالک روی زمین می شوند و آن را پر از عدالت می کنند.^۲
از ابن عباس نیز نقل شده که منظور از «روز» امامان اهل بیت علیهم السلام هستند که در آخرالزمان مالک زمین می شوند و آن را پر از عدالت می نمایند.^۳

﴿ ۶۹ ﴾ ﴿ قَدْ مَدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّاهَا ﴾^۴

پروردگارشان به [سزای] گناهشان، عذابش را بر آنها فرو فرستاد و دمار از روزگارشان درآورد.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند که: مربوط به رجعت است.^۵

﴿ ۷۰ ﴾ ﴿ وَلَا آخِرَةَ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولَى ﴾^۶

بدون شک زندگی واپسین برای تو بهتر از نخستین است.

بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۸ / الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۵۴.

۱ - الشمس: ۱ - ۴.

۲ - تفسیر فرات کوفی، ص ۲۱۲ / تفسیر بصائر، ج ۵۶، ص ۹۳ / الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۴۰ / الايقاظ، ص ۳۸۸.

۳ - مستدرک سفینه، ج ۴، ص ۱۲۳ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۸.

۴ - الشمس: ۱۴.

۵ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۵۵ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۶۸ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۰.

۶ - الضحی: ۴.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

مراد از زندگی واپسین «رجعت» است؛ زیرا زندگی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در رجعت، بیشک بهتر از زندگی نخستین است.^۱

﴿ ۷۱ ﴾ ﴿ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴾^۲

نه، چنین نیست به زودی خواهید دانست، نه، این طور نیست به زودی خواهید دانست.

به طور کلی در آیاتی که عبارت قرآنی دو یا چند بار تکرار شده است، دلیل خاصی مورد نظر خدای تعالی می باشد. وقتی سبب تکرار این آیه را از محضر امام صادق علیه السلام پرسیدند، فرمودند:

یک بار در رجعت، و بار دیگر در روز قیامت خواهند فهمید.^۳

آنچه در این بخش از نظر خوانندگان گرامی گذشت، آیاتی بود که در احادیث وارده از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به رجعت تفسیر شده است. بررسی همین بخش برای اثبات امکان و اصالت اعتقاد به آن کافی است. اگر چه این بخش به درازا کشید، ولی هدف این بود که خواننده گرامی توجه داشته باشد که آیات قرآنی در مورد رجعت بسیار فراوان است که ما در این فرصت کوتاه به هفتاد آیه اشاره کردیم ولی پژوهشگران شاید دهها آیه دیگر پیدا کنند که در احادیث به رجعت تفسیر شده است.

۱ - تفسیر بصائر، ج ۵۶، ص ۵۱۷ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۷۲ / تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۵۹۴ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۹ / تفسیر صافی، ج ۵، ص ۳۴۰.

۲ - تکاثر: ۳ و ۴.

۳ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۵۵ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۷ و ۱۲۰.



حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية والثناء مشتمین کو کتب فی وزن آسمان ولایت و امامت
روزهای جمعه این عاراد قوت نماز طهارت میفرمود :

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ اصْلِحْ عَبْدَكَ وَخَلِيفَتَكَ بِمَا اصْلَحْتَ بِرِئَسِيَّاتِكَ

وَرِسَالِكَ حَقِّقْ بِمَلَائِكَتِكَ اَيْدِيَ رُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ

وَأَسْلِكُمْ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ مِنْ خَلْفَةٍ صَدًا يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوْءٍ

أَبْدَلِهِمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِ أَمَا يَجْعُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا لَأَجْعَلَ

لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ قَلْبًا سُلْطَانًا وَأُذُنًا لِي فِي جَمَاعَتِكَ

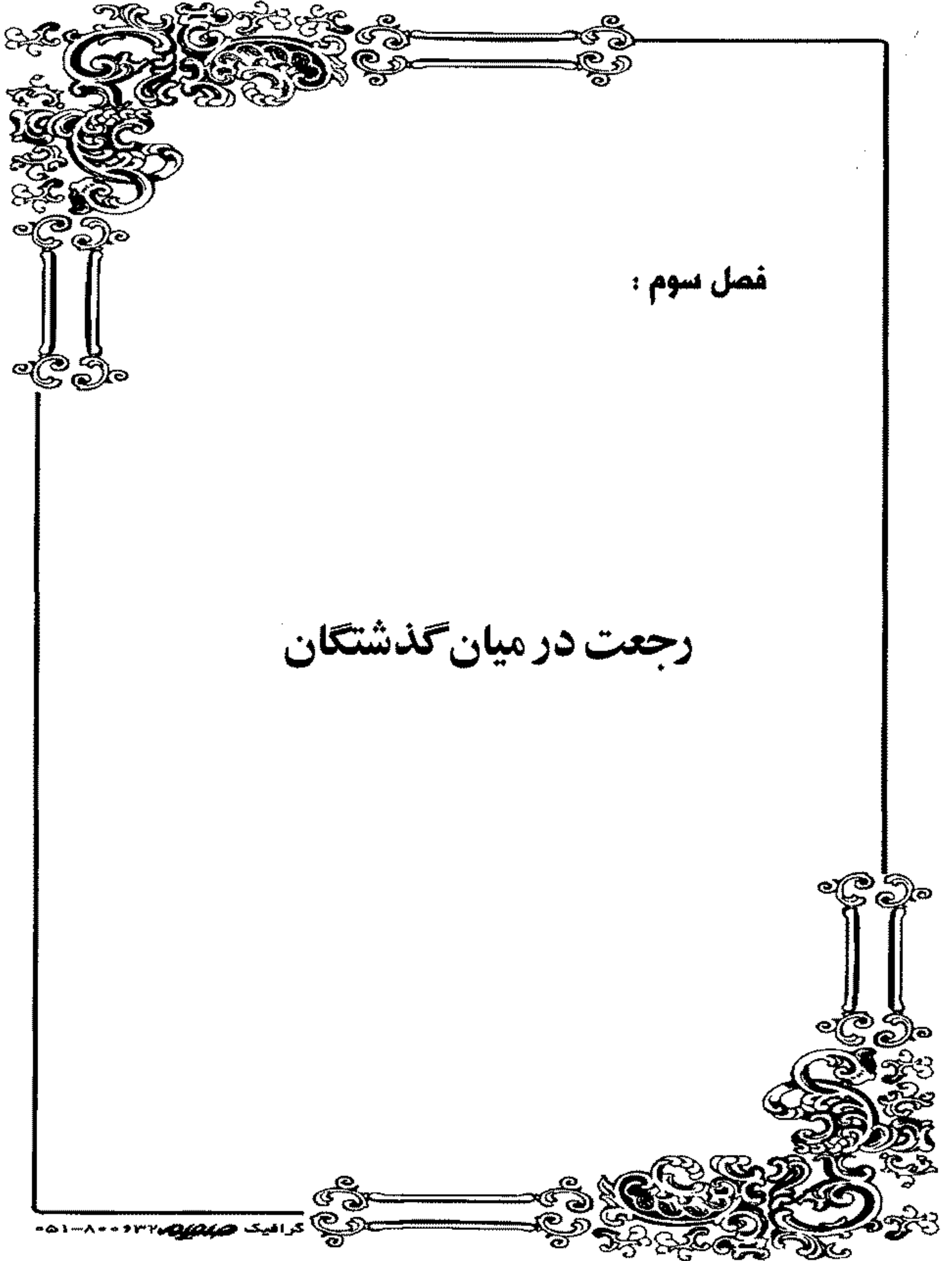
عَدُوًّا وَأَجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

نقل از جمال الاسوع سید بن طاووس



بسم اللہ الرحمن الرحیم

بارالہا، کارظہور بندہ شایستہ و خلیفہ راستینت (امام مہدیؑ)
اصلاح فرما، ہماگونہ کہ کارپیا سیرن و فرستادگانہ اصلاح نموی
و از فرشتگانہ لگا ہمانانی براو بکار و از سوی خویش با «روح اللہ»
اور ایاری و پشتیبانی فرما و دید ہمانانی از پیش رو و پشت سر ہرادی
گردان تا از ہر بدی لگا ہش دارند، و ترس و ہراس اورا بہ امن و امان
و گرگون ساز کہ او تو را میپرستد و ہیچ چیز را ہمتا و مانند تو نمیداند پس
برای بھیک از آفریدگانہ برتری و چیرگی نسبت بہ «ولی» خودت
قرار مدہ و اورا در جہاد با دشمنت و دشمنش اجازت فرما و مرا از یاران او
بشمار آور کہ ہمانا تو بر ہر کاری توانائی.



فصل سوم :

رجعت در میان گذشتگان

در بخش قبلی با بیش از هفتاد آیه از قرآن کریم آشنا شدیم که طبق احادیث اهل بیت علیهم السلام به رجعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، امام حسین و امیرمؤمنان علیهما السلام و دیگر امامان و گروهی از مؤمنان خالص و عده‌ای از کفار خالص تفسیر شده است. اینک با آیاتی از قرآن کریم آشنا می‌شویم که وقوع رجعت را در میان امت‌های پیشین اثبات می‌کند. هنگامی که وقوع رجعت در امت‌های گذشته ثابت شود، اثبات امکان و لزوم وقوع آن در امت اسلامی نیز ثابت می‌شود؛ زیرا اولاً بهترین دلیل بر امکان چیزی وقوع آن است، و چون به خواست خداوند رجعت در میان پیشینیان واقع شده است، دیگر برای اثبات امکان آن در این امت تردید و شک معنا نخواهد داشت.

ثانیاً طبق قاعده معروف «**حکم الامثال فیما یجوز و ما لا یجوز واحد**»، اگر ثابت شود که رجعت در میان گذشتگان واقع شده است، احتمال امتناع آن از بین می‌رود و ثابت می‌گردد که «رجعت» کاری است ممکن، پس دیگر نمی‌تواند در مورد این امت ممکن نباشد.

ثالثاً در ده‌ها حدیث از رسول اکرم صلی الله علیه و آله از طریق شیعه و سنی نقل شده که آنچه در امت‌های پیشین واقع شده در این امت نیز واقع خواهد شد. ما در این جا آیات مربوط به وقوع رجعت در میان پیشینیان را فهرست‌وار می‌آوریم:

﴿ ۱ ﴾ ﴿ ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴾ ۱

آنگاه شما را پس از مرگتان برانگیختیم تا شاید سپاس گزار باشید.

این آیه در مورد هفتاد نفر از برگزیدگان قوم حضرت موسی ﷺ است که آن‌ها را از میان قوم خود برگزید و با خود به «طور سینا» برد تا بر جریان مکالمه‌اش با خدا و گرفتن الواح از جانب او شاهد باشند، و در نتیجه بنی اسرائیل صدور الواح را از جانب خدا تکذیب نکنند. چون به طور رسیدند و مکالمه حضرت موسی ﷺ را با خدا مشاهده کردند، گفتند: ای موسی! ما به تو ایمان نمی‌آوریم، مگر این که خداوند را آشکارا به ما بنمایانی. هر چه حضرت موسی ﷺ آن‌ها را از این خواسته جاهلانه منع کرد، آن‌ها بر خواهش خود اصرار ورزیدند تا سرانجام صاعقه آمد و همه آنان را نابود کرد.

حضرت موسی ﷺ عرضه داشت: بار پروردگارا! اگر این هفتاد نفر زنده نشوند، من چگونه به سوی قوم خود بروم؟ آن‌ها مرا به قتل اینان متهم خواهند کرد. خداوند بر او منت نهاد و آن‌ها را زنده کرد و همراه حضرت موسی ﷺ به سوی خانه و کاشانه خود بازگشتند.

در مورد سرگذشت این هفتاد نفر هیچ اختلافی نیست و صریح قرآن است که آن‌ها در اثر صاعقه جان سپردند و به درخواست حضرت موسی ﷺ از نو زنده شدند که معنای «رجعت» چیزی جز زنده شدن پس از مرگ نیست. در این آیه قرآن کریم تعبیر «مرگ» را به کار برده تا تصور نشود که آن‌ها مثلاً به خواب رفته و یا غش کرده بودند، بلکه صریحاً می‌فرماید: «شما را پس از مرگتان برانگیختیم».

عبدالله بن ابی بکر یشکری به خدمت امیرمؤمنان ﷺ عرض کرد:

گروهی از اصحاب شما خیال می‌کنند که پس از مرگ، یک بار دیگر زنده شده، به این جهان بازمی‌گردند. امیرمؤمنان ﷺ با استناد به آیاتی از قرآن کریم، در مورد رجعت استدلال نموده و در پایان فرمودند: این هفتاد نفر برگزیدگان

حضرت موسی، پس از مرگ زنده شدند و به خانه‌های خود بازگشتند. آنگاه مدتی زندگی کردند، غذا خوردند، ازدواج کردند، صاحب اولاد شدند و پس از فرا رسیدن اجلشان از دنیا رفتند.^۱

آیه شریفه به خوبی امکان رجعت را اثبات می‌کند، به خصوص که امیرمؤمنان علیه السلام در حدیث فوق با این آیه به امکان رجعت استدلال نموده‌اند.^۲
امام رضا علیه السلام در تفسیر این آیه فرموده‌اند:

قوم حضرت موسی علیه السلام هفتصد هزار نفر بودند که حضرت موسی از میان آن‌ها هفتاد هزار نفر برگزید، سپس از میانشان هفتصد نفر انتخاب نمود، آنگاه از میان آن‌ها هفتاد نفر برگزید.^۳

طبق این بیان، حضرت موسی علیه السلام از هر ده هزار نفر، یک نفر را برگزیده و سپس همه آن‌ها مستحق صاعقه شده‌اند. اگر برگزیدگان پیامبر اولوالعزمی چون حضرت موسی علیه السلام چنین از آب درآیند، برگزیدگان من و شما چگونه خواهند بود؟! و این یکی از دلایل انتخاب امام از طرف خداوند متعال است.

﴿ ۲ ﴾ ﴿ وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَاذَّارَآتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ۝ فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴾^۴

به یاد آورید هنگامی که فردی را به قتل رساندید. سپس درباره قاتل او به نزاع پرداختید و خداوند آنچه را که مخفی می‌کردید آشکار می‌سازد. پس گفتیم که قسمتی از گاو را به مقتول بزنید - تا زنده شود و قاتل خود را معرفی کند.

۱ - تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۷ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۰۱ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۷۳ و ۱۲۹.

۲ - تفسیر صافی، ج ۱، ص ۱۱۹.

۳ - تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۰۰.

۴ - بقره: ۷۲ و ۷۳.

خداوند این گونه مردگان را زنده می کند و آیات خود را به شما نشان می دهد، شاید عقل خود را به کار ببرید.

این آیات پیرامون حادثه قتل است که در بنی اسرائیل روی داد و به امر خدا گاو ذبح گردید و قسمتی از بدن حیوان به مقتول زده شد و او زنده گردید و قاتل خود را معرفی کرد که مشروح داستان از این قرار است:

در میان بنی اسرائیل پیرمردی بود که ثروتی سرشار و نعمتی بی شمار و پسری یگانه داشت که پس از مرگ پدر همه آن ثروت به او منتقل می شد ولی عموزادگانش که تهی دست بودند بر او حسد برده، او را به قتل رسانده و جسدش را در محله قومی دیگر انداختند و تهمت قتل را به آنها بستند و به خونخواهی برخاستند. اختلاف شدیدی پدید آمد و کار به محضر حضرت موسی ﷺ کشیده شد تا در میان آنها داوری کند.

حضرت موسی ﷺ به امر خدا، فرمود تا ماده گاو ذبح کنند و زبان آن را بر تن مقتول بزنند تا زنده گردد و قاتل خود را معرفی کند. هر گاو ماده ای را که ذبح می کردند کفایت می کرد، ولی با پرسش های بی جا کار خود را دشوار ساختند و در هر بار نشانه هایی گفته شد که آن نشانه فقط با یک گاو تطبیق می نمود که از آن کودکی یتیم بود. ناگزیر آن را به قیمت بسیار گزافی خریده و سر بریدند و قسمتی از بدن گاو را به بدن مقتول زدند. او به قدرت الهی زنده شد و گفت: ای پیامبر خدا! مرا پسر عمویم به قتل رسانیده است نه آنها که به این کار متهم شده اند. پس حضرت موسی ﷺ امر فرمود پسر عمویش را قصاص کردند.

از امام حسن عسکری ﷺ روایت شده:

۱ - تفسیر صافی، ج ۱، ص ۱۲۴ - ۱۳۰ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۰۸ / تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۸۷ / الايقاظ، ص ۱۱۳.

شخص مقتول ۶۰ سال داشت. هنگامی که به اذن خدا زنده شد، خدای تبارک و تعالی ۷۰ سال دیگر به او عمر داد. ۱۳۰ سال عمر کرد. و تا پایان عمر از نشاط و تندرستی و سلامتی حواس برخوردار بود.^۱

از امام رضا علیه السلام در مورد صاحب گاو چنین روایت شده:

او بسیار به پدرش خدمتگزار و نیکوکار بود. روزی معامله بسیار سودمندی انجام داد، وقتی خواست پول متاع را پردازد، دید پدرش خوابیده است و کلید صندوق زیر سر اوست. حاضر نشد پدر را بیدار کند و از معامله صرف نظر کرد. چون پدر بیدار شد و از داستان آگاه گشت، بسیار خوشحال شد و آن گاو را به پسرش بخشید. خداوند خواست از این طریق ثروت کلانی به دست او برسد و پاداش بار والدین بودنش را پیش از آخرت در همین دنیا ببیند.^۲

چون آن ثروت گزاف به دست کودک یتیم رسید، عرضه داشت:

ای پیامبر خدا! من این همه ثروت را چگونه نگهدارم و چه کنم تا شرّ حسودان به من نرسد؟ فرمود: بر صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام مداومت کن چنان که از پدر خود آموخته‌ای و در گذشته مداومت داشته‌ای. خداوندی که به برکت تو تسل به محمد و آل محمد علیهم السلام این نعمت را بر تو ارزانی داشته، برای تو نگه می‌دارد.^۳

در این آیه تصریح شده که آن مقتول پس از کشته شدن، یک بار دیگر زنده شد و طبق اخبار ۷۰ سال دیگر زندگی کرد و «رجعت» چیزی جز این نیست. این آیه دلیل روشنی بر امکان رجعت و آفرینش مجدد انسان در رجعت و قیامت است.

۱ - تفسیر صافی، ج ۱، ص ۱۲۹ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۱۰.

۲ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۴۶ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۱۱.

۳ - تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۱۰.



﴿ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أَلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴾
 آیا ندیدی آنان را که از بیم مرگ از خانه‌های خود بیرون رفتند؟ و آنها هزاران تن بودند، پس خداوند به آنها گفت: بمیرید. سپس آنان را زنده کرد، بی‌گمان خدا بر مردم صاحب فضل است و لکن بسیاری از مردم سپاس‌گزاری نمی‌کنند.^۱

این آیه در مورد قومی است که از ترس طاعون از وطن خود گریختند و خداوند آنها را مدتی طولانی بمیراند و به سبب دعای یکی از پیامبران به نام «حزقیل» همه آنها را زنده کرد و روزگاری زندگی کردند و به اجل طبیعی از دنیا رفتند.^۲ مشروح سرگذشت آنان را امام باقر و امام صادق علیهما السلام چنین بیان فرموده‌اند:

آنها مردم یکی از شهرهای شام بودند که هفتاد هزار خانوار می‌شدند. چون آثار طاعون مشاهده می‌شد، ثروتمندان از شهر خارج می‌شدند و بینوایان در شهر می‌ماندند؛ از این رهگذر آنها که بیرون می‌رفتند کم‌تر تلفات می‌دادند ولی آنان که در شهر می‌ماندند بیشتر از بین می‌رفتند. یک بار تصمیم گرفتند که هر وقت آثار طاعون ظاهر شود، همگی از شهر خارج شوند. چون نشانه‌های آن را مشاهده کردند، همگی از شهر خارج شدند و برای فرار از مرگ از وطن خود دور گردیدند تا به شهر ویرانه‌ای رسیدند که ساکنانش به وسیله طاعون از بین رفته بودند و شهر خالی شده بود. در آن جا فرود آمدند و مستقر شدند. چون رحل اقامت افکندند، خداوند به آنها فرمود: بمیرید. در یک ساعت همگی مردند. رهگذران جنازه‌های آنها را در گودالی افکندند تا از مسیر آنها دور

۱ - بقره: ۲۴۳.

۲ - تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۳۴ / روضة کافی، ج ۱، ص ۲۸۲.

باشند.

روزی یکی از پیامبران بنی اسرائیل به نام حزقیل از آن جا عبور کرد. چون استخوان‌های آنان را مشاهده کرد که تلی را تشکیل داده بود، بسیار اندوهگین شد و اشک ریخت. سپس عرضه داشت: پروردگارا! ای کاش مشیت تو تعلق می‌یافت و این‌ها را زنده می‌کردی، تا شهرها را آباد می‌کردند و اولاد از خود باقی می‌گذاشتند و همراه دیگر عبادت‌گران تو را می‌پرستیدند. خداوند به او وحی کرد: آیا دوست داری که آن‌ها زنده شوند؟ گفت: آری. خداوند اسم اعظم را به او یاد داد. حزقیل اسم اعظم به زبان جاری کرد و یک مرتبه متوجه شد که استخوان‌ها از جای خود می‌پرند و به یکدیگر متصل می‌شوند، پس همه آن‌ها زنده شدند و زبان به تسبیح و تهلیل و تکبیر گشودند. حزقیل گفت: خدایا گواهی می‌دهم که تو بر هر چیزی توانایی. آنگاه امام صادق علیه السلام فرمودند: این آیه در حق این مردم نازل شده است.^۱

از امام باقر علیه السلام پرسیدند:

آیا این عده پس از زنده شدن و مورد عبرت قرار گرفتن مردند، یا مدتی زنده ماندند و در خانه‌های خود سکونت کردند و با همسران خود زندگی نمودند؟ امام علیه السلام فرمودند: خداوند آن‌ها را به زندگی بازگردانید. آن‌ها در خانه‌های خود مسکن گزیدند، طعام خوردند، با همسران خود زندگی کردند و تا خدا خواست عمر کرده و با اجل طبیعی از دنیا رفتند.^۲

۱ - تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۴۹ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۳۳ / تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۴۱ / الایقاظ، ص ۱۲۴.

۲ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۳۰ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۳۳ / تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۵۰ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۷۴ / الایقاظ، ص ۱۳۲ / مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۴۷.

مرحوم طبرسی به استناد کلمه «الوف» که جمع کثره است می‌فرماید:

تعداد آن‌ها بی‌گمان از ده هزار نفر بیشتر بوده است. «سدی» تعداد آن‌ها را سی و چند هزار، «ابن عباس» چهل هزار، و «عطا» هفتاد هزار گفته است.^۱ از امام رضا علیه السلام روایت شده که تعداد آن‌ها ۳۵ هزار نفر بوده، و به هنگام زنده شدن ۶۰ سال از مرگ آن‌ها گذشته بود.^۲

آن طور که از بررسی تفاسیر و احادیث استفاده می‌شود، در این که تعداد آن‌ها هزاران نفر بوده و به صورت دسته‌جمعی مرده‌اند و آنگاه با دعای یکی از پیامبران زنده شده‌اند و سالیان درازی زندگی نموده، سپس با اجل طبیعی خود از دنیا رفته‌اند، هیچ اختلافی نیست. خداوندی که ۳۵ هزار نفر را با دعای یکی از اولیای خود به زندگی باز می‌گرداند، بدون تردید صدها هزار نفر را در رجعت بازگردانده تا قدرت خود را ظاهر سازد و وعده خود را عملی نماید و آیات قرآن را تحقق بخشد. مرحوم طالقانی در تفسیر این آیه دچار اشتباه عجیبی شده و مرگ را در این آیه، مرگ اجتماعی و تسلیم در برابر زورمندان و تن به ذلت دادن معنا کرده، و منظور از زنده شدن را، تجدید حیات، نهضت، حرکت، هجرت و قیام علیه ستمگران تصور نموده است.^۳

شاید عامل اصلی این اشتباه، عدم دسترسی به منابع و مآخذ بوده؛ که قسمتی از این تفسیر در سیاهچال‌های رژیم سابق نوشته شده است. ما برای آن مرحوم از خدای متعال طلب آمرزش نموده و نظر خوانندگان را به بی‌اساس بودن تحقیقات ایشان در مورد این آیه و آیه بعدی جلب می‌نماییم. قبل از ایشان محمد عبده نیز دچار همین اشتباه شده و مرگ را در این آیه به معنای تسلیم در برابر دشمن و زنده شدن را به معنای دمیده شدن روح سلحشوری و نهضت در برابر دشمنان تفسیر کرده است^۴ که از بارزترین مصادیق تفسیر به رأی است. صاحب‌المیزان پس از

۱ - مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۴۶ / الايقاظ، ص ۱۳۱.

۲ - نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۴۱.

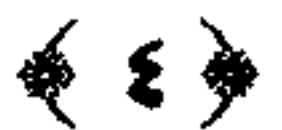
۳ - پرتوی از قرآن، ج ۲، ص ۱۷۳.

۴ - تفسیر المنار، ج ۲، ص ۴۵۸.

ابراز تعجب از این گونه تفسیرها، می‌گوید:

دلالت کلمه موت و حیات در این آیه بسیار روشن است و سیاق آیات نیز دقیقاً همان معنای مرگ و زندگی را می‌رساند.^۱ در جای دیگر این نوع تفسیرها را ناشی از انکار معجزات دانسته، به تفصیل به ردّ انگیزه‌های این نوع تفاسیر می‌پردازد.^۲

﴿ أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتُ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۳﴾



یا همچون کسی که بر قریه‌ای گذشت که سقف خانه‌هایش فرو ریخته بود. گفت: خداوند چگونه این قریه را پس از مردنش زنده می‌کند؟! خداوند او را مدت یکصد سال میراند. سپس او را برانگیخت و فرمود: چه مدت درنگ کرده‌ای؟ گفت: یک روز یا قسمتی از یک روز. فرمود: نه، بلکه یکصد سال درنگ کرده‌ای. پس به خوراک و نوشابه‌ات بنگر که فاسد نشده است. و به خرت نگاه کن. ما تو را نشانه و حجّتی برای مردم قرار می‌دهیم. نگاهی به این استخوان‌ها ببین که چگونه آن‌ها را به هم می‌آوریم و با گوشت آن را می‌پوشانیم. چون - این حقایق - بر او آشکار گشت، گفت: می‌دانم که خدا بر هر چیزی تواناست.

۱ - المیزان، ج ۲، ص ۳۶۱ و ۳۶۵.

۲ - المیزان، ج ۲، ص ۲۸۰.

۳ - بقره: ۲۵۹.

این آیه در مورد «عُزَیر» است که روزی در مسیر خود به دهکده ویرانی رسید که دیوارهای خراب و سقف‌های واژگون، استخوان‌های پوسیده و بدن‌های از هم گسیخته، سکوت مرگباری را به وجود آورده بود.

عزیر از الاغ پیاده شد، زنبیل‌های انجیر و انگور را پهلوی خود گذاشت، افسار الاغ را بست و به دیوار باغ تکیه داد و در باره آن مردگان به اندیشه پرداخت؛ که این مردگان چگونه زنده می‌شوند و این پیکرهای پراکنده شده چگونه گرد می‌آیند و به صورت پیشین برمی‌گردند. خداوند در این حال او را قبض روح کرد و صد سال تمام در آن جا بود، سپس خداوند او را زنده کرد. چون عزیر زنده شد، تصور کرد که از خوابی گران برخاسته است. پس به جستجوی الاغ و زنبیل‌ها و کوزه آب پرداخت.

فرشته‌ای به سوی او آمد و پرسید: ای عزیر! چه مدت در این جا درنگ کرده‌ای؟ گفت: یک روز و یا قسمتی از یک روز. فرشته گفت: بلکه تو صد سال در این جا درنگ کرده‌ای. در این صد سال طعام و نوشابه‌ات تغییر نکرده است، ولی الاغت را ببین که چگونه استخوان‌هایش از هم پاشیده است. اکنون بنگر که خداوند چگونه آن را زنده می‌سازد. عزیر تماشا می‌کرد و می‌دید که استخوان‌های الاغ به یکدیگر متصل شده و گوشت آن‌ها را پوشانید و به حالت اولیه برگشت. هنگامی که عزیر به شهر باز آمد و به کسان خود گفت: من عزیر هستم، باور نکردند. پس تورات را از حفظ خواند، آنگاه باور کردند؛ زیرا کسی جز او تورات را از حفظ نداشت.^۱

از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده:

هنگامی که عزیر از خانه بیرون رفت، همسرش حامله بود و عزیر ۵۰ ساله بود. چون به خانه‌اش بازگشت، او با همان طراوت ۵۰ سالگی بود و پسرش ۱۰۰ ساله بود.^۲

۱ - تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۶۹ / مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۷۰ / تفسیر کشاف، ج ۱، ص ۳۰۷.
 ۲ - مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۷۰ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۴۹ / تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۶۹ / تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۶۹ / الايقاظ، ص ۱۵۱.

ابن کوا^۱ روزی در مجلس امیرمؤمنان علیه السلام بلند شد و گفت:

ای امیرمؤمنان! ابوالمعتز مطلبی از شما نقل کرده که دلم قدرت تحمل آن را ندارد. فرمود: آن چیست؟ گفت: او تصوّر می‌کند که شما از قول رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اید: مردی را دیده و یا شنیده است که از پدرش بزرگ‌تر است! حضرت فرمودند: آیا این است چیزی که شما نمی‌توانید باور کنید؟ گفت: آری. مگر شما آن را باور می‌کنید و چنین کسی را می‌شناسید؟ فرمودند: آری، گوش بده تا برایت بگویم:

روزی عَزِیز که پنجاه سال عمر داشت از میان اهل و عیالش خارج شد در حالی که همسرش حامله و در ماه وضع حملش بود. خداوند او را مبتلا کرد و صد سال بمیراند و سپس او را برانگیخت. او به سوی اهل و عیالش برگشت در حالی که پنجاه ساله بود و پسرش از او استقبال نمود در حالی که صد سال تمام داشت.

آنگاه امیرمؤمنان علیه السلام در مورد رجعت هفتاد تن از برگزیدگان حضرت موسی علیه السلام بحث فرموده و سپس از رجعت هزاران نفری که دسته جمعی مردند و بعدها با دعای حضرت «حزقیل» زنده شدند گفت‌وگو کرد و در پایان یک بار دیگر از رجعت عَزِیز سخن گفته فرمودند: ای ابن کوا هرگز در قدرت خدا شک نکن.^۲

پرسش ابن کوا و پاسخ امیرمؤمنان علیه السلام و استشهاد آن حضرت به داستان عَزِیز بر امکان رجعت، بسیار معروف است و در کتب احادیث و تفاسیر منعکس است.^۳ داستان عَزِیز یکی از روشن‌ترین ادله رجعت است که امیرمؤمنان و معصومین علیهم السلام در حدیث فوق به آن استدلال نموده‌اند و دانشمندان شیعه در طول چهارده قرن در کتاب‌های تفسیری و عقیدتی به آن استناد

۱ - عبدالله بن ابی بکر یشکری، که از خوارج بود.

۲ - بحار النوار، ج ۵۳ ص ۷۲ و ج ۱۴، ص ۳۷۴.

۳ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۴۱ / تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۶۹ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۴۹ / بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۷۴ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۷۵.

کرده‌اند. از آن جمله است: شیخ طوسی در تبیان، شیخ مفید در اجوبه مسائل عکبریّه، شیخ صدوق در اعتقادات، شیخ طبرسی در احتجاج و شیخ حرّ عاملی در ایقاظ و...^۱
 نظیر این داستان در مورد «ارمیا» یکی از پیامبران بنی اسرائیل نیز نقل شده که داستانش بسیار شیرین و مفصل است و ما برای اختصار از نقل آن صرف نظر می‌کنیم. علاقه‌مندان به منابع یاد شده در پاورقی مراجعه فرمایند.^۲
 روایات وارده از معصومین علیهم‌السلام در مورد «ارمیا» و «عزیر» به قدری فراوان است که برای خواننده اطمینان می‌آورد که این داستان دو بار اتفاق افتاده؛ یک بار برای «ارمیا» و بار دیگر برای «عزیر».

مرحوم فیض کاشانی نیز پس از نقل روایات وارده می‌نویسد:

این احادیث را می‌توانیم چنین جمع کنیم که این داستان دو بار روی داده است؛ یک بار برای «ارمیا» هنگامی که کشته‌های «بخت النصر» را دید و در مورد زنده شدن آنها در اندیشه فرو رفت و بار دیگر برای «عزیر» هنگامی جنازه‌های اصحابش را روی هم انباشته دید و در مورد برانگیخته شدن آنها به فکر فرو رفت.^۳

داستان مردی که صد سال مرد و سپس به زندگی بازگشت - عزیر، ارمیا و یا هر دو - برای اثبات امکان رجعت به قدری روشن و صریح است که به هیچ توضیحی نیاز ندارد.

﴿ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أُولَٰئِمُتُؤْمِنٌ قَالَ بَلَىٰ وَ لَٰكِن لِّیَطْمِئِنَّ قُلُوبُكَ قَالَ فَاخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَیكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَی كُلِّ جَبَلٍ

۱ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۷ - ۱۳۰ / الايقاظ، ص ۷۹.

۲ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۴۰ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۴۶ - ۲۴۹ / تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۶۸ - ۲۷۵ / بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۶۰ / تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۶۴ - ۲۶۹.

۳ - تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۶۹.

مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَا تَيْبَتُكَ سَعِيًّا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۱﴾
ابراهیم گفت: پروردگارا! به من بنما که چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟
فرمود: آیا هنوز ایمان نیاورده‌ای؟! گفت: چرا، ولی برای این که دلم آرام
بگیرد. فرمود: پس چهار پرنده بگیر و به سوی خودت مایل کن (آن‌ها را قطعه
قطعه کن) و بر فراز هر کوهی پاره‌ای از آن‌ها را بگذار، آنگاه آن‌ها را بخوان
تا شتابان به سوی تو آیند. و بدان که خدا عزیز و حکیم است.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام ملکوت آسمان‌ها و زمین را دید، متوجه لاشه‌ای
شد که در کنار دریا افتاده است؛ نصف آن در دریا قرار گرفته و نصف دیگرش در
خشکی. لاشخوران دریا می‌آیند و از آن قسمت که در دریا قرار گرفته می‌خورند
و می‌روند و در میان خود اختلاف می‌کنند و آن که قوی‌تر است ضعیف‌تر را
می‌خورد. از آن طرف درندگان صحرا می‌آیند و از آن لاشه می‌خورند و بعد
اختلاف می‌کنند و قوی‌ترها می‌پرند و ضعیف‌ترها را می‌خورند.

حضرت ابراهیم علیه السلام از دیدن این مناظر دچار شگفت شد و گفت: پروردگارا! به
من بنما که چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟ و چگونه آنچه را که طعمه درندگان
شده برمی‌گردانی؟ خطاب شد: مگر ایمان نیاورده‌ای؟ گفت: چرا، لکن تا دلم آرام
بگیرد. خداوند فرمود: چهار مرغ بگیر و قطعه قطعه کن و مخلوط نما، آن چنان
که این لاشه در شکم این درندگان مخلوط شده است. پس بر فراز هر کوهی
پاره‌ای از آن‌ها را قرار بده و سپس آن‌ها را فراخوان تا شتابان به سوی تو آیند.
چون انجام داد شتابان به سویش آمدند.^۲ همچنین در روایت دیگری از

۱ - بقره: ۲۶۰.

۲ - تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۸۰ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۵۰ / تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۷۰.

امام صادق علیه السلام آمده که حضرت ابراهیم علیه السلام هاونی خواست و مرغها را در آن کوبید و به هم آمیخت.^۱

در مورد تعداد کوهها، برخی از مفسرین اهل سنت گفته‌اند که چهار کوه بوده است.^۲ ولی از نظر مفسرین شیعه اختلافی نیست که تعداد آنها ده تا بوده و در روایات فراوانی به آن تصریح شده است،^۳ حتی یک مسأله فقهی نیز بر آن استوار گردیده.^۴

در مورد نوع مرغها روایات مختلف است، در برخی طاووس، خروس، کبوتر و زاغ آمده، در بعضی طاوس، خروس، اردک و کرس و در برخی دیگر طاووس، هدهد زاغ و گنجشک.^۵ از امام صادق علیه السلام روایت شده:

حضرت ابراهیم علیه السلام مرغها را در هاون کوبید و به هم آمیخت، سپس آنها را به ده قسمت تقسیم کرد و بر فراز هر کوهی یک جزء از آن قرار داد و سرها را در دست خود نگه داشت. آنگاه مرغها را یک یک صدا کرد. هر مرغی را که صدا می‌کرد، اجزاء آن از گوشت و پوست و استخوان و پر و رگ و غیره، از بقیه جدا می‌شد و به صورت کامل در می‌آمد و به سوی حضرت ابراهیم علیه السلام آمده تا سرش را نیز از او بگیرد. گاهی حضرت ابراهیم علیه السلام سر دیگری را به طرف آن می‌گرفت ولی آن پرنده به طرف سر خود می‌رفت و سرش به بدنش ملحق می‌شد.^۶

-
- ۱ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۴۴ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۵۱ / تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۷۱.
 - ۲ - الکشاف، ج ۱، ص ۳۱۰.
 - ۳ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۴۲ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۵۰ / تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۷۱ / خصال، ص ۲۶۵ / مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۷۳ / نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۷۷.
 - ۴ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۴۳ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۵۱ / نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۷۸.
 - ۵ - خصال، ص ۲۶۵ / مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۷۳ / کشاف، ج ۱، ص ۳۰۹.
 - ۶ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۴۴ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۵۱ / تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۷۸ / الايقاظ، ص ۱۲۰.

مرحوم صدوق در تفسیر این آیه می‌نویسد:

نظر به این که در پرسش حضرت ابراهیم علیه السلام ابهام بود و امکان داشت برخی خیال کنند که او زنده شدن مردگان را باور ندارد، خداوند از او پرسید: آیا باور نکرده‌ای؟ تا او پاسخ گوید و از او رفع تهمت شود و خوانندگان سرگذشت آن قهرمان توحید، دچار شک و تردید نشوند.^۱

داستان جالب و تأویل‌ناپذیر حضرت ابراهیم علیه السلام نشانه روشنی از صحنه‌های رستاخیز و معاد جسمانی به معنای جسم عنصری و مادی است و دلیل قاطعی بر امکان رجعت می‌باشد که در این داستان چهار مرغ بعد از مرگ به این جهان بازگشته و به زندگی خود ادامه داده‌اند و معنای رجعت چیزی جز آن نیست.

﴿ ۶ ﴾ ﴿ اُنْبِیْ اَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَاَنْفُخُ فِيْهِ فَيَكُوْنُ طَيْرًا بِاِذْنِ اللّٰهِ وَاُبْرِئُ الْاَكْمَهَ وَاَلْاَبْرَصَ وَاُخِي الْمَوْتٰى بِاِذْنِ اللّٰهِ وَاُنْبِتْكُمْ بِمَا تَاْكُلُوْنَ وَمَا تَدْخِرُوْنَ فِيْ بُيُوْتِكُمْ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لآيَةً لِّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿ ۲

من از گل برای شما شکل مرغ می‌سازم، در آن می‌دمم و به اذن خدا پرنده می‌شود. کور مادرزاد و پیس را شفا می‌بخشم و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم و شما را از آنچه می‌خورید و در خانه‌هایتان می‌اندوزید آگاه می‌سازم. بی‌گمان در آن برای شما آیتی است، اگر از باورداران باشید.

یکی از روشن‌ترین معجزات حضرت عیسی علیه السلام زنده کردن مردگان بود، که در چندین مورد از آیات قرآن کریم، از جمله آیه فوق به آن تصریح شده است. هر فردی که به اعجاز حضرت عیسی علیه السلام زنده شده، یک نمونه از رجعت اقوام گذشته و یک سند زنده بر امکان رجعت در آینده

۱ - خصال، ص ۲۶۶.

۲ - آل عمران: ۴۹.

است، چه آنان که زنده شده و مدتی در این جهان مانده‌اند و چه کسانی که به اعجاز آن حضرت زنده شده و پس از دقایقی به حالت قبلی بازگشته‌اند. هر دو نوع آن از اقسام رجعت است که اینک دو نمونه از آنها را در این جا می‌آوریم.

نمونه اول:

روزی اصحاب حضرت عیسیٰ علیه السلام از او درخواست کردند که مرده‌ای را زنده کند. حضرت عیسیٰ علیه السلام به قبرستان آمد و در کنار قبر «سام بن نوح» ایستاد و فرمود: ای سام بن نوح! به اذن خدا برخیز. قبر شکافته شد. همان جمله را تکرار کرد، سام حرکتی کرد. یک بار دیگر تکرار کرد و سام از قبر بیرون آمد. حضرت عیسیٰ علیه السلام به او فرمود: آیا دوست داری به قبر بازگردی و یا این که در میان ما بمانی و زندگی کنی؟ سام گفت: من به قبر برمی‌گردم؛ زیرا هنوز هم حرارت مرگ را در درون خود احساس می‌کنم.^۱

این یک نمونه که فرد پس از زنده شدن به قبر بازگشته، ولی همین مقدار برای مردمی که در آن جا گرد آمده بودند یک معجزه، و از صحنه قیامت یک نشانه، و برای اثبات رجعت یک سند زنده است.

نمونه دوم:

از محضر امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا در میان کسانی که حضرت عیسیٰ علیه السلام زنده کرده، افرادی بوده‌اند که مدتی بمانند، غذا بخورند، ازدواج کنند و صاحب فرزند شوند؟ فرمودند: آری. حضرت عیسیٰ دوستی داشت که گاه و بیگاه به او سر می‌زد و بر او وارد می‌شد. مدتی او را ندیده بود. یک روز طبق معمول به سراغ او رفت. چون مادر دوستش را دید، حال فرزندش را جویا شد. مادر گفت: پسر مرده است. فرمود: آیا دوست داری پسر را ببینی؟ گفت: آری. فرمود: فردا می‌آیم و او را به اذان خدا زنده می‌کنم.

۱ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۴ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۸۴ / بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۳۳.

روز بعد حضرت عیسیٰ علیه السلام مادر را برداشت و به کنار قبر او رفتند. حضرت عیسیٰ علیه السلام در کنار قبر ایستاد و دست به دعا برافراشت، پس قبر شکافته شد و آن مرد از قبر بیرون آمد. چون مادر پسرش را دید، او را در آغوش کشید و مدتی گریه کردند. حضرت عیسیٰ علیه السلام چون این حال را بدید بر آن‌ها رحم آورد و فرمود: آیا دوست داری زنده بمانی و با مادرت زندگی کنی؟ گفت: آیا با مهلت و روزی و زندگی یا بدون آن‌ها؟ فرمود: آری، با روزی و زندگی و مهلت. مدت بیست سال زنده می‌مانی، ازدواج می‌کنی و صاحب فرزند می‌شوی. گفت: بلی می‌مانم. حضرت عیسیٰ علیه السلام او را به مادرش تحویل داد. او مدت ۲۰ سال زنده ماند، ازدواج کرد و صاحب فرزند شد.^۱

از برخی تفاسیر استفاده می‌شود که نام او «عازر» بود و سه روز از مرگ او گذشته بود که به دست حضرت عیسیٰ علیه السلام زنده شد.^۲ همه افرادی که توسط حضرت عیسیٰ علیه السلام زنده شده‌اند، نمونه رجعت اقوام گذشته و دلیل امکان رجعت در آخرالزمان می‌باشند.

﴿ ۷ ﴾ ﴿ وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِئْتُمْ قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِئْتُمْ ﴾^۳

این چنین آنان را برانگیختیم تا از یکدیگر پرسند. یکی از آن‌ها گفت: چقدر درنگ کرده‌اید؟ گفتند: یک روز یا قسمتی از یک روز. گفتند: پروردگارتان داناتر است که چقدر درنگ کرده‌اید.

این آیه در مورد اصحاب کهف است که مدت ۳۰۹ سال در غاری خفتند و بعد از آن از خواب

۱ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۴ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۸۴ / تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۴۳ / بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۲۳۳ / الايقاظ، ص ۱۲۶ / تفسیر صافی، ج ۱، ص ۳۱۴.

۲ - مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۴۵.

۳ - کهف: ۱۹.

عمیق دیده گشودند. یکی از آنها برای خرید طعام به شهر آمد و از سکه‌ای که در دست او بود رازشان فاش گردید. قرآن کریم سوره‌ای را به داستان کهف اختصاص داده است.

اصحاب کهف، هفت نفر از خداپرستانی بودند که از بت و بت پرستی بیزار بودند و در میان بت پرستان ایمان خود را پوشیده می‌داشتند، تا پادشاه ستمگر از ایمان آنها مطلع شد و آنان را در صورت مقاومت، تهدید به مرگ کرد. شبی گرد آمدند و در کار خود اندیشیدند و تصمیم گرفتند از شهر بیرون روند. سپیده صبح ندیده بود که کاروان توحید از شهر هجرت کرد و در میان راه سگی نیز به دنبال آنها راه افتاد و حراستشان را به عهده گرفت.

کاروان خداپرستان به راه خود ادامه داد تا به غاری در نزدیکی شهر رسید. در کنار آن غار میوه‌هایی بود که از آن استفاده کردند و چشمه‌آبی بود که از آن نوشیدند، آنگاه برای رفع خستگی درون غار بیاسودند. طولی نکشید که خواب گرانی بر آنها چیره شد و مدت ۳۰۹ سال تمام به خواب رفتند، که ناخن و محاسنشان بلند شده بود و قیافه وحشتناکی یافته بودند.

بعد از ۳۰۹ سال چشم گشودند و چنان احساس گرسنگی کردند که متوجه تغییر قیافه یکدیگر نشدند. یکی از آنها گفت: ساعت‌های متمادی در خواب بودیم. دیگری گفت: یک روز خوابیده‌ایم. سومی گفت: هنوز آفتاب غروب نکرده است، چند ساعت بیش تر نخوابیده‌ایم. چهارمی گفت: خدا بهتر می‌داند که چقدر خوابیده‌ایم، از این بحث بگذرید و یکی از ما به شهر برود و طعامی تهیه کند، ولی باید خیلی احتیاط کند که کسی او را نشناسد.

یکی از آنها به سوی شهر رفت و قیافه شهر را تغییر یافته دید. به مغازه‌ای رفت و متاعی خرید. چون پول درآورد که به فروشنده پردازد، فروشنده بانگ زد: ای مردم! بیایید این شخص گنجی یافته است؛ زیرا پادشاهی که این سکه به نام او می‌باشد، سیصد سال پیش در گذشته است. سرانجام مردم از داستان آنها مطلع شدند. پادشاه آن روز که مرد خداشناسی بود، برای دیدن آنها به غار رفت و مردم شهر از وضع آنها مطلع شدند و گفتند: شاید خدا ما را از حال ایشان باخبر ساخت تا بدانیم که وعده خدا و داستان رستاخیز حق است. اصحاب کهف که از سرگذشت خود آگاهی پیدا کردند و فرزندان خود را مرده یافتند و ارتباطشان را از خانواده‌های خود

گسسته دیدند، از خدا خواستند که آن‌ها را نیز به جوار رحمت خود منتقل سازد، و در یک چشم به هم زدن به صورت اجساد بی‌جان روی زمین افتادند.

داستان اصحاب کهف از شگفتی‌های تاریخ است و خود گواه روشنی از قدرت بی‌نهایت حضرت احدیت و سند زنده‌ای بر امکان بازگشت انسان به این جهان است. اگر چه داستان آن‌ها، رجعت به معنای اصطلاحی نیست؛ زیرا آن‌ها طبق تعبیر قرآن کریم در خواب بوده‌اند و «رجعت» بازگشت پس از مرگ است، ولی در برخی احادیث از آن‌ها به مرده تعبیر شده است، چنان که امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

گروه بسیاری از مردگان به این جهان بازگشته‌اند و اصحاب کهف از این دسته‌اند که مدت ۳۰۹ سال خداوند آنان را بمیراند و سپس در زمان قومی که رستاخیز را نمی‌پذیرفتند، آن‌ها را برانگیخت تا حجت بر آن قوم تمام شود.^۱

از دقت در تعبیر قرآن استفاده می‌شود که تعداد آن‌ها هفت نفر بوده است. در برخی احادیث نیز تصریح شده که آن‌ها هفت نفر بوده‌اند.^۲

مشروح داستان اصحاب کهف در قرآن کریم و تفصیل بیش‌تر آن نیز در احادیث آمده است که مفصل‌تر از همه روایتی است که امیرمؤمنان علیه السلام در پاسخ اخبار یهود فرموده‌اند و موجب اسلام آوردن آن‌ها شده است. متن آن را «ثعلبی» در «عرایس» و فشرده آن را علامه مجلسی در بحارالانوار آورده است.^۳

به طوری که در بخش دیگری از این کتاب خواهد آمد، اصحاب کهف یاران حضرت ولی عصر علیه السلام می‌باشند که در آن دولت حقه رجعت می‌کنند و آن حضرت را یاری می‌نمایند.^۴

۱ - تفسیر صافی، ج ۳، ص ۲۳۷ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۹.

۲ - مجمع البیان، ج ۶، ص ۴۶۰ / تفسیر کشاف، ج ۲، ص ۷۱۴.

۳ - عرایس، ص ۲۳۲ - ۲۳۶ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۶۰ - ۴۶۳ / بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۴۱۱ - ۴۱۹.

۴ - ارشاد مفید، ص ۳۶۵ / المحجّه، ص ۷۶ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۱.

در مورد محل واقع شدن غار اصحاب کهف اختلاف است. مشهور این است که این غار در شهر «افسوس» قرار گرفته است. افسوس پیش از میلاد حضرت مسیح، یکی از شهرهای جهان بود و معبد معروف «دیانا» که از عجایب هفتگانه بود، در این شهر قرار داشت. این معبد از طرف مرد شهرت طلبی به نام «اروسترات» در سال ۳۵۶ قبل از میلاد طعمه حریق شد، تا بدین وسیله نام او در تاریخ جاویدان بماند. این شهر به طور کامل از بین رفته و بر خرابه‌های آن دهکده «ایاسلوغ» به وجود آمده است. ایاسلوغ در استان «آیدین» در ۶۵ کیلومتری «ازمیر» و ۱۰ کیلومتری «قوش آداسی» به فاصله ۵ کیلومتری از ساحل دریای «اژه» قرار گرفته است.^۱

مشهور در میان امت اسلامی این است که غار اصحاب کهف همان غاری است که هم اکنون در یک کیلومتری ایاسلوغ موجود است و مردم ترکیه به آن غار بسیار اهمیت می‌دهند و آن جا را به عنوان مرقد مطهر اصحاب کهف زیارت می‌کنند. اخیراً غار دیگری در کشور اردن در هشت کیلومتری «امان» پایتخت این کشور کشف شده که نشانه‌های غار اصحاب کهف بر آن منطبق تر است.^۲

﴿ ۸ ﴾

﴿ وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسْنِي الضُّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ۝ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ ﴾^۳

به یاد آور ایوب را، آنگاه که پروردگارش را بخواند که مرا گزندى رسید و تو بخشاینده‌ترین بخشاینده‌گانی. پس دعایش را مستجاب کردیم و آسیب وارده بر او را برطرف نمودیم، و خاندانش را به وی باز دادیم و همانند آن‌ها را نیز با آن‌ها، تا رحمتی از جانب ما و پندی برای عبادت پیشگان باشد.

۱ - قاموس الاعلام ترکی، ج ۱، ص ۵۰۶ و ج ۲، ص ۱۰۰۱ / دائرة المعارف حیات، ص ۱۰۱۵.
 ۲ - این غار در سال ۱۹۶۳ میلادی مطابق ۱۳۴۲ شمسی کشف شد و کتابی در این رابطه به نام «اکتشاف کهف اهل الکهف» منتشر شد.
 ۳ - انبیا: ۸۳ و ۸۴.

داستان حضرت ایوب علیه السلام با تفصیل بیش تری در سوره «ص» آمده که در پایان آن می خوانیم:

فرزندانش را به او باز دادیم و - علاوه بر آن - همانند آن ها را نیز با آن ها - به او عطا کردیم - تا رحمتی از جانب ما و پندی برای صاحبان خرد باشد.^۱

حضرت ایوب علیه السلام که در طول ده ها قرن، مثل اعلی و اسوه بی نظیر صبر و شکیبایی است، داستانی تلخ و شنیدنی دارد که به اختصار آن را بیان می کنیم:

حضرت ایوب علیه السلام از جهت مال و منال، ثروت و مقام، محبوبیت در میان خلق، خدم و حشم، باغ و بستان، از ثروتمندان انگشت شمار جهان بود که تنها ۵۰۰ برده مسؤل حراست و حفاظت از گاوهای شخم زن او بودند. او را هفت پسر و هفت دختر بود و از هر جهت در آسایش و آرامش، و شب و روزش به ستایش پروردگار می گذشت.

روزی شیطان به پیشگاه حضرت احدیت عرضه داشت: سپاس و ستایش حضرت ایوب از این جهت است که همه نعمت ها را بر او تکمیل کرده ای. اگر این مال و منال و ثروت و اولاد را از او بگیری، هرگز زبان به شکر و ستایش باز نمی کند. خداوند فرمود: اختیار ثروت و اولاد او را به تو سپردم، هر چه خواهی انجام بده.

شیطان، اعوان و انصارش را جمع کرده، همه مزارع و بساتین او را طعمه حریق ساخت و سقف خانه اش را بر سر اولادش فرو ریخت. حضرت ایوب علیه السلام شکیبایی را پیشه ساخت و شب و روز خود را چون گذشته، به ستایش حضرت پروردگار سپری نمود. روزی شیطان گفت: خدایا! اگر نعمت سلامتی و تندرستی

۱ - ص: ۴۳.

۲ - کشاف، ج ۳، ص ۱۳۱ / بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۳۵۶.

را از او بگیری، دیگر شکر و سپاس نمی‌گویند. خدای تبارک و تعالی برای این که مقام والای حضرت ایوب علیه السلام آشکار شود، فرمود: تو را بر جان او نیز مسلط ساختم، هر چه خواهی انجام بده، ولی هرگز به قلب او راه نیابی، که ملامت از ایمان است.

شیطان شب و روز به آزار او پرداخته و او را بیمار و رنجور ساخت، ولی او هرگز زیان به شکایت نگشود و تمام اوقات شبانه روز به سپاس و ستایش حق تعالی پرداخت. هفت سال بدین منوال گذشت و حضرت ایوب علیه السلام رفع این گرفتاری‌ها را از خدا نخواست، تا برخی زیان به شماتت گشودند و گفتند: ای ایوب! نمی‌دانیم میان تو و خدا چه گناهی پوشیده است که خداوند این چنین تو را مبتلا ساخته است؟! حضرت ایوب علیه السلام دست‌ها را به سوی خدا برافراشت و عرضه داشت:

بار خدایا! مرا گزندی رسیده است و تو هم بخشاینده‌ترین بخشایندگانی. این جا حضرت ایوب علیه السلام رفع گرفتاری را به صراحت از خدا نخواست، ولی همین مقدار که به گرفتاری خود اشاره کرد، خداوند حاجتش را برآورد؛ سلامتی و اولادش را به او بازگردانید و به تعداد آن‌ها، از دیگر اولادش که قبلاً به اجل طبیعی درگذشته بودند نیز به او بازگردانیده شد.^۱

ارتباط داستان حضرت ایوب با مسأله رجعت این است که مطابق روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، خداوند فرزندان او را زنده کرد و به او عطا فرمود. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمودند:

خداوند فرزندان حضرت ایوب را که در این حادثه از بین رفته بودند زنده و نیز

۱ - تفسیر برهان، ج ۴، ص ۵۱ - ۶۱ / تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۴۶۳ - ۴۶۶ / بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۳۴۲ - ۳۷۲ / تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۰۲ - ۳۰۵.

فرزندان دیگرش را که قبلاً با اجل طبیعی از دنیا رفته بودند زنده ساخت.^۱

نقل شده که در ایام ابتلا، روزی همسرش به او گفت:

چرا از خدا نمی‌خواهی که این گرفتاری را از تو رفع کند؟ مگر دوران آسایش و تندرستی ما چقدر طول کشید؟ گفت: هشتاد سال. از خدا حیا می‌کنم که از او رفع بلا را بخواهم، در صورتی که هنوز دوران بلای ما به مقدار دوران آسایش نرسیده است.^۲

اگر مسأله شماتت پیش نمی‌آمد، شاید هرگز دست به دعا برای خویشان نمی‌گشود. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

حضرت ایوب علیه السلام هفت سال بدون گناه مبتلا شد.^۳

امام باقر علیه السلام در این رابطه می‌فرمایند:

حضرت ایوب علیه السلام بدون گناه مبتلا شد. پیامبران هرگز گناه نمی‌کنند که آن‌ها معصوم و پاکیزه هستند. آن‌ها هرگز گناه نمی‌کنند، دچار لغزش نمی‌شوند و گناه صغیره و یا کبیره‌ای از آن‌ها سر نمی‌زند.^۴

در مورد کیفیت ابتلای حضرت ایوب علیه السلام، معروف است که بدنش آنچنان رنجور شد که مردم از او دوری گزیدند؛ در بدنش کرم به وجود آمد، قیافه‌اش تغییر یافت و مردم او را از میان خود

۱ - مجمع البیان، ج ۷، ص ۵۸ / تفسیر برهان، ج ۳، ص ۶۷ و ج ۴، ص ۵۲ / تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۴۸ و ج ۴، ص ۴۶۶ / بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۳۴۶ / تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۵۱ و ج ۴، ص ۳۰۱.

۲ - تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۱۳۱.

۳ - خصال، ص ۳۹۹ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۵۲ / تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۰۳ / بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۳۴۷.

۴ - خصال، ص ۳۹۹ / بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۳۴۸.

بیرون کردند. در این رابطه روایتی از امام باقر علیه السلام رسیده که همه آنها را نفی می‌کند. متن حدیث چنین است:

پس از آن همه گرفتاری و بیماری، هرگز بدن حضرت ایوب بوی تعفن نداشت، چهره‌اش زشت نشد، حتی یک قطره چرک از بدنش خارج نگردید، هرگز سیمایش کسی را از او دور نساخت و در بدنش کرمی به وجود نیامد. خداوند با پیامبران و اولیاء خود همواره چنین نمی‌کند.^۱

مرحوم سید مرتضی علم‌الهدی می‌فرماید:

هرگز جایز نیست که جذام، پیسی و هر مرضی که موجب تنفر مردم باشد، بر یکی از پیامبران عارض شود. بیماری حضرت ایوب علیه السلام بسیار سخت و غیر قابل تحمل بود، ولی هرگز به صورتی در نیامد که موجب تنفر مردم باشد.^۲

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

مؤمن به هر بلایی ممکن است مبتلا شود، ولی هرگز عقلش از او گرفته نمی‌شود. مگر نمی‌بینید که حضرت ایوب در مورد مال و اولاد مبتلا شد، ولی هرگز شیطان بر عقلش چیره نگشت.^۳

مطالعه سرگذشت حضرت ایوب (علی نبینا و آله و علیه السلام)، درس تسلیم در برابر مقدرات الهی، صبر و شکیبایی در برابر حوادث سخت و شکننده روزگار است، و رجعت فرزندان او، نمونه رجعت در اقوام گذشته و دلیل امکان رجعت در آخرالزمان می‌باشد.

۱ - خصال، ص ۳۹۹ / تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۰۳ / بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۲۴۸.

۲ - تنزیه الانبیاء، ص ۶۳.

۳ - تفسیر برهان، ج ۴، ص ۵۳ / تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۰۲.

﴿ ۹ ﴾ ﴿ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ ﴿ ۱ ﴾

به یاد آور هنگامی را که دو تن به سوی آنها فرستادیم، سپس آنها را با
سومی تقویت کردیم، پس آنها گفتند: ما به سوی شما فرستاده شده ایم.

در این آیه شریفه از فرستادگانی گفت و گو شده که از طرف حضرت عیسی علیه السلام به شهر
انطاکیه در جنوب ترکیه اعزام شدند. دو فرستاده از راه رسیده و به سوی بتکده رفتند و در کنار آن با
مردم سخن گفتند؛ از ضعف بت و بت پرستی گفت و گو کردند و آنها را به سوی یکتا پرستی دعوت
نمودند. مردم انطاکیه آنها را تکذیب کردند و زبان به ناسزا گشودند. در این هنگام فرستاده
دیگری از راه رسید، صفها را شکافت و خود را به آنها رسانید و هر سه تن به دعوت و تبلیغ
مردم پرداختند. در ضمن حدیث مفصلی آمده است:

پادشاه انطاکیه آنها را به زندان انداخته بود که سومی رسید و گفت: من سالها
در صحرا عبادت کرده ام، الآن آمده ام که به دین پادشاه وارد شوم. مقدمش را
گرامی داشتند و او را وارد معبد پادشاه کردند. او مدتی خود را از پیروان آیین
پادشاه نشان داد، تا اعتماد او را به خود جلب کرد. روزی پرسید: آن دو نفر چه
می گویند که آنها را در زندان انداخته اید؟ پادشاه گفت: آنها دین باطلی
آورده اند و مرا به سوی آن دعوت می کنند. گفت: بهتر است با آنها به گفت و گو
بنشینیم، اگر دعوتشان حق باشد بپذیریم و اگر باطل باشد آنها مذهب ما را
بپذیرند.

پادشاه دستور داد آنها را آوردند. پس دعوت خود را بازگو کردند و گفتند: ما
پادشاه را به سوی خداوندی می خوانیم که آفریدگار آسمانها و زمین است. او
گفت: آیا خدای شما می تواند کور را شفا دهد؟ گفتند: آری. پس کوری را آوردند
و آنها دعا کردند و خداوند شفایش داد. او نیز نابینایی را به اذن خدا شفا داد و

گفت: ای پادشاه! این یکی در برابر آن یکی. آنگاه زمین‌گیری را آوردند، آن‌ها دو رکعت نماز خوانده دعا کردند و خداوند آن‌ها را شفا داد، او نیز مرد زمین‌گیری را شفا داد و گفت: این هم در برابر کار شما.

آنگاه گفت: ای پادشاه! این‌ها اگر یک کار دیگر انجام دهند، من دین آن‌ها را می‌پذیرم. من شنیده‌ام که شما فرزندی داشتید که تنها پسر شما بود و از دنیا رفته است، اگر خدای این‌ها او را زنده کند، من به دین این‌ها درمی‌آیم. پادشاه گفت: اگر این کار را انجام دهند، من نیز دین این‌ها را می‌پذیرم. آن دو به سجده افتادند و با خدای خود به راز و نیاز پرداختند و بعد از سجده‌ای طولانی به پادشاه گفتند: کسی را به آرامگاه پسر ت بفرست، ان شاء الله از قبر برخاسته است.

مردم به قبرستان رفتند و مشاهده کردند که پسر پادشاه از قبر برخاسته و گرد و خاک از سر و صورتش می‌ریزد. پادشاه پرسید: پسرم چگونه هستی؟ گفت: پدر جان! من مرده بودم. چند لحظه پیش دو نفر در برابر پروردگار به سجده افتادند و از او خواستند که مرا زنده کند و خداوند هم اجابت فرمود. پادشاه گفت: اگر آن‌ها را ببینی می‌شناسی؟ گفت: آری. پادشاه دستور داد که همه مردم به صحرا روند و آن دو نفر هم قاطی مردم شوند. مردم یک یک از مقابل او عبور می‌کردند و او می‌گفت: نه، نه. تا یکی از آن‌ها آمد، با دست اشاره کرد و گفت: این یکی از آن‌هاست. پس از مدتی آن دیگری نیز آمد و گفت: این هم دومی است. چون این حادثه در برابر دیدگان همه مردم تحقق یافت، فرستاده سوم اظهار داشت: من به پروردگار این‌ها ایمان آوردم. پادشاه گفت: من نیز ایمان آوردم. همه مردم کشور نیز آیین آن‌ها را پذیرفتند و خدای را پرستش نمودند.

این آیه از آن جهت به بحث رجعت مربوط می‌شود که طبق روایت بالا که از امام باقر علیه السلام

رسیده است، آن‌ها پسر پادشاه را زنده کردند.^۱ و این نمونه رجعت در میان پیشینیان، و دلیل امکان رجعت در عصر حضرت بقیة الله می‌باشد.

﴿ ۱۰ ﴾ ﴿ وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ ﴾

هنگامی که به پسر مریم مثل زده شود، ناگهان قوم تو از آن امتناع می‌کنند.^۲

در تفسیر این آیه از ابن عباس روایت شده:

گروهی به خدمت رسول اکرم ﷺ رسیدند و عرضه داشتند: ای محمد! عیسی بن مریم مرده‌ها را زنده می‌کرد، شما نیز برای ما مرده‌هایی را زنده کنید. فرمود: چه کسی را می‌خواهید؟ گفتند: فلانی را که تازه از دنیا رفته است. آنگاه پیامبر ﷺ علی بن ابی طالب رضی الله عنه را فرا خواندند و چیزی در گوش او فرمودند که ما نفهمیدیم. سپس فرمود: همراه این جمعیت به کنار قبر آن شخص برو، و او را با نام و نام پدرش صدا کن.

امیرمؤمنان رضی الله عنه همراه آن جمعیت بر سر قبر آن شخص رفته و او را با نام و نام پدرش صدا کردند. آن شخص از قبر بیرون آمد و همراهان حضرت پرسش‌هایی از او کردند. آنگاه او در قبر خود آرمید و مردم بازگشتند، در حالی که می‌گفتند: این نیز از شگفتی‌های فرزندان عبدالمطلب است. پس خداوند این آیه را نازل کرد: «هنگامی که به پسر مریم مثل زده شود، ناگهان قوم تو از آن امتناع می‌ورزند».^۳

۱ - تفسیر برهان، ج ۴، ص ۷ / تفسیر صافی، ج ۴، ص ۲۴۸ / تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۸۰ / تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۸ / مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۲۰.

۲ - زخرف: ۵۷.

۳ - تفسیر برهان، ج ۴، ص ۱۵۱ / الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۱۷.

نظیر این حدیث از امام رضا علیه السلام نیز روایت شده است.^۱ احادیث فراوانی داریم که رسول اکرم صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام را به حضرت عیسی علیه السلام تشبیه کرده‌اند، و این موضوع بر گروهی از اصحاب گران آمده است، تا جایی که برخی از آن‌ها گفته‌اند:

اگر بنا باشد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت علی را بر ما مقدم بدارد و شبیه حضرت عیسی قرارش دهد، آیین قبلی ما (بت پرستی) بهتر است!^۲

نمونه‌های قبلی مربوط به رجعت اقوام گذشته بود، ولی نمونه اخیر مربوط به امت اسلامی بود که رجعت یک تن از این امت در عهد رسول اکرم صلی الله علیه و آله و به دست امیرمؤمنان علیه السلام را شاهد آوردیم. اگر بخواهیم همه موارد مندرج در کتب حدیثی را نقل کنیم، به طول خواهد انجامید و لذا به همین یک نمونه بسنده می‌کنیم.

مرحوم شیخ حرّ عاملی در کتاب پراج الايقاظ من الهجعه هفتاد مورد از رجعت امت اسلامی در عهد معصومین علیهم السلام را آورده است، علاقمندان به این کتاب مراجعه فرمایند.^۳

۱ - الايقاظ، ص ۱۹۰.

۲ - تفسیر صافی، ج ۴، ص ۳۹۷ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۱۵۱ / تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۶۱۰ / مجمع البیان، ج ۹، ص ۵۳.

۳ - الايقاظ، ص ۱۸۸ و ۲۳۱.



رجعت در امت اسلامی

به طوری که در پایان بخش قبلی یادآور شدیم، در امت اسلامی نیز مواردی از رجعت در عهد معصومین علیهم السلام اتفاق افتاده که هفتاد مورد آن را محدث بزرگوار مرحوم شیخ حرّ عاملی گرد آورده است.^۱

«فضل بن شاذان» از اصحاب امام رضا علیه السلام و متوفای ۲۶۰ هجری، ۱۸۰ جلد کتاب ارزنده در دفاع از حریم تشیع نوشته است^۲ که یکی از آن‌ها به نام «ایضاح» می‌باشد. وی در این کتاب فصلی را به «رجعت» اختصاص داده و بیش از ۱۰ مورد از موارد رجعت در امت اسلامی را از طریق اهل سنت نقل کرده است.^۳

ده‌ها روایت از طریق شیعه و سنی به ما رسیده است که هر چه در اقوام گذشته روی داده بدون کم و زیاد در این امت نیز روی خواهد داد. در فصل پیشین ۱۰ مورد از وقوع رجعت در اقوام گذشته را آوردیم، پس نظیر آن‌ها در میان امت اسلامی نیز باید رخ بدهد، چنان که صریح روایات است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

۱ - الایقاظ، ص ۱۹۰ - ۲۳۳.
۲ - فهرست شیخ طوسی، ص ۱۵۰ / رجال شیخ طوسی، ص ۴۲۰ / رجال نجاشی، ص ۳۲۵.
۳ - الایضاح، ص ۱۸۹ - ۱۹۶.

آنچه در امت‌های پیشین واقع شده، مو به مو در این امت نیز واقع خواهد شد.^۱

تعبیر رسول اکرم ﷺ در این حدیث «حذو النعل بالنعل» است و معنای آن این است: «همانند تطابق دو قدم که پشت سر هم در یک جا گذارده شود»؛ یعنی آن چه در امت‌های پیشین واقع شده در امت اسلامی نیز خواهد شد، و این حوادث دقیقاً و مو به مو واقع می‌شود. در همه احادیث این بخش، تعبیر «حذو النعل بالنعل» تکرار شده که ما آن را به تعبیر «مو به مو» ترجمه کردیم.

مرحوم شیخ صدوق کتابی در مورد رجعت نوشته و آن را «حذو النعل بالنعل» نام نهاده است که اقتباس از احادیث شریفه است.^۲
از رسول اکرم ﷺ با سند صحیح روایت شده که فرمودند:

آنچه در بنی اسرائیل واقع شده، بدون کم و زیاد در میان شما هم واقع خواهد شد. اگر یکی از آنها به لانه سوسماری وارد شده باشد، شما نیز وارد خواهید شد.^۳

ابن عباس از رسول اکرم ﷺ نقل می‌کند که فرمودند:

آنچه در بنی اسرائیل واقع شده، مو به مو در امت من نیز واقع خواهد شد.^۴

شیخ حرّ عاملی در کتاب پیراج الايقاظ، ۲۶ روایت به همین مضمون نقل کرده و در پایان می‌نویسد:

روایت در این باره بسیار فراوان است که برای تنگی مجال همه‌اش را نیاوردم، و روایت در این زمینه از طریق شیعه و سنی به حدّ تواتر رسیده است.^۵

۱ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۹ - ۱۲۹ / الايقاظ، ص ۴۱ - ۹۹.

۲ - فهرست شیخ طوسی، ص ۱۸۹.

۳ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۷ / الايقاظ، ص ۱۰۷ / تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۶ / مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۴.

۴ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۸ / الايقاظ، ص ۱۱۰ / کفایة الاثر، ص ۱۵.

۵ - الايقاظ، ص ۹۸، ۱۱۱.

از اهل سنت «حُمیدی» در «الجمع بین الصحیحین» و «زمخشری» در «کشاف» نقل کرده‌اند.^۱

از مطالبی که تاکنون خوانده‌ایم چنین نتیجه می‌گیریم:

- ۱- رجعت در امت‌های پیشین واقع شده است که ده نمونه آن را از نظر گذرانندیم.
 - ۲- آنچه در امت‌های گذشته واقع شده، در امت اسلامی نیز واقع خواهد شد.
 - ۳- ده‌ها آیه از قرآن کریم، از وقوع رجعت خبر داده است که بیش از هفتاد نمونه آن را ذکر کردیم.
 - ۴- چندین نمونه از رجعت، در امت اسلامی نیز واقع شده و هزاران مورد دیگر پس از قیام قائم علیه السلام به وقوع خواهد پیوست.
- به این ترتیب هر کس به قرآن و آورنده آن ایمان داشته باشد، راهی ندارد جز این که «رجعت» را نیز باور کند.



قال حجة بن الحسن المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف :

طَلَبَ الْمَعَارِفَ مِنْ غَيْرِ طَرِيقِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ
مُسَاوِفٌ لِإِنكَارِنَا .

حضرت مهدی ارواحنا له الفدا فرمودند:

جستجوی معارف بجز از راه ما خانوادۀ پیامبر مساوی
با انکار ما نخواهد بود .

دین و فطرت جدا!

فصل چهارم :

رجعت از دیدگاه روایات

در بخش «رجعت از دیدگاه قرآن» بیش از هفتاد آیه از قرآن آوردیم که به رجعت تأویل و تفسیر شده است و در ذیل هر آیه چندین حدیث از اهل بیت علیهم السلام نقل کردیم. احادیث یاد شده در ذیل آیات، برای اثبات رجعت از دیدگاه اخبار و احادیث کفایت می‌کند و نیازی نیست که برای «رجعت از دیدگاه اخبار و احادیث» نیز فصلی را اختصاص دهیم، ولی از باب تبرک این بخش را به این موضوع اختصاص دادیم که به یک حدیث بسنده می‌کنیم؛ زیرا اگر بخواهیم احادیث این باب را گرد آوریم، چندین کتاب را در بر خواهد گرفت.

مرحوم شیخ حرّ عاملی بیش از ۶۰۰ حدیث در کتاب پراج «ایقاظ» در این رابطه نقل کرده است، که ما به یک حدیث به عنوان نمونه و برای تبرک اشاره می‌کنیم. امیر مؤمنان علیه السلام در ضمن حدیث مفصلی می‌فرمایند:

خدای تبارک و تعالی از من و رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیمان گرفته که یکدیگر را یاری کنیم؛ من حضرت محمد صلی الله علیه و آله را یاری کردم و در برابرش شمشیر زدم و دشمنش را کشتم و پیمانی را که بر عهده‌ام بود انجام دادم، ولی تا کنون هیچ پیامبری مرا یاری نکرده است؛ زیرا آنها پیش از من دیده از جهان فرو بسته‌اند، در عین حال به زودی وقت آن فرا می‌رسد که آنها نیز مرا یاری کنند. همه روی زمین از مشرق تا مغرب از آن من خواهد بود. خداوند همه پیامبران مرسل را از آدم تا خاتم صلی الله علیه و آله زنده می‌کند و همه آنان در برابر من شمشیر می‌زنند و گردنکشان را از جنّ و انس و از زنده و مرده گردن می‌زنند.

چقدر جای شگفت است! چگونه تعجب نکنم از مردگانی که خداوند آنها را برمی‌انگیزد و همگی در حالی که صدا می‌زنند: **لَبَّيْكَ رَبِّيكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ** در کوچه‌های کوفه پراکنده شده، شمشیرها را حمایل کرده، کافران، طاغیان و طاغوتیان را از اولین و آخرین گردن می‌زنند، تا خداوند وعده‌اش را تحقق بخشد، که فرموده است:

«خداوند کسانی را از شما که ایمان آورده و عمل شایسته انجام دهند، در روی زمین خلیفه قرار می‌دهد، چنان که پیشینیان را خلیفه قرار داد، و آنان را از دینی که برایشان پسندیده است متمکن می‌سازد، و برای آنها خوف و وحشت را تبدیل به امنیت می‌کند. تنها مرا پرستند و چیزی را به من شریک قرار ندهند».^۱

برای من رجعتی پس از رجعت و بازگشتی پس از بازگشت است. من رجعت‌های مکرر دارم، من حمله‌ها و انتقام‌های فراوان دارم، من حکومت‌های بسیار دارم، من دژ آهنینم، من بنده خدا و برادر پیامبر خدایم... من ظاهر شونده در قرص خورشیدم، من دابة الارضم، من قسیم النارم، من خازن بهشت و صاحب اعرافم ... من صاحب عصا و میسم هستم.^۲

در مورد «دابة الارض» در ذیل آیه ۳۳ به تفصیل سخن گفتیم و در مورد «عصا» و «میسم» در ذیل آیه ۵۷ بحث نمودیم.

شیخ حرّ عاملی گذشته از صدها روایتی که در کتاب «الایقاظ» در ابواب مختلف آورده است، باب دهم را به قسمتی از احادیث مورد اعتماد پیرامون رجعت اختصاص داده و در این باب ۱۷۸ حدیث از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام نقل کرده است.^۳

۱ - نور: ۵۵.

۲ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۶۳ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۶-۴۹ / الایقاظ، ص ۳۶۴.

۳ - الایقاظ، ص ۳۰۰، ۳۹۱.



تواتر احادیث رجعت

هر پژوهشگر با انصافی که روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را در باب رجعت مورد پژوهش قرار دهد، بدون تردید به متواتر بودن احادیث رجعت معتقد می‌شود و هرگز نمی‌تواند تواتر آن‌ها را مورد تشکیک قرار دهد. علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه در این رابطه می‌فرماید:

چگونه ممکن است شخص باایمانی که حقانیت اهل بیت علیهم السلام را باور کرده در مورد رجعت تردید کند، در صورتی که نزدیک به ۲۰۰ حدیث صریح از امامان اهل بیت علیهم السلام به طور متواتر به دست ما رسیده و بیش از چهل تن از بزرگان شیعه از قبیل: شیخ طوسی، شیخ مفید، سید مرتضی علم‌الهدی، شیخ صدوق، شیخ کلینی و... این احادیث را در آثار پراچ خود گرد آورده‌اند. اگر احادیث رجعت متواتر نباشد، دیگر در هیچ مورد نمی‌توان ادعای تواتر نمود.

سپس می‌فرماید: من تصور می‌کنم که هر کس در مورد رجعت تردید کند، در مورد امامان اهل بیت علیهم السلام شک دارد و چون آن را نمی‌تواند در میان شیعیان ابراز کند، برای تخریب آیین مقدس و برای گول زدن افراد ضعیف‌الایمان چنین اظهار می‌کند که اهل بیت را قبول دارد ولی رجعت را قبول ندارد.^۱

مرحوم طبرسی در تفسیر گران قدر خود به هنگام بحث از «رجعت» می‌فرماید:

از امامان اهل بیت علیهم السلام به طور متواتر روایت شده که خداوند به هنگام قیام مهدی علیه السلام گروهی از دوستان و شیعیان آن حضرت را که قبلاً دیده از جهان فرو بسته‌اند، برمی‌گرداند تا او را یاری کنند و به پادشاه نصرت وی نایل شوند و حکومت پیروزمند او را ببینند و مسرور شوند. و گروهی از دشمنان او را نیز برمی‌گرداند تا از آنها انتقام گرفته شود و به قتل مجازات شوند و از مشاهده شکوه و عظمت او دچار خواری و زبونی گردند.^۱

شیخ طوسی در تفسیر گران قدر «تبیان» به آیات بسیاری از قرآن کریم برای اثبات رجعت استدلال نموده، سپس در مورد برخی از احادیث رجعت ادعای تواتر نموده است؛ مثلاً در مورد «عصا و میسم» فرموده:

از امیر مؤمنان علیه السلام در موارد بسیاری به طور مستفیض رسیده است که فرمود: «انا صاحب العصا و المیسم».^۲

هنگامی که این حدیث مستفیض باشد، مجموع احادیث رجعت ده‌ها مرتبه از حدّ تواتر بالاتر خواهد بود. شیخ حرّ عاملی با بیان‌های مختلفی اثبات کرده که احادیث رجعت متواتر است و هرگز جای تأویل و تردید نیست.^۳ مرحوم شیخ مجتبی قزوینی پس از تشریح معنای تواتر و تقسیم آن به تواتر لفظی، معنوی و اجمالی می‌فرماید:

احادیث باب رجعت انصافاً از حدّ تواتر بیشتر است و اگر کسی تواتر اجمالی آن را هم نپذیرد، می‌گوییم: این سخن از مقام علم و عقل دور است.^۴

نگارنده گوید: اگر توجه داشته باشیم که همه احادیث رجعت به جهت مخالفت شدید خلفای ظلم و جور و این که برخی از روایت شیعه صرفاً برای اعتقاد به رجعت مورد مؤاخذه قرار می‌گرفتند،

۱ - مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۴ / تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۶.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۷.

۳ - الايقاظ، ص ۳۱.

۴ - بیان الفرقان، ج ۵، ص ۲۷۵.

به دست ما نرسیده، معلوم می‌شود که چقدر حدیث در مورد رجعت وارد شده و ما هرگز به آن دسترسی پیدا نکرده‌ایم.

مسلم در صحیح خود از «جویر» نقل می‌کند:

«جابر بن یزید جعفی» را دیدم ولی از او روایتی را یادداشت نکردم؛ زیرا به «رجعت» معتقد بود.^۱ سپس از «سفیان» نقل می‌کند که مردم قبلاً از جابر روایت نقل می‌کردند، ولی هنگامی که ایمان به رجعت را ابراز نمود، او را در حدیث متهم کردند و دیگر از او روایت نکردند.^۲ آنگاه از «جراح بن ملیح» نقل می‌کند که از جابر شنیدم که می‌گفت: در نزد من هفتاد هزار حدیث از امام باقر علیه السلام هست که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است.^۳

هنگامی که جابر بن یزید جعفی هفتاد هزار حدیث از سرچشمه زلال اهل بیت علیهم السلام فرا گرفته است، ولی بیمار دلان برای این که او معتقد به رجعت است از او روایت نمی‌کنند، بسیار روشن است که احادیث رجعت منتشر نخواهد شد و بیش تر آن‌ها در طول تاریخ از بین خواهد رفت. از این رهگذر تردیدی نیست که آن چه از احادیث رجعت از بین رفته، چندین برابر احادیثی است که به دست ما رسیده است؛ اگر چه آنچه رسیده بسیار فراوان و بیش از حد تواتر است.

محدث بزرگوار شیخ حرّ عاملی در کتاب پراج الايقاظ بیش از ۵۰۰ حدیث پیرامون رجعت نقل کرده است. آیا در مورد وجوب نماز، حرمت شراب و امثال آن‌ها بیش از رجعت حدیث وارد شده که آن‌ها از ضروریات اسلام به شمار آمده و «رجعت» نیامده است؟!^۴

از محدث جزایری نیز در شرح تهذیب نقل شده که ۶۲۰ حدیث پیرامون رجعت دیده است.^۵

۱ - صحیح مسلم، ج ۱، ص ۲۰.

۲ - همان.

۳ - همان.

۴ - الايقاظ، ص ۴۳۰.

۵ - بیان الفرقان، ج ۵، ص ۲۸۸.



اجماع علمای شیعه در مورد رجعت

در بخش قبلی گفتیم که روایات رجعت از حدّ تواتر گذشته، و دهها نفر از بزرگان شیعه در مورد آن ادّعی تواتر نموده‌اند. اینک اضافه می‌کنیم که علمای شیعه بر صحّت رجعت اجماع کرده‌اند و با وجود اجماع، نیازی به بررسی ادلّه دیگر نیست. مرحوم طبرسی در پایان بحث رجعت می‌نویسد:

رجعت با ظواهر اخبار منقول ثابت نشده که کسی در آن‌ها دست به تأویل بزند، بلکه مدرک ما اجماع شیعه امامیه است و اخبار و احادیث آن را تأیید و تقویت می‌کند.^۱

شیخ حرّ عاملی در مقام استدلال بر صحّت رجعت، دوازده دلیل ذکر می‌کند؛ از جمله می‌فرماید:

دلیل چهارم، اجماع عموم شیعه امامیه است و اتفاق همه طوائف اثناعشریه بر صحّت رجعت که در میان علمای شیعه از گذشته بسیار دور تا گذشته نزدیک، کسی با آن مخالفت نکرده است. با وجود احادیث متواتر از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام یقین پیدا می‌کنیم که معصوم علیه السلام در این اجماع داخل است، به خصوص که از حضرت صاحب الزمان علیه السلام نیز در این زمینه توقیعی رسیده است.^۲

۱ - مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۵.

۲ - الايقاظ، ص ۳۳.

شیخ طوسی در تفسیر تبیان به هنگام استدلال بر صحّت اعتقاد بر رجعت می‌فرماید:

یکی از متأخرین به نام «حسن بن سلیمان بن خالد قمی» کتابی در مورد رجعت نوشته که در آن گفته است: رجعت از مسائلی است که همه علمای ما، بلکه همه شیعیان بر آن اجماع کرده‌اند، از جمله بزرگانی چون شیخ مفید و سید مرتضی بر آن ادّعی اجماع نموده‌اند.^۱

شیخ حرّ عاملی گامی فراتر نهاده و فرموده است:

ثبوت رجعت از ضروریات مذهب شیعه است و همه علمای معروف و مؤلفین مشهور آن را از ضروریات مذهب دانسته‌اند.^۲

سپس می‌فرماید: یکی از شواهد ضروری بودن اعتقاد به صحّت رجعت، تعبیری است که در کتاب «سلیم بن قیس» آمده است. در این کتاب که در عهد امیرمؤمنان علیه السلام نوشته شده، چنین می‌خوانیم:

آنچه از سلمان، مقداد، ابی بن کعب و اصحاب بدر در مورد رجعت شنیده بودم، در کوفه به خدمت امیرمؤمنان علیه السلام عرض کردم. همه‌اش را تصدیق فرمودند. آنگاه آیات فراوانی از قرآن برای من خواندند و آن‌ها را به خوبی تفسیر نمودند و من چنین حالی یافتم که ایمان و یقینم در مورد قیامت بیش‌تر از رجعت نیست.^۳ سپس چنین ادامه می‌دهد: دوست و دشمن می‌داند که شیعه معتقد به رجعت است و معنای ضروری، چیزی جز این نیست. پس ثابت می‌شود که اعتقاد به رجعت از ضروریات مذهب شیعه است و این معنایی است بالاتر از اجماع.^۴

۱ - الايقاظ، ص ۴۳.

۲ - الايقاظ، ص ۶۰.

۳ - کتاب سلیم بن قیس، ص ۶۸.

۴ - الايقاظ، ص ۶۶.



رجعت در ادعیه و زیارات

یکی از عالی ترین منابع عقیدتی و والاترین معارف مذهبی شیعه، دعاها و زیارت‌های وارده از ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشد. ادعیه و زیارات یکی از مطمئن ترین منابع و مآخذ اعتقادات اسلامی است. در مورد «رجعت» نیز مطالب فراوانی در دعاها و زیارت‌های مأثوره یافت می‌شود که به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

۱ - زیارت جامعه

یکی از جالب‌ترین و جامع‌ترین زیارت‌ها، زیارت جامعه است که از امام هادی علیه‌السلام روایت شده، و همه امامان معصوم علیهم‌السلام را می‌توان با آن زیارت کرد. علامه مجلسی (رضوان الله تعالی علیه) آن را صحیح‌ترین، فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین زیارت‌ها تعبیر کرده است.^۱ در فرازی از این زیارت چنین آمده است:

مُعْتَرِفِ بِكُمْ مُؤْمِنٍ يَأْيَابِكُمْ مُصَدِّقٍ بِرَجْعَتِكُمْ، مُنْتَظِرٍ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٍ لِدَوْلَتِكُمْ.^۲
معترف - به حقانیت - شما هستم، به شما ایمان دارم، بازگشت شما را باور دارم،
رجعت شما را تصدیق می‌کنم، امر شما را انتظار می‌کشم، دولت شما را چشم به
راهم.

۱ - بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۴۴.

۲ - البلد الامین، ص ۳۰۱ / الانوار اللامعه، ص ۱۶۰ / بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۳۱.

و در قسمتی دیگر از همین زیارت آمده است:

وَرَأَى لَكُمْ تَبَعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ وَيُرْدَكُمْ
فِي أَيَّامِهِ وَيُظْهِرَكُمْ لِعَذْلِهِ وَيَمَكِّنَكُمْ فِي أَرْضِهِ.^۱

رای من تابع شماست، نصرت من برای شما مهیاست، تا روزی که خداوند به
وسیله شما دینش را احیا کند، و شما را در آن روزگار برگرداند، شما را برای
پیاده کردن عدالت آشکار سازد و شما را فرمانروای زمین گرداند.

همچنین در فرازی دیگر از این زیارت می خوانیم:

وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَضُ آثَارَكُمْ وَيَسْئَلُكَ سَبِيلَكُمْ وَيَهْتَدِي بِهَدَاكُمْ وَيُخَشِرُ فِي
زُمرَتِكُمْ وَيَكْرِ فِي رَجْعَتِكُمْ وَيَمْلِكُ فِي دَوْلَتِكُمْ، وَيُشْرِفُ فِي عَافِيَتِكُمْ وَ
يَمَكِّنُ فِي أَيَّامِكُمْ وَتَقْرُ عَيْنُهُ غَدَاً بِرُؤْيَتِكُمْ.^۲

خداوند مرا از کسانی قرار دهد که از راه شما پیروی می کنند، و گام در جای پای
شما می گذارند، و از مشعل هدایت شما هدایت می یابند، و در زمره شما محشور
می شوند، و در رجعت شما باز می گردند، و در دولت شما نصیبی دارند، و در پرتو
دولت امن و سالم شما فضیلت می یابند، و در روزگار اقتدار شما نیرو می گیرند، و
در خاتمه دیدگانشان به دیدار جمال شما روشن می گردد.

۲ - زیارت رسول اکرم ﷺ

امام صادق علیه السلام می فرماید:

۱ - البلد الامین، ص ۳۰۱ / الانوار اللامعه، ص ۱۷۳ / بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۳۱.
۲ - البلد الامین، ص ۳۰۱ / الانوار اللامعه، ص ۱۷۷ / بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۳۱ / الزام الناصب، ج
۲، ص ۳۵۶ / الايقاظ، ص ۳۰۲.

اگر خواستی رسول اکرم ﷺ، امیر مؤمنان علیؑ، حضرت زهراؑ، امام حسن و امام حسین و دیگر معصومین ﷺ را از شهر خود - از راه دور - زیارت کنی، در روز جمعه غسل زیارت کرده، لباس نظیف پوشیده، به صحرا رفته و... چنین بگو:

... إِنِّي لَمِنَ الْقَائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ مُقِرٌّ بِرَجْعَتِكُمْ لَا أَنْكِرُ لِيْلَهُ قُدْرَةً وَلَا أَزْعِمُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ.^۱

من به مقام والای شما معتقدم، به رجعت شما باور دارم، قدرت خدا را انکار نمی‌کنم و جز مشیت حضرت پروردگار چیزی اراده نمی‌نمایم.

۳ - زیارت امام حسین ﷺ

در فرازی از زیارت امام حسین ﷺ، که ابوبصیر از امام صادق ﷺ روایت می‌کند چنین آمده:

فَقَلْبِي لَكُمْ مُسْلِمٌ وَأَمْرِي لَكُمْ مُتَّبِعٌ وَنُضْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَخُكَمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ لِدِينِي وَيَبْعَثَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَأَمَعَ عَدْوِكُمْ إِنِّي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِرَجْعَتِكُمْ لَا أَنْكِرُ لِيْلَهُ قُدْرَةً وَلَا أَكْذِبُ لَهُ مَشِيئَةً وَلَا أَزْعِمُ أَنْ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا يَكُونُ.^۲

قلب من تسلیم فرمان شماست، اراده من تابع اراده شماست، نیروهای من آماده نصرت شماست، تا خداوندی که بهترین داورهاست فرمان دهد و شما برانگیخته شوید. آن روز من با شمایم، حتماً با شما هستم، نه با دشمنان شما. من به رجعت شما باور دارم، هرگز قدرت خدا را انکار نمی‌کنم، مشیت خدا را تکذیب

۱ - مصباح الزائر، ص ۳۶ / جماع الاسبوع، ص ۲۳۲ / بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۸۹ / الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۵۸.

۲ - کامل الزیارات، ص ۲۱۸ / الايقاظ، ص ۳۳۰ / بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۶۹ و ج ۵۳، ص ۹۸.

نمی‌نمایم و هرگز نمی‌گویم که مشیت خدا عملی نمی‌شود.

در زیارت مفضل تری که ابوحمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است، همین مضمون با الفاظ گسترده‌تر و تعبیراتی جامع‌تر آمده است.^۱

در فرازی از زیارت امام حسین علیه السلام - مخصوص روز سوم شعبان - که طی توقیعی از امام حسن عسکری علیه السلام به وکیلشان «قاسم بن علاء همدانی» رسیده، چنین آمده است:

الْمَمْدُودُ بِالنُّصْرَةِ يَوْمَ الْكَرْةِ.^۲

یاری شده است با نصرت الهی در روز رجعت.

۴ - زیارت وارث

در فرازی از زیارت مشهور وارث که از امام صادق علیه السلام وارده شده است، چنین می‌خوانیم:

وَأَشْهَدُ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِيَائَهُ وَرُسُلَهُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ.^۳

خدا و فرشتگان و پیامبران را گواه می‌گیرم که من به شما ایمان آورده و بازگشت شما را یقین دارم.

۵ - زیارت اربعین

در فرازی از زیارت اربعین که صفوان از امام صادق علیه السلام روایت کرده است، چنین می‌خوانیم:

۱ - کامل الزیارات، ص ۲۳۰ / بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۷۹ و ج ۵۳، ص ۹۸.
۲ - اقبال الاعمال، ص ۶۸۹ / مصباح المتعجد، ص ۷۵۸ / الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۵۷ / بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۴۷ و ج ۵۳، ص ۹۴.
۳ - مصباح کفعمی، ص ۵۰۲ / مصباح المتعجد، ص ۶۶۴ / البلد الامین، ص ۲۹۰ / بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۰۰، و ج ۵۳، ص ۹۴.

وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَإِيَّاكُمْ مُوقِنٌ.^۱

من گواهی می‌دهم که به شما ایمان آورده‌ام و به بازگشت شما یقین دارم.

۶ - زیارت حضرت ابوالفضل علیه السلام

در فرازی از زیارت قمر منیر بنی‌هاشم حضرت ابوالفضل علیه السلام که از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده، چنین آمده است:

إِنِّي بِكُمْ وَإِيَّاكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِيَّاكُمْ مِنَ الْكَافِرِينَ.^۲

من به شما و بازگشت شما باور دارم و - همچنین به بازگشت - کافرانی که با شما مخالفت ورزیدند و شما را به قتل رسانیدند.

۷ - زیارت حضرت بقية الله علیه السلام

یکی از اماکن مقدسه‌ای که برای شیعیان اهل بیت علیهم السلام بسیار عزیز و پرارزش است، سرداب مقدسه سامراست. این سرداب از این جهت مقدس است که خانه و محل زندگی امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام بوده است. سالیان درازی این دو امام بزرگوار در این خانه زندگی کرده، عبادت نموده، قرآن خوانده و سخن گفته‌اند.

ویژگی دیگر این مکان مقدس، تولد حضرت بقية الله علیه السلام در آن و محل رفت و آمد آن حضرت در عهد پدر بزرگوارش می‌باشد. ده‌ها نفر از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام در محضر آن حضرت در این مکان مقدس به دیدار آن مهر تابان و کعبه خوبان موفق شده‌اند.

۱ - مصباح کفعمی، ص ۴۹۰ / مصباح المتعجد، ص ۷۳۲ / البلد الامین، ص ۲۷۴ / بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۳۲ / مصباح الزائر، ص ۱۵۴ / مزار شهید، ص ۸۵ / مزار کبیر، ص ۱۷۲ / اقبال الاعمال، ص ۵۹۱ / الايقاظ، ص ۳۱۷ / تهذيب، ج ۶، ص ۱۱۳.

۲ - کامل الزیارات، ص ۲۵۷ / مصباح المتعجد، ص ۶۶۸ / بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۷۷ و ۲۱۸.

زیارت‌های بسیاری برای حضرت بقیة الله علیه السلام در سرداب مقدس رسیده است که در ضمن آن‌ها نکات ارزنده‌ای در مورد رجعت هست که به چند نمونه آن اشاره می‌کنیم. در فرازی از زیارت حضرت ولئی عصر علیه السلام در روز نیمه شعبان چنین آمده است:

فَإِنْ أَدْرَكْتَنِي الْمَوْتُ قَبْلَ ظَهْوَرِكَ فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ بِكَ وَبِأَبَائِكَ الطَّاهِرِينَ إِلَى اللَّهِ
تَعَالَى وَاسْتَلُّهُ أَنْ يَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي ظَهْوَرِكَ
وَرَجْعَةً فِي أَيَّامِكَ لِأَبْلَغِ مِنْ طَاعَتِكَ مُرَادِي وَأَشْفِي مِنْ أَعْدَائِكَ فُوَادِي.^۱

اگر پیش از ظهور تو، مرگ مرا دریابد، به وسیله تو و پدران بزرگوارت به خدای تبارک و تعالی متوسل می‌شوم و از او می‌خواهم که به محمد و آل محمد صلوات بفرستد، و برای من بازگشتی در ظهور تو و رجعتی در روزگار تو قرار دهد، تا به مقصود خود در زمینه اطاعت نائل شوم و دلم از دشمنان تو خنک شود.

و در فرازی از زیارت مخصوص سرداب مقدس آمده است:

وَإِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَ لِقَائِهِ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِكَ حَتْمًا وَأَقْدَرْتَ بِهِ
عَلَيَّ خَلِيقَتِكَ رَغْمًا فَأَبْعَثْنِي عِنْدَ خُرُوجِهِ ظَاهِرًا مِنْ حَفْرَتِي مُؤْتِرًا كَفْنِي حَتَّى
أُجَاهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ فِي الصَّفِّ الَّذِي أَتَّيْنَتْ عَلَى أَهْلِهِ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتُ -
﴿ كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ ﴾^۲

اگر مرگی که برای بندگانت مقدر نموده‌ای، و دماغ مخلوقات را با آن به خاک مالیده‌ای، بین من و آن روزگار مبارک فاصله شود، پس مرا به هنگام ظهور او،

۱ - کلمة الامام المهدي، ص ۴۸۵ و ۴۹۶ / مصباح کفعمی، ص ۴۹۶ / بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۸ و ج ۵۳، ص ۹۵ / البلد الامین، ص ۲۸۶ / الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۵۸ / الايقاظ، ص ۲۹۶.

۲ - صف : ۴.

در حالی که از قبرم بیرون آمده و کفنم را به خود پیچیده‌ام، ظاهر ساز تا در برابر او شمشیر بزنم و در صفی قرار بگیرم که در قرآن، اهل آن صف را ستوده و فرموده‌ای: «گویی سدّ آهنین هستند.»^۱

همچنین در فرازی از زیارت دیگری که مخصوص سرداب مقدّس است، چنین می‌خوانیم:

وَاحْضُرْنِي مَعَهُ لِبَيْعَتِهِ وَتَأْكِيدِ عَقْدِهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ عِنْدَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَ
وَقَفْنِي يَا رَبِّ لِلْقِيَامِ بِطَاعَتِهِ وَالْمَثْوَى فِي خِدْمَتِهِ وَالْمَكْثِ فِي دَوْلَتِهِ وَاجْتِنَابِ
مَعْصِيَتِهِ فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي اللَّهُمَّ قَبْلَ ذَلِكَ، فَاجْعَلْنِي يَا رَبِّ فِيمَنْ يَكْرُ فِي رَجْعَتِهِ وَ
يَمْلِكُ فِي دَوْلَتِهِ وَيَتَمَكَّنُ فِي أَيَّامِهِ وَيَسْتَنْظِلُ تَحْتَ أَعْلَامِهِ وَيَخْشُرُ فِي زُمْرَتِهِ
وَ تَقْرُ عَيْنُهُ بِرُؤْيَيْتِهِ بِفَضْلِكَ وَإِحْسَانِكَ وَكَرَمِكَ وَإِمْتِنَانِكَ إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ
وَالْمَنْ الْقَدِيمِ وَالْإِحْسَانِ الْكَرِيمِ.^۲

خداوندا! مرا در مسجدالحرام و در میان رکن و مقام، در مراسم پر شکوه بیعت او حاضر کن تا با او پیمان ببندم، و مرا موفق کن تا از او اطاعت کنم و در میان خدمتگزارانش قرار بگیرم و در حکومت حقّه‌اش اقامت نمایم و از نافرمانی‌اش دوری گزینم. خدایا! اگر پیش از ظهور او مرا میراندی، پس مرا از کسانی قرار ده که به هنگام ظهور او رجعت می‌کنند و در دولت او مسؤولیت می‌پذیرند و در روزگار او نیرو می‌یابند و در زیر سایه پرچمش قرار می‌گیرند و در زمره او محشور می‌شوند و دیدگان‌شان با دیدار آن جمال الهی روشن می‌گردد. به فضل و کرم و منت و احسانت، که تو صاحب فضل بزرگ، منت قدیم و احسان بی‌پایانی.

۱ - کلمة الامام المهدي، ص ۴۹۰ / بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۰۳.

۲ - مصباح الزائر، ص ۲۲۰ / بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۸۸ و ج ۵۳، ص ۹۵ / الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۵۸ / الايقاظ، ص ۲۹۶.

پروردگارا! ما نیز از تو می‌خواهیم که ما را مشمول این مضامین عالیّه قرار دهی و آن روز مسعود را برای ما نصیب گردانی، و ما را از بهترین یاوران حضرت بقیّة الله ﷺ در روزگار ظهورش قرار دهی.

در فرازی دیگر از زیارت سرداب مقدّس آمده است:

اللَّهُمَّ ارِنَا وَجْهَ وَلِيِّكَ الْمَيْمُونِ فِي حَيَاتِنَا وَبَعْدَ الْمَمْتُونِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُ لَكَ بِالرُّجْعَةِ بَيْنَ يَدَيِ صَاحِبِ هَذِهِ الْبُقْعَةِ.^۱

خداوندا! سیمای تابناک حجت و ولایت را در این جهان و در آن سرای به ما بنما. بارالها! من به رجعت در برابر صاحب این بقعه شریفه ایمان دارم.

۸ - زیارت آل یاسین

زیارت آل یاسین یکی از مجرب‌ترین زیارات حضرت بقیّة الله ﷺ می‌باشد، که برای ارتباط معنوی و کسب سعادت دیدار، بسیار مؤثر است. متن این زیارت در پاسخ نامه «محمد حمیری» از ناحیه مقدّسه صادر شده است. امام زمان ﷺ را در هر حالی می‌توان با این جملات زیارت کرد. در فرازی از این زیارت آمده است:

وَأَنْ رَجَعْتَكُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْساً إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ
أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْراً.^۲

من گواهی می‌دهم که رجعت شما حقّ است، تردیدی در آن نیست. در آن روز است که دیگر کسی را ایمان آوردن سودی نمی‌بخشد؛ اگر قبلاً ایمان نیاورده، و یا در ایمانش خیری به دست نیاورده باشد.

۱ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۵ / الايقاظ، ص ۲۹۷.

۲ - احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۴ / کلمة الامام المهدي، ص ۴۴۶ / بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۸۲، و ۹۴.

۹ - زیارت رجیته

زیارتی مخصوص ماه رجب، توسط «حسین بن روح نوبختی» سفیر حضرت بقیه الله ﷺ که تمام مشاهد مشرفه با آن زیارت می شود. در یکی از فرازهای آن آمده است:

حَتَّى الْعُودِ إِلَى حَضْرَتِكُمْ وَ الْفَوْزِ فِي كَرَّتِكُمْ^۱.

تا در رجعت شما به حضورتان بازگردیم و از درک حضور شما سعادتمند شویم.

۱۰ - زیارت وداع

در بخشی از زیارت وداع امام حسین ﷺ که از امام صادق ﷺ روایت شده چنین آمده است:

اللَّهُمَّ ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً تَنْصُرُ بِهِ دِينَكَ وَ تَقْتُلُ بِهِ عَدُوَّكَ وَ تَبِيرُ بِهِ مَنْ نَصَبَ حَزْباً لِأَلِ مُحَمَّدٍ، فَإِنَّكَ وَعْدَتُهُ ذَلِكَ وَ أَنْتَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ.^۲

خداوندا! او را در جایگاه پسندیده‌ای برانگیز، که به وسیله او دینت را یاری کنی، به دست او دشمنت را بکشی، توسط او هر کسی را که با آل محمد ﷺ دشمنی کند، ریشه کن نمایی، که تو او را چنین وعده کرده‌ای، حاشا که تو هرگز خلف وعده نمی کنی.

این‌ها ده نمونه از زیارت‌های ماثور بود که در آن‌ها از رجعت گفت‌وگو شده بود. اگر بخواهیم همه ادعیه و زیاراتی را که در آن‌ها از رجعت بحث شده در این جا بیاوریم به طول می انجامد، پس به همین مقدار اکتفا نموده، و با آوردن یک نمونه از دعا‌های ماثوره این بخش را پایان

۱ - مصباح المتعجد، ص ۷۵۶ / الايقاظ، ص ۳۰۲ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۴.

۲ - کامل الزیارات، ص ۲۵۳ / الايقاظ، ص ۳۰۷ / بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۸۲.

دعای عهد

امام صادق علیه السلام دعایی به نام دعای عهد تعلیم فرمودند که هر کس آن را در زمان غیبت چهل روز صبح بخواند، از یاران حضرت بقیة الله علیه السلام می‌شود، و اگر پیش از ظهور از دنیا برود، خداوند او را هنگام ظهور زنده می‌کند و باز می‌گرداند. در فرازی از این دعا چنین آمده است:

اللَّهُمَّ إِنِّ خَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَةَ الْمَوْتِ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا
فَاخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي، مُؤْتِزًّا كَفَنِي شَاهِرًا سِنْفِي مُجَرِّدًا قَنَاتِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ
الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي.^۱

خدایا! اگر مرگی که بر همه بندگانت قطعی و مسلم کرده‌ای، میان من و ظهور مولایم جدایی انداخت، با قدرت بی‌نهایت مرا از قبر بیرون بیاور، در حالی که کفنم را به خود پیچیده، شمشیرم را از غلاف درآورده، نیزه‌ام را به دست گرفته، دعوت دعوتگری را که در شهر و صحرا بانگ برمی‌آورد، لَبَّیک بگویم.

ما نیز با مولای عزیزمان پیمان می‌بندیم که با تمام قدرت از حریم ولایتش دفاع کنیم. لحظه‌ای از او غافل نباشیم، جز او کسی را به پیشوایی برنگزینیم و با دوستان او دوست و با دشمنانش دشمن باشیم. از او می‌خواهیم که از خدای تبارک و تعالی بخواهد، ما را از بهترین یارانش قرار دهد و اگر مرگ بین ما و او جدایی انداخت، به هنگام ظهورش ما را بازگرداند و به هنگام صیحه آسمانی، لَبَّیک‌گویان به سویش بشتابیم و در رکابش شمشیر بزنیم و نقد جان را با یک دنیا افتخار برای مقدمش نثار کنیم. ان شاء الله.

۱ - مصباح کفعمی، ص ۵۵۱ / مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۳۵ / بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۱، وج ۵۳، ص ۹۶.



قال بعض من تولى الصادق عليه السلام :

مَنْ مَاتَ مِنْكَ عَلَىٰ هَذَا الْأَمْرِ مُنْتَظِرًا
كَانَ كَمَنْ كَانَ فِي فُسْطَاطِ الْفَائِزِ .

حضرت امام صادق عليه السلام فرمودند:

هر کس از شما در حال انتظار این امر (ظهور مهدی ع) بمیرد،
همچون کسی است که در سیمه قائم (در حال عبادت با آن حضرت) باشد.

کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۴



فصل پنجم :

چه کسانی در رجعت باز می گردند؟

همه کسانی که پیش از ظهور قائم علیه السلام آمده و رفته‌اند بر نمی‌گردند، بلکه گروهی از آنها برمی‌گردند، چنان که قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ وَيَوْمَ نَخْشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا ﴾^۱

روزی که از هر امتی گروهی را برمی‌انگیزیم.

حال این سؤال مطرح است که آیا از هر امتی چه گروهی برانگیخته می‌شوند؟ امام صادق علیه السلام در این رابطه می‌فرماید:

وَأَنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ وَهِيَ خَاصَّةٌ لَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضًا أَوْ مَحْضَ الشِّرْكَ مَحْضًا.^۲

رجعت همگانی نیست، بلکه اختصاصی است. تنها کسانی رجعت می‌کنند که مؤمن خالص باشند یا مشرک خالص.

مؤمن خالص که در تمام عمر از طرف کفار و منافقین مورد آزار قرار گرفته است، برمی‌گردد تا در پرتو حکومت حق و عادلانه، روی آرامش و آسایش ببیند و قسمتی از پاداش اعمال نیک خود

۱ - نمل: ۸۳.

۲ - تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۸ / الايقاظ، ص ۳۶۰.

را پیش از آخرت در این جهان دریافت کند. مشرک خالص نیز برمی گردد تا سزای حق کشی ها و تجاوزکاری های خود را پیش از آخرت در این سرای بچشد. سلمان، ابوذر، مقداد، مالک اشتر و امثال آن ها باز می گردند تا حق و عدالتی که در راه آن همه نوع سختی و شکنجه را تحمل کرده اند، به چشم خود ببینند و طعم آزادی را بچشند.

در مقابل کسانی که برای چند روز حکومت، شخصیتی چون علی بن ابی طالب علیه السلام را خانه نشین کردند و خلافت را از مسیر خود منحرف نموده و به تمام بشریت ستم کردند، باید رجعت کنند و در برابر دیدگان پیروان فریب خورده شان، به دار آویخته شوند و در محکمه علنی محاکمه شده و بگویند که گناه محسن بن فاطمه علیها السلام چه بود؟!

امام صادق علیه السلام می فرماید:

أَوَّلُ مَنْ يُحْكَمُ فِيهِمْ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام وَ فِي قَاتِلِهِ ثُمَّ فِي قُنْفُذَ فَيُؤْتِيَانِ هُوَ وَ صَاحِبُهُ فَيُضْرَبَانِ بِسِيَاطٍ مِنْ نَارٍ لَوْ وَقَعَ سَوَاطٍ مِنْهَا عَلَى الْبِحَارِ لَغَلَّتْ مِنْ مَشْرِقِهَا إِلَى مَغْرِبِهَا وَ لَوْ وُضِعَتْ عَلَى جِبَالِ الدُّنْيَا لَذَابَتْ حَتَّى تَصِيرَ رَمَادًا، فَيُضْرَبَانِ بِهَا. ۱

نخستین کسی که بین او و قاتلش محکمه عدل در حکومت حقه تشکیل می شود، محسن فاطمه علیها السلام است. قنفذ و آقایش آورده می شوند و با تازیانه هایی از آتش شلاق می خورند. اگر یکی از آن شلاق ها بر دریا زده شود، همه اقیانوس های جهان از مشرق تا مغرب به جوش می آیند، و اگر یکی از آن ها به کوهی از کوه های دنیا بخورد، ذوب شده و تبدیل به خاکستر می گردد. آن دو دشمن خدا با این تازیانه شلاق می خورند.

از این حدیث اسامی دو تن از بدکاران که رجعت می کنند معلوم شد. مشروح به دار آویخته

شدن آنها را علی بن مهزیار از شخص امام زمان علیه السلام روایت کرده است.^۱
در حدیث دیگری پرده از نام زنی برداشته شده که حضرت زهرا علیها السلام را خیلی رنج می‌داد و به ماریه مادر جناب ابراهیم (فرزند رسول اکرم صلی الله علیه و آله) تهمت زد، او نیز رجعت می‌کند و شلاق تهمت زدن (حدّ قذف) می‌خورد.^۲

در اخبار رجعت امام حسین علیه السلام تصریح شده که به هنگام رجعت ایشان، یزید و سپاهیان‌ش نیز رجعت می‌کنند و امام حسین علیه السلام آنها را می‌کشد و برای هر ضربتی یک ضربت می‌زنند.^۳
از بررسی احادیث استفاده می‌شود که رجعت اختصاص به خلفای جور و اصحاب جمل، صفین و نهروان ندارد، بلکه همه کسانی که به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام ستم کرده‌اند برمی‌گردند و انتقام از آنها گرفته می‌شود. چنان که امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

هنگامی که قائم ما قیام کند، همه کسانی که مؤمنان را آزار کرده‌اند، برمی‌گردند و مؤمنان از آنها انتقام می‌گیرند.^۴

در ذیل آیه ۴۷ از سوره طور آمده است:

همه آنان که به آل محمد علیهم السلام ستم کرده‌اند، در رجعت برمی‌گردند و انتقام از آنها گرفته می‌شود.^۵

در بخش‌های بعدی عده‌ای از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و شیعیان خالص اهل بیت علیهم السلام را نام می‌بریم که در احادیث تصریح شده که در عصر ظهور رجعت می‌کنند.

۱ - دلائل الامامة، ص ۲۹۷.

۲ - تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۶۷ / بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۴ و ج ۵۳، ص ۹۰.

۳ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۲ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۸ / تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۴۰ / تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۷۹.

۴ - دلائل الامامة، ص ۲۴۷.

۵ - تفسیر بصائر، ج ۴۱، ص ۳۶۱ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۴۳ / الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۵۱ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳ / مستدرک سفینه، ج ۴، ص ۱۲۱ / تفسیر صافی، ج ۵، ص ۸۳.



آیا رجعت اختیاری است؟

ناگفته پیداست افرادی که برای انتقام یا تنبیه رجعت می‌کنند، هرگز به میل و اراده خود بر نمی‌گردند، بلکه به مصداق «کافر به جهنم نمی‌رود، او را کشان کشان می‌برند»، آن‌ها نیز ناگزیر تن به رجعت می‌دهند، که این برای آن‌ها بسیار ذلت‌بار و سخت است.

در مورد مؤمنین به نظر می‌رسد که رجعت اختیاری خواهد بود نه اجباری؛ اگر چه هرگز ممکن نیست به مؤمنی رجعت پیشنهاد شود و او سر بتابد. چنانچه از حدیث ذیل نیز این معنا استفاده می‌شود. مفضل بن عمر می‌گوید:

در خدمت امام صادق علیه السلام صحبت از حضرت ولی عصر شد و از افرادی که عاشقانه انتظار ظهور او را می‌کشند و پیش از نیل به چنین سعادت از دنیا می‌روند، حضرت فرمودند:

إِذَا قَامَ آتِي الْمُؤْمِنُ فِي قَبْرِهِ فَيَقَالُ لَهُ: يَا هَذَا إِنَّهُ قَدْ ظَهَرَ صَاحِبُكَ فَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تَلْحَقَ بِهِ فَالْحَقْ وَإِنْ تَشَاءُ أَنْ تُقِيمَ فِي كِرَامَةِ رَبِّكَ فَأَقِمِ.^۱

هنگامی که حضرت ولی عصر علیه السلام قیام کند، ما مورین الهی در قبر با اشخاص مؤمن تماس می‌گیرند و به آن‌ها می‌گویند: ای بنده خدا، مولایت ظهور کرده است، اگر می‌خواهی که به او

چه کسانی در رجعت باز می‌گردند؟ ﴿۱۶۵﴾

پیوندی آزاد هستی، و اگر بخواهی در نعمت‌های الهی متنعم بمانی باز هم آزادی.

از این حدیث استفاده می‌شود که در مورد مؤمنان رجعت اختیاری است، و به هنگام ظهور حضرت بقیة الله علیه السلام به مؤمنین خالص پیشنهاد رجعت می‌شود، ولی هرگز مؤمنی یافت نمی‌شود که در برابر چنین پیشنهادی پاسخ منفی دهد.



رجعت پیامبران عليه السلام

﴿ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ ﴾^۱

و - به خاطر بیاورید - هنگامی را که خداوند از پیامبران، پیمان گرفت که هرگاه به شما کتاب و حکمتی دادم، سپس فرستاده‌ای آمد که آنچه را با شماست تصدیق کرد، البته به او ایمان بیاورید و حتماً یاریش کنید.

طبق روایاتی که در تفسیر آیه فوق از معصومین عليهم السلام رسیده است، همه پیامبران در رجعت برمی‌گردند. اینک به چند نمونه از این روایات اشاره می‌کنیم:

۱ - به خدا سوگند از زمان حضرت آدم تا رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیامبری مبعوث نشده، جز این که خداوند آنها را بازمی‌گرداند، تا در برابر علی بن ابی طالب علیه السلام شمشیر بزنند.^۲

۲ - خداوند همه پیامبران و مؤمنان را برای یاری امیرمؤمنان علیه السلام گرد می‌آورد.

۱ - آل عمران : ۸۱.

۲ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۱ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۹۵ / تفسیر نورالشقلین، ج ۱، ص ۳۵۹ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۱ / الایقاظ، ص ۳۶۰.

چه کسانی در رجعت باز می‌گردند؟ ﴿ ۱۶۷

در آن روز علی بن ابی طالب علیه السلام پرچم رسول اکرم صلی الله علیه و آله را در دست می‌گیرد و امیر همه مخلوقات می‌شود. همه در زیر پرچم او قرار می‌گیرند و او بر تمامی آنها فرمانروایی می‌کند.^۱

۳ - در آن روز رسول اکرم صلی الله علیه و آله پرچم را به دست امیر مؤمنان علیه السلام می‌دهند و ایشان بر همه مخلوقات فرمان می‌رانند.^۲

۴ - در آن روز خداوند همه پیامبران را از حضرت آدم تا رسول اکرم صلی الله علیه و آله برمی‌انگیزد تا همه آنها در برابر من شمشیر بزنند و گردن گردنکشان را از انس و جن بزنند.^۳

۵ - این آیه (آیه ۸۱ سوره مبارکه آل عمران) در رجعت تحقق خواهد یافت.^۴

نظر به این که در بخش «رجعت از دیدگاه قرآن» در مورد این آیه بحث کرده بودیم، در این جا به اختصار اشاره کردیم و از همین مقدار معلوم شد که طبق احادیث فوق، همه پیامبران در رجعت برمی‌گردند و در برابر امیر مؤمنان علیه السلام شمشیر می‌زنند و این به خاطر جبران سکوت ۲۵ ساله امیر مؤمنان علیه السلام است که برای حفظ اساس اسلام صبر کردند و حکومت غاصبان و جاهلان را تحمل نمودند.

در مورد رجعت برخی از پیامبران روایاتی هست که به قسمتی از آنها در ادامه این بخش اشاره می‌کنیم.

۱ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۱ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۹۵ / تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۹.
۲ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷۰ / الايقاظ، ص ۳۸۱.
۳ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۶ / الايقاظ، ص ۳۶۵.
۴ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۸ و ج ۹۳، ص ۸۷.



بجعت حضرت اسماعیل علی نبینا و آله و علیه السلام

در میان پیامبران عظیم الشانی که نامشان در قرآن کریم آمده است، دو تن «اسماعیل» نام دارند؛ یکی پسر حضرت ابراهیم علیه السلام قهرمان توحید، و دیگری ملقب به «صادق الوعد» است که قرآن کریم در سوره مریم از او به این عنوان یاد کرده می‌فرماید:

﴿وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا﴾^۱
در کتاب، اسماعیل را یاد کن که صادق الوعد، و از پیامبران مرسل بود.

در روایات تصریح شده که او غیر از اسماعیل پسر حضرت ابراهیم علیه السلام است. او پسر «حزقیل» بوده که به سوی قوم خود مبعوث شد و قومش او را تکذیب کرده، گرفتند و پوست سر و صورتش را کردند. آنگاه فرشته عذاب آمد که قومش را عذاب کند. از او پرسید: آنها را چگونه عذاب کنم؟ اسماعیل گفت: من نیازی به عذاب آنها ندارم. خدای تبارک و تعالی به او وحی کرد: ای اسماعیل! چه حاجتی داری؟ عرض کرد:

خداوندا! تو برای ربوبیت خود، رسالت محمد صلی الله علیه و آله و ولایت اهل بیتش پیمان گرفته‌ای، و برگزیدگان بندگانت را آگاه ساخته‌ای که امت او با امام حسین علیه السلام

چه کسانی در رجعت باز می‌گردند؟ ﴿۱۶۹﴾

چگونه رفتار خواهند کرد. خداوندا! تو امام حسین علیه السلام را وعده کرده‌ای که به دنیا رجعت دهی، تا شخصاً از قاتلینش انتقام بگیرد. حاجت من این است که مرا نیز در رجعت بازگردانی، تا شخصاً از کسانی که با من چنین رفتار کرده‌اند انتقام بگیرم. خداوند اسماعیل بن حزقیل را وعده داد که همراه امام حسین علیه السلام رجعت کند.^۱

بر اساس این حدیث و احادیث دیگری که این معنا را تأیید می‌کنند، «اسماعیل» پسر حزقیل از جمله پیامبرانی است که در تفاسیر و کتب حدیثی، تصریح به رجعت او گردیده تا از کسانی که با او چنین رفتار فجیعی کردند انتقام بگیرد.

۱ - کامل الزیارات، ص ۶۵ / تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۶ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۵ / الايقاظ، ص ۳۲۸.



رَبِّعَتِ مَضْرَبَتِ عِيسَى علی نبینا و آلہ و علیہ السلام

همه طوائف اسلامی یقین و اعتقاد قاطع دارند که حضرت عیسیٰ علیه السلام به روی زمین باز می‌گردد و برخی از آیات قرآنی نیز به آن دلالت می‌کند که در بخش‌های قبلی از آن بحث کردیم. صدها حدیث از طریق اهل سنت موجود است که از بازگشت حضرت عیسیٰ علیه السلام به روی زمین سخن می‌گویند. اگر برخی از متعصبین اهل سنت به دلایلی در مورد حضرت مهدی علیه السلام تردید می‌کنند، در مورد نزول حضرت مسیح تردید ندارند. از نظر شیعه نیز قطعی است که حضرت عیسیٰ علیه السلام می‌آید و پشت سر حضرت مهدی علیه السلام نماز می‌خواند و او را تأیید می‌کند و در ردیف معاونان آن حضرت قرار می‌گیرد. در این زمینه ده‌ها حدیث در کتاب «یاد حضرت مهدی» از طریق شیعه و سنی نقل کردیم که نیازی به تکرار آن نیست. فقط به نقل چند حدیث از طریق اهل سنت در این رابطه اکتفا می‌کنیم:

۱ - «بخاری» در «صحیح» خود، بابی را به عنوان «باب نزول عیسی بن مریم» اختصاص داده است. وی در این باب از ابوهریره نقل می‌کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

سوگند به خدایی که جانم در دست قدرت اوست، نزدیک است که پسر مریم به عنوان داوری دادگر در میان شما فرود آید، صلیب را بشکند، خوک را بکشد،

جزیه را بگذارد و مال را آن قدر بریزد که دیگر کسی آن را نپذیرد.^۱

۲ - «مسلم» در «صحیح» خود، ده‌ها حدیث در باب «اشراط ساعة» پیرامون نزول حضرت عیسی علیه السلام آورده که در برخی از آن‌ها ده نشانه به عنوان اشراط ساعة از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که دهمین آن‌ها نزول حضرت عیسی علیه السلام است.^۲ متن کامل حدیث را در فصل دوم، «رجعت از دیدگاه قرآن» در ذیل آیه سی و سوم آوردیم.

۳ - «ترمذی» در «سنن» خود، بابی را به نزول حضرت عیسی علیه السلام اختصاص داده و ده‌ها حدیث در دیگر ابواب فتن آورده است. در یکی از ابواب مربوط به دجال از «مجمع بن جاریه انصاری» نقل می‌کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

پسر مریم، دجال را در باب لد می‌کشد.^۳

۴ - «ابن ماجه» در «سنن» خود، فصلی را به فتنه دجال و خروج حضرت عیسی علیه السلام اختصاص داده و روایاتی را در مورد خروج حضرت عیسی علیه السلام نقل کرده، و در ضمن حدیث مفصلی می‌نویسد:

چون دجال حضرت عیسی علیه السلام را ببیند ذوب می‌شود، آن چنان که نمک در آب ذوب می‌گردد. آنگاه حضرت عیسی علیه السلام او را دنبال می‌کند و در باب «لد» او را درک می‌کند و با یک ضربت او را از پای درمی‌آورد و یهود در آن روز شکست می‌خورند و ریشه کن می‌شوند.^۴

۵ - «ابو داود» در «سنن» خود، در باب خروج دجال، احادیثی را در مورد نزول حضرت عیسی علیه السلام آورده است که در ضمن حدیث مفصلی از قول رسول اکرم صلی الله علیه و آله نزول حضرت

۱ - صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۵۶.

۲ - صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۲۷.

۳ - سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۱۵.

۴ - سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۱.

عیسی علیه السلام و نشانه‌های او و شکستن صلیب به دست ایشان را بحث می‌کند و در پایان می‌فرماید:

حضرت مسیح، دجال را می‌کشد و چهل سال در روی زمین می‌ماند، سپس از دنیا می‌رود و مسلمانان بر جنازه‌اش نماز می‌خوانند.^۱

در این بیان از نظر شیعه و سنی هیچ تردیدی نیست که حضرت عیسی علیه السلام نازل می‌شود و سالیان متمادی در روی زمین زندگی می‌کند، تنها مطلبی که این جا باید اشاره کنیم این است که آیا نزول عیسی علیه السلام را می‌توان رجعت نامید یا نه؟

نظر به این که حضرت عیسی علیه السلام به نص قرآن به آسمان‌ها رفته است، بازگشت او به روی زمین یک نوع «رجعت» است، ولی رجعت اصطلاحی که ما در این کتاب از آن بحث می‌کنیم، این است که کسی پس از مردن به زندگی بازگردد، و چون ما معتقدیم حضرت عیسی علیه السلام کشته نشده و به دار آویخته نگردیده، بلکه به سوی آسمان‌ها برده شده، بازگشت او رجعت اصطلاحی به شمار نمی‌آید. مرحوم شیخ حرّ عاملی در کتاب پر ارج «الایقاظ» از نزول حضرت عیسی علیه السلام به «رجعت» تعبیر نموده و استدلال به آیه ﴿إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ﴾^۲ و آیه ﴿فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي﴾^۳ کرده و فرموده است:

حضرت عیسی علیه السلام قبض روح شده و سپس به آسمان‌ها برده شده و به هنگام ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام او نیز زنده می‌شود و رجعت می‌کند. سپس می‌گوید: قرآن به این معنی دلالت می‌کند و حدیث در این رابطه بسیار است.^۴

و سپس حدیثی را از «کمال‌الدین صدوق» نقل می‌کند که دلالت دارد بر این که خداوند

۱ - سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۱۴.

۲ - آل عمران : ۵۵.

۳ - مائده : ۱۱۷.

۴ - الایقاظ، ص ۳۰۴.

حضرت عیسی علیه السلام را به آسمان‌ها برده، پس از آن که روحش را قبض کرده است.^۱ در این زمینه روایات مختلف است، برخی تصریح کرده که حضرت عیسی علیه السلام بدون این که قبض روح شود به آسمان‌ها برده شد، و در برخی تصریح شده که قبض روح گشته و سپس به آسمان‌ها برده شده و در برخی نیز توضیح داده شده که از زمین بدون قبض روح بالا برده شده، در میان زمین و آسمان قبض روح شده، چون به آسمان رسیده روحش به او برگشته، و اینک زنده است در آسمان‌ها.^۲ از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند:

حضرت عیسی علیه السلام نمرده است و بی‌گمان پیش از قیامت به سوی شما باز می‌گردد.^۳

از بررسی مجموع احادیث وارده پیرامون حوادث حضرت عیسی علیه السلام به این نتیجه می‌رسیم که حضرت عیسی علیه السلام بدون تردید به دار آویخته نگشته، و به دست یهود کشته نشده، بلکه به سوی آسمان‌ها بالا برده شده و پس از ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام به سوی زمین باز می‌گردد.

۱ - بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۳۶ / الايقاظ، ص ۳۲۴.
۲ - عیون اخبار الرضا، ص ۱۲۰ / بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۳۸.
۳ - مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۴۹ / بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۴۴.



رَبِّعَتِ هَضْرَتِ فَضْلٍ عَلٰی نَبِيِّنَا وَ آلِهِ وَ عَلَيْهِ السَّلَام

یکی از پیامبران عظیم الشان که بدون تردید زنده است و هم اکنون بیش از شش هزار سال از عمر شریفش می‌گذرد،^۱ حضرت خضر علیه السلام است. طبق روایات بسیاری که از ائمه علیهم السلام رسیده است، طول عمر حضرت خضر علیه السلام فقط برای این بود که گواهی بر طول عمر حضرت بقیة الله علیه السلام باشد، چنان که امام صادق علیه السلام در ضمن یک حدیث طولانی می‌فرمایند:

در علم خدا گذشته بود که عمر حضرت قائم علیه السلام را در زمان غیبت طولانی گرداند، و می‌دانست که بندگان از این عمر طولانی دچار شگفت خواهند شد، از این رو به بنده صالح (حضرت خضر علیه السلام) عمر طولانی داد، فقط برای این که سند زنده‌ای بر طول عمر حضرت قائم علیه السلام باشد و با طول عمر او امکان طول عمر آن حضرت استدلال شود و بدین طریق راه بر دشمنان بسته شده و حجّت بر مردم تمام شود.^۲

زندگی حضرت خضر علیه السلام و رفتنش به بحر ظلمات و خوردنش از آب حیات، خود داستان مفصّلی است که در کتب تاریخی و حدیثی به تفصیل از آن بحث شده و علاقمندان می‌توانند

۱ - طول عمر امام زمان، ص ۹۶ / یوم الخلاص، ص ۱۵۷.

۲ - غیبت شیخ طوسی، ص ۱۰۸ / کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۷ / تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۴۹.

برای آگاهی بیش‌تر به کتب مبسوط حدیثی مراجعه فرمایند.^۱

شرکت حضرت خضر علیه السلام در مراسم عید غدیر در سرزمین غدیر خم و در مراسم سوگواری رسول اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام رحلت آن حضرت، و در سوگ حضرت علی علیه السلام به هنگام شهادت ایشان، در کتاب‌های حدیثی مشروحاً آمده است که کتاب ما گنجایش این بحث‌ها را ندارد.

در کتب اهل سنت نیز از آمدن حضرت خضر علیه السلام به خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام گفت‌وگو شده که فهرست برخی از آن‌ها را در پاورقی می‌آوریم.^۲ برای تفصیل بیش‌تر به ملحقات کتاب پراج «احقاق الحق» مراجعه شود.^۳

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

حضرت خضر علیه السلام از آب حیات خورد، او زنده است و تا دمیده شدن صور از دنیا نمی‌رود. او پیش ما می‌آید و بر ما سلام می‌کند، ما صدایش را می‌شنویم و خودش را نمی‌بینیم. او در مراسم حج شرکت می‌کند و همه مناسک را انجام می‌دهد. در روز عرفه در سرزمین عرفات می‌ایستد و برای دعای مؤمنان آمین می‌گوید. خداوند به وسیله او در زمان غیبت، از قائم ما رفع غربت می‌کند و به وسیله او وحشتش را تبدیل به انس می‌نماید.^۴

از این حدیث استفاده می‌شود که حضرت خضر علیه السلام جزء سی نفری است که همواره در محضر حضرت بقیة الله علیه السلام هستند و رتق و فتق امور به فرمان آن حضرت در دست آن‌هاست.^۵

۱ - بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۷۲ - ۲۱۵ و ج ۱۳، ص ۲۷۸ - ۳۲۲.

۲ - منتخب تاریخ، ابن عساکر، ج ۵، ص ۱۵۲ / حیوة الحیوان، دسیری، ج ۱، ص ۲۷۲ / دلائل النبوة، ابونعیم اصفهانی، ص ۴۹۵ / سنن بیهقی، ج ۴، ص ۶۰ / معجم طبرانی، ص ۱۴۸ / مشکات المصابیح، ج ۳، ص ۲۰۸ / اتحاف زبیدی، ج ۱، ص ۳۰۱ / مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۵۷ / انساب الاشراف، بلاذری، ص ۵۶۴.

۳ - احقاق الحق، ج ۸، ص ۷۱۰ و ج ۹، ص ۳۹۷ - ۴۰۱.

۴ - کمال الدین، ج ۲، ص ۳۹۰ / بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۲۹۹.

۵ - غیبت نعمانی، ص ۹۹ / غیبت شیخ طوسی، ص ۱۰۲ / جزیره خضراء، ص ۳۶ / بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۸.

یکی از سروران ما که از هر جهت مورد اعتماد نویسنده است، از مرحوم شیخ «محمد کوفی»^۱ نقل می‌کند:

شبی در مسجد سهله بودم، صدای روح‌بخش حضرت بقیة الله علیه السلام را شنیدم که دوبار جناب خضر را به تعبیر «یا خُضَیْر» صدا کردند و بلافاصله پیرمردی از یک گوشه مسجد حرکت نمود و به محضر آن مهر تابان شتافت.

جای تردید نیست که حضرت خضر علیه السلام در محضر حضرت بقیة الله علیه السلام است و در بسط عدالت و رفع فتنه و ریشه‌کن ساختن ظلم و ستم یار و یاور آن حضرت خواهد بود، جز این که ظهور ایشان رجعت اصطلاحی نیست؛ زیرا به طور قطع زنده است و وفات نکرده و تا هنگام ظهور نیز وفات نخواهد کرد.

۱ - مرحوم شیخ محمد کوفی از مردان موفق زمان ما بود که ده‌ها بار سعادت تشرّف به پیشگاه ولی الله اعظم را پیدا کرده بود.



رجعت حضرت رسول اکرم ﷺ

براساس روایات فراوانی، رسول اکرم ﷺ به این جهان بازمی‌گردند و حکومت می‌کنند. رجعت پیامبر اکرم ﷺ در چهار آیه از قرآن کریم مطرح شده است که در بخش «رجعت از دیدگاه قرآن» بحث کردیم. در این جا خلاصه آن را می‌آوریم:

﴿ إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ ﴾^۱

خداوندی که قرآن را بر تو واجب کرد، تو را به وعده گاه بازمی‌گرداند.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

رسول اکرم ﷺ به سوی شما بازمی‌گردد.^۲

امام زین العابدین علیه السلام نیز در تفسیر این آیه می‌فرمایند:

پیامبرتان به سوی شما برمی‌گردد.^۳ و در روایتی دیگر فرمودند: این آیه مربوط به رجعت است.

۱ - قصص : ۸۵.

۲ - تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۳۹ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۶.

۳ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۶.

امام باقر علیه السلام نیز فرمودند: این آیه مربوط به رجعت است.^۱ از امیرمؤمنان علیه السلام نیز روایت شده که فرمودند: این آیه مربوط به رجعت دنیا است.^۲

﴿ ۲ ﴾ ﴿ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا ﴾^۳

تو را نفرستادیم، جز نویدبخش و بیم‌دهنده برای همه مردمان.

این آیه که یکی از دلایل جهانی بودن رسالت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله می‌باشد، صراحت دارد که آن حضرت برای همه جهانیان بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده است. در عصر رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین فرصتی پیش نیامد که بشارت‌ها و اندازهای رسول اکرم صلی الله علیه و آله به گوش همه جهانیان برسد، لذا باید در عالم رجعت برگردد و بشارت‌ها و اندازهایش را به گوش جهانیان برساند. چنان که امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

این آیه در رجعت تحقق می‌یابد.^۴

امام باقر علیه السلام دلالت این آیه را بر رجعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از آیه قبلی قوی‌تر می‌دانند.^۵

﴿ ۳ ﴾ ﴿ يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ ﴾^۶

ای جامه به خود پیچیده، برخیز و انداز کن.

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

۱ - مستدرک سفینه، ج ۴، ص ۱۲۰.

۲ - بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۸۷.

۳ - سبأ: ۲۸.

۴ - مستدرک سفینه، ج ۴، ص ۱۲۰ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۲.

۵ - تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۴۰ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۳.

۶ - مدثر: ۱ و ۲.

چه کسانی در رجعت باز می‌گردند؟ ﴿ ۱۷۹

منظور از این آیه رجعت رسول اکرم ﷺ و بیم‌دادن آن حضرت در رجعت است.^۱

﴿ وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا ○ وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّاهَا ○ وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّاهَا ﴾^۲

سوگند به آفتاب و روشنایی آن، سوگند به ماه چون از پی آن درآید، سوگند به روز، هنگامی که جهان را روشن سازد.

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرمایند:

منظور از آفتاب در این سوره، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و منظور از ماه، امیر مؤمنان علیه السلام و منظور از روز، امامان اهل بیت علیهم السلام هستند که در آخر الزمان مالک روی زمین می‌شوند و آن را پر از عدالت می‌کنند.^۳

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: منظور از «یوم» در آیه شریفه ﴿ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ﴾ چیست؟ فرمودند:

روزی که پنجاه هزار سال است، روزگار رجعت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است و مدت فرمانروایی آن حضرت در رجعت را نشان می‌دهد.^۴

۱ - تفسیر بصائر، ج ۵۰، ص ۴۲۶ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۳۹۹ / تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۵۳ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳ / الایقاظ، ص ۳۵۷ / الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۵۳.

۲ - الشمس: ۱ - ۳.

۳ - تفسیر بصائر، ج ۵۶، ص ۹۳ / تفسیر فرات الکوفی، ص ۲۱۲ / الایقاظ، ص ۳۸۸.

۴ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۵۳ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۳۸۳ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۴ / الایقاظ، ص ۳۶۸.

طبق احادیثی که بیان شد، از نظر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تردیدی نیست که وجود اقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله در رجعت باز می گردند و فرمانروایی می کنند و بر اساس حدیث فوق، مدت فرمانروایی آن حضرت پنجاه هزار سال است.



رجعت امیرمؤمنان علیه السلام

به طوری که از احادیث استفاده می‌شود، از نظر پیشوایان معصوم هیچ تردیدی نیست که امیرمؤمنان، مولای متقیان، حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام رجعت می‌کنند و سالیان درازی حکومت می‌نمایند. قسمتی از روایات مربوط به رجعت امیرمؤمنان علیه السلام را در بخش‌های گذشته آوردیم. اینک خلاصه آن‌ها را در ذیل چهار آیه به عرض خوانندگان گرامی می‌رسانیم:

﴿...لَتُؤْمِنَنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ﴾^۱

﴿ ۱ ﴾

البته به او ایمان می‌آورید و البته یاری‌اش می‌کنید.

امام صادق علیه السلام در ذیل این آیه فرمودند:

خداوند از همه پیامبران پیمان گرفته که به رسول اکرم صلی الله علیه و آله ایمان آورند و امیرمؤمنان علیه السلام را یاری کنند. ابن ابی شیبہ پرسید: امیرمؤمنان را یاری کنند؟! فرمودند: آری، به خدا سوگند، خداوند از حضرت آدم تا حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیامبری نفرستاده، جز این که او را بازمی‌گرداند تا در برابر علی بن ابی طالب علیه السلام شمشیر بزند.^۲

۱ - آل عمران : ۸۱.

۲ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۱ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۹۵ / تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۹ /

پیشوای ششم شیعیان در حدیث دیگری می‌فرمایند:

این آیه هنگامی تحقق می‌یابد که خداوند همه پیامبران و امامان را برای یاری امیرمؤمنان علیه السلام باز می‌گرداند و پرچم رسول اکرم صلی الله علیه و آله به دست آن حضرت داده می‌شود و امیرمؤمنان علیه السلام فرمانروای همه مخلوقات می‌گردد و همه زیر پرچم ایشان قرار می‌گیرند.^۱

در برخی منابع آمده که در آن روز رسول الله صلی الله علیه و آله پرچم را به دست مولای متقیان می‌دهند و آن حضرت بر همه مخلوقات امیر می‌شوند.^۲ امیرمؤمنان علیه السلام در ضمن حدیث مفصلی در این رابطه می‌فرمایند:

خداوند از همه پیامبران پیمان گرفته که به حضرت محمد صلی الله علیه و آله ایمان بیاورند و جانشین او را یاری نمایند... در آن روز خداوند همه پیامبران را از آدم تا خاتم صلی الله علیه و آله زنده می‌کند و همه آنها در برابر من شمشیر می‌زنند و گردنکشان جن و انس را گردن می‌زنند.^۳

امام صادق علیه السلام نیز از امیرمؤمنان علیه السلام روایت می‌کنند که این آیه تحقق نمی‌یابد، مگر در رجعت.^۴

﴿ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴾^۵

بگو تا روز وقت معین، تو از مهلت داده شدگان هستی.

بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۱، ۵۰ و ۶۱ / الايقاظ، ص ۳۶۰.

۱ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۱ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۹۵ / تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۹.

۲ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۷۰ / الايقاظ، ص ۳۸۱.

۳ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۶ / الايقاظ، ص ۳۶۵.

۴ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۱۸ و ج ۹۳، ص ۸۷.

۵ - حجر: ۳۷ و ۳۸ و ص: ۸۰ و ۸۱.

در ذیل آیه بیستم از بخش «رجعت از دیدگاه قرآن» به تفصیل پیرامون این آیه بحث کردیم و گفتیم: ابلیس از خدا تا روز رستاخیز مهلت خواست ولی خداوند آن را رد کرد و به او تا روز وقت معین مهلت داد. آنگاه از ائمه اهل بیت علیهم السلام نقل کردیم که آن وقت معین عبارت از روز رجعت امیرمؤمنان علیه السلام است. سپس از امام صادق علیه السلام نقل نمودیم که در آن روز ابلیس همه سپاهیانش را از اولین و آخرین جمع می‌کند و در سرزمین «روحا» در نزدیکی کوفه با سپاه امیرمؤمنان علیه السلام به نبردی سخت می‌پردازد و سرانجام سپاه ابلیس شکست می‌خورد و ابلیس پا به فرار می‌گذارد، رسول گرامی صلی الله علیه و آله او را دنبال می‌کند و از میان دو شانه‌اش ضربتی کاری می‌زند و او را به هلاکت می‌رساند.^۱

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام روایت شده:

روز وقت معلوم، روزی است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله ابلیس را بر روی سنگی در بیت المقدس سر می‌برد.^۲

﴿ ۳ ﴾ ﴿ أَخْرِجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ ﴾^۳
برای آن‌ها دابة الارض را بیرون می‌آوریم.

از بررسی روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام استفاده می‌شود که از نظر ائمه هیچ تردیدی نیست که منظور از دابة الارض وجود مقدس شاه ولایت، حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است، که در ده‌ها حدیث به آن تصریح شده و نقل همه آن‌ها به درازا می‌کشد. امیرمؤمنان علیه السلام در ضمن خطبه مفصلی از فضیلت‌های خاص خود سخن می‌گویند و در پایان می‌فرمایند:

۱ - الزام التائب، ج ۲، ص ۳۳۲ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۳۴۳ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۲ / الايقاظ، ص ۳۶۲.

۲ - تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۱۳.

۳ - نمل: ۸۲.

من دابة الارض هستم که با مردم سخن می‌گویم.^۱

رسول اکرم ﷺ در تفسیر این آیه فرمودند:

او (امیرمؤمنان) همان دابة الارض است که خدای تبارک و تعالی در این آیه فرموده است. سپس خطاب به امیرمؤمنان ﷺ فرمودند: ای علی! چون آخرالزمان فرا رسد، خداوند تو را در زیباترین صورت ظاهر می‌سازد و در دست تو می‌سیمی هست که دشمنانت را با آن علامت می‌گذاری.^۲

رسول اکرم ﷺ در وصف دابة الارض می‌فرمایند:

تیز پایی به او نمی‌رسد، فرارکننده‌ای از او فوت نمی‌شود، مؤمن را نشان مؤمن، و کافر را نشان کافر می‌زند.^۳

در شب معراج در ضمن بحث از فضایل امیرمؤمنان ﷺ گفته شد:

او همان دابة الارض است که با مردم سخن می‌گوید.^۴

اگر بخواهیم همه احادیثی را که در آنها «دابة الارض» به وجود مقدس امیرمؤمنان ﷺ تفسیر شده نقل کنیم، بسیار طولانی می‌شود، لذا قسمتی از منابع آن را در پاورقی می‌آوریم.^۵

۱ - تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۵ / تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۰۹ / تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۹۷ / الایقاظ، ص ۳۶۷.

۲ - تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۴ / تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۰۹ / تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۹۸ / تفسیر قمی، ص ۴۷۹ / بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۲۴۳ / مستدرک سفینه، ج ۳، ص ۴۱۶.

۳ - مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۴ / تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۵ / تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۹۸ / بحارالانوار، ج ۶، ص ۳۰۰ / الایقاظ، ص ۳۳۵.

۴ - بصائر الدرجات، ص ۱۵۰ / بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۳۸.

۵ - کتاب سلیم بن قیس، ص ۶۸ / تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۱۰ / تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۹۸ / بحارالانوار، ج ۶، ص ۳۰۰ و ج ۳۹، ص ۲۴۲ و ج ۵۲، ص ۱۹۴ / الایقاظ، ص ۳۳۶ و ۳۶۶ و ۳۸۴ / مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۴ / کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۷ / مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۲۰ و ۵۷۹.

برای تفصیل بیشتر، به آیه سی و سوم از بخش «رجعت از دیدگاه قرآن» مراجعه فرمایید. در کتب اهل سنت نیز از خروج دابة الارض سخن رفته و به عنوان یکی از «اشراط ساعة» مطرح شده است.^۱ نشانه‌هایی که در کتب حدیثی آن‌ها برای دابة الارض گفته شده، دقیقاً با احادیث شیعه منطبق است، جز این که تصریح نکرده‌اند که دابة الارض حضرت علی علیه السلام و خروج آن در رجعت است.^۲ فهرست احادیث را در ذیل آیه سی و سوم آورده‌ایم.

﴿ ۴ ﴾ ﴿ سَنَسِئُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ ﴾^۳

زود است که بر روی بینی‌اش داغ بزنیم.

در تفسیر قمی آمده است:

این آیه مربوط به رجعت است، هنگامی که شاه ولایت حضرت امیرمؤمنان علیه السلام رجعت کند، بر پیشانی دشمنانش داغ می‌نهد؛ آن چنان که بر روی بینی چهارپایان داغ می‌زنند تا شناخته شوند.^۴

در احادیث فراوانی از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده که فرموده‌اند:

من صاحب عصایم، من صاحب میسم.^۵

الزام النَّاصِب، ج ۲، ص ۳۴۷.

- ۱ - صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۶۰ / سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۱۲ / کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۵۸.
- ۲ - صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۳۸ / سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۴۰ / سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۵۳ / مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۸۴ / عقد الدرر، ص ۳۱۳ و ۳۲۲ / تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۳۸۴ / در المنثور، ج ۵، ص ۱۱۵ - ۱۱۷ / وکنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۵۸.
- ۳ - قلم: ۱۶.
- ۴ - تفسیر صافی، ج ۵، ص ۲۱۰ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۳۷۱ / الزام النَّاصِب، ج ۲، ص ۳۵۲ / مستدرک سفینه، ج ۴، ص ۱۲۲ / تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۹۴.
- ۵ - تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۵ / بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۳۴۳ و ج ۵۳، ص ۱۱۹ / تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۰۹ / اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۷ / بصائر الدرجات، ص ۵۴ / تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۹۷ / الايقاظ، ص ۳۶۷.

نظر به این که در مورد چهار آیه فوق در گذشته بحث کرده بودیم، در این جا بسیار فشرده بیان نمودیم. از بررسی احادیث فراوانی که در تفسیر چهار آیه فوق از امامان اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است، تردیدی نمی ماند در این که امیرمؤمنان علیه السلام رجعت خواهند کرد و همه پیامبران در محضرش شمشیر خواهند زد و بر سراسر گیتی فرمانروایی خواهند نمود. مدت فرمانروایی امیرمؤمنان علیه السلام در رجعت، ۴۴ هزار سال است که در احادیث فراوانی به آن تصریح شده است.^۱ امام صادق علیه السلام در ضمن حدیث مفصلی در این رابطه می فرماید:

امیرمؤمنان علیه السلام مدت ۴۴ هزار سال حکومت می کنند و برای هر یک از شیعیان علی بن ابی طالب، هزار پسر به دنیا می آید.^۲

در احادیث فراوانی تصریح شده که برای امیرمؤمنان علیه السلام رجعت های مکرر است و بیش از یک بار به این دنیا رجعت می کنند. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

حضرت علی علیه السلام یک بار با امام حسن علیه السلام برمی گردند و برای او از بنی امیه انتقام می گیرند... و بار دیگر با رسول اکرم صلی الله علیه و آله باز می گردند و در روی زمین خلیفه می شوند و امامان علیهم السلام والیان ایشان می باشند.^۳

در روایاتی که خدای تبارک و تعالی در شب معراج به رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطاب فرموده آمده است:

ای محمد! علی اولین امامی است که پیمان مرا پذیرفته است، او آخرین امامی است که روحش را قبض می کنم. او همان دابة الارض است که با مردم سخن می گوید.^۴

۱ - تفسیر برهان، ج ۴، ص ۳۸۳ / الايقاظ، ص ۳۶۸.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۳ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۲۴۳ / الايقاظ، ص ۳۶۲.

۳ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۵۶ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۸ / الايقاظ، ص ۳۶۳.

۴ - بصائر الدرجات، ص ۱۵۰ / بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۳۸.

رسول اکرم ﷺ در ضمن حدیث مفصّلی فرمودند:

دَابَّةُ الارض سه بار خارج می‌شود.^۱

در احادیث عامّه نیز تصریح شده که دَابَّةُ الارض سه بار خارج خواهد شد.^۲ امیرمؤمنان علیه السلام در ضمن حدیث مفصّلی می‌فرمایند:

برای من رجعتی پس از رجعتی، و بازگشتی پس از بازگشتی است. برای من رجعت‌هاست، برای من بازگشت‌هاست، برای من جنبش‌ها و انتقام‌هاست، برای من حکومت‌های عجیب و غریب است. من دَابَّةُ الارض هستم، من صاحب عصا و میسم هستم.^۳

اصبغ بن نباته از امیرمؤمنان علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند:

هر کس منکر شود که من رجعتی دارم پس از رجعتی، و دعوتی پس از دعوتی، و بازگشتی بعد از بازگشتی، ما را رد کرده است و هر کس ما را رد کند، خدا را رد کرده است.^۴

داستان نبرد امیرمؤمنان علیه السلام با ابلیس و شکست دادن آن حضرت ابلیس را، در آخرین رجعت ایشان خواهد بود.^۵ از بررسی برخی از احادیث وارده در ذیل آیه ۱۵۸ سوره انعام استفاده می‌شود که بسته شدن باب توبه نیز در آخرین رجعت امیرمؤمنان علیه السلام خواهد بود.^۶

-
- ۱ - مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۴ / بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۰۰ / نور الثقلین، ج ۴، ص ۹۹.
 - ۲ - عقد الدرر، ص ۳۱۳ / تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۳۸۴ / الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۱۶.
 - ۳ - الايقاظ، ص ۳۶۵ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۷ و ج ۳۹، ص ۳۴۳.
 - ۴ - الايقاظ، ص ۳۷۵.
 - ۵ - الايقاظ، ص ۳۳۲ و ۳۶۱.
 - ۶ - تفسیر صافی، ج ۲، ص ۱۷۴ / تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۷۸۲.



رجعت امام حسین علیه السلام

از بررسی احادیث رجعت استفاده می‌شود، نخستین کسی که برای فرمانروایی جهان رجعت می‌کند، حضرت امام حسین علیه السلام است. اگر چه طبق روایات، حضرت علی علیه السلام نیز در عهد امام حسین علیه السلام رجعت می‌کنند، ولی فرمانروایی ایشان در آخر خواهد بود و بعد از حضرت بقیة الله علیه السلام اولین کسی که رجعت می‌کند و بر سراسر جهان فرمانروایی می‌نماید، حضرت امام حسین علیه السلام است.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

نخستین کسی که زمین برای او شکافته می‌شود و به روی آن رجعت می‌کند، حسین بن علی علیه السلام است.^۱

و در حدیثی دیگر نیز فرمودند:

نخستین کسی که در رجعت باز می‌گردد، حسین بن علی علیه السلام است.^۲

همچنین در حدیثی دیگر نیز می‌فرمایند:

۱ - الزام التائب، ج ۲، ص ۳۶۰ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۸ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۹ / الايقاظ، ص ۳۶۰.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۴ / الايقاظ، ص ۳۶۷ و ۳۸۹.

چه کسانی در رجعت باز می‌گردند؟ ﴿ ۱۸۹

نخستین کسی که به دنیا رجعت می‌کند، حسین بن علی علیه السلام است، به قدری حکومت می‌کند که از کثرت سن، ابروهایش روی دیدگانش می‌ریزد.^۱

و نیز در حدیثی دیگر فرمودند:

اولین کسی که به دنیا باز می‌گردد حسین بن علی علیه السلام است که با اصحابش رجعت می‌کند، و یزید بن معاویه نیز با اصحابش برمی‌گردد. آنگاه امام حسین علیه السلام همه آنها را می‌کشد و برای هر ضربتی یک ضربت می‌زند.^۲

امام صادق علیه السلام در حدیث دیگری می‌فرمایند:

نخستین کسی که سر از خاک برمی‌دارد، حسین بن علی علیه السلام است که با ۷۵ هزار نفر از شیعیان رجعت می‌کند.^۳

امام حسین علیه السلام روز عاشورا پیش از شهادتشان به تفصیل در مورد رجعت خود سخن گفتند که در ضمن آن فرمودند:

من اولین کسی خواهم بود که زمین شکافته می‌شود و رجعت می‌کنم.^۴

از امام صادق علیه السلام روایت شده:

گروهی از فرشتگان از خدای تبارک و تعالی اجازه گرفتند که برای یاری امام حسین علیه السلام نازل شوند. چون به سرزمین کربلا رسیدند، امام حسین علیه السلام به شهادت رسیده بودند. به آنها خطاب شد: ملازم قبر آن حضرت باشید تا وقتی که

۱ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۶ / الايقاظ، ص ۳۵۸ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۸.
۲ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۲ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۸ / تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۴۰ / تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۷۹.
۳ - تفسیر بصائر، ج ۵۰، ص ۱۴۹ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۲۴ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۶.
۴ - الايقاظ، ص ۳۵۲ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۲.

خروج کند، در آن روز از یاران ایشان خواهید بود. این فرشتگان همواره در کنار قبر آن حضرت هستند و برای ایشان گریه می‌کنند، تا روزی که خارج شود و آنها از یاران و یاوران او باشند.^۱

بر اساس احادیثی که در ذیل آیه ششم از سوره اسراء نقل کردیم، امام حسین علیه السلام در اواخر حکومت حضرت بقیة الله علیه السلام با اصحاب باوفایش رجعت می‌کنند و برای همه مردمان معرفی می‌شوند، تا دیگر کسی در مورد آن حضرت دچار تردید نشود. هنگامی که همه مردم ایشان را شناختند، اجل حضرت بقیة الله علیه السلام فرا می‌رسد و دیده از جهان فرو می‌بندد. آنگاه امام حسین علیه السلام آن حضرت را غسل و کفن و حنوط می‌کند و به خاک می‌سپارد؛ که هرگز امام را جز امام غسل نمی‌دهد.^۲ در حدیثی دیگر آمده که حضرت ولی عصر علیه السلام انگشتر را به امام حسین علیه السلام تقدیم می‌کند.^۳

در تفسیر علی بن ابراهیم در ذیل آیه ۱۰۵ سوره انبیاء در ضمن حدیث مفصلی آمده:

خداوند پیش از تولد امام حسین علیه السلام، وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله را آگاه ساخت که چه حوادث تلخ و ناگواری در انتظار آن مولود موعود هست؛ او را چگونه می‌کشند و چه مصیبت‌هایی بر او و اهل بیتش روی می‌دهد، ولی در عوض امامت تا روز قیامت در نسل او خواهد بود. خداوند رسول اکرم صلی الله علیه و آله را آگاه ساخت که امام حسین علیه السلام کشته می‌شود، ولی بار دیگر به این دنیا بازمی‌گردد تا دشمنانش را بکشد و بر سراسر جهان فرمانروایی کند.^۴

۱ - کامل الزیارات، ص ۸۸ / الايقاظ، ص ۳۰۸.

۲ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۱ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۷ / تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۳۸ / بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۶ و ج ۵۳، ص ۹۳ / الايقاظ، ص ۳۰۹ / روضة کافی، ج ۲، ص ۳ / المحجة، ص ۱۲۱.

۳ - الايقاظ، ص ۳۶۸.

۴ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۳۵ و ۳۳۹ / تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۱۱ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۲ / الايقاظ، ص ۳۴۵.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ششم از سوره نازعات فرمودند:

منظور از «راجفة» امام حسین علیه السلام، و منظور از «رادفة» حضرت علی علیه السلام است. نخستین کسی که سر از تیره خاک برمی‌دارد، حسین بن علی علیه السلام است که با ۷۵ هزار نفر به این دنیا بازمی‌گردند.^۱

در برخی منابع، تعداد همراهان امام حسین علیه السلام ۹۵ هزار نفر آمده است.^۲ امام صادق علیه السلام مدّت فرمانروایی حضرت امام حسین علیه السلام را در رجعت، چنین بیان فرموده‌اند:

نخستین کسی که در رجعت برمی‌گردد حسین بن علی علیه السلام است، که ۴۰ هزار سال در روی زمین می‌ماند، تا از کثرت سن ابروانش بر روی چشم‌هایش بریزد.^۳

در چاپ جدید بحارالانوار، کلمه «هزار» در این حدیث افتاده است^۴ ولی در تفسیر برهان موجود است و ما آن را اصل قرار دادیم؛ زیرا مدّت فرمانروایی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در رجعت ۵۰ هزار سال و مدّت فرمانروایی امام علی علیه السلام ۴۴ هزار سال است، پس معنا ندارد که مدّت فرمانروایی امام حسین علیه السلام فقط چهل سال باشد، بلکه طبق روایت تفسیر برهان ۴۰ هزار سال است. گواه دیگر این که در همان حدیث آمده است: امام حسین علیه السلام آن قدر حکومت می‌کند که ابروانش از کثرت سن روی چشم‌هایش می‌افتد. در عهد رجعت که شیعیان امام حسین علیه السلام از عمر استثنائی برخوردار می‌شوند و برای هر یک از آن‌ها یک‌هزار فرزند متولد می‌شود، معنا ندارد که با حکومت چهل ساله گردی بر چهره آن حضرت بنشینند.

۱ - الايقاظ، ص ۳۸۲ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۶ / تفسیر بصائر، ج ۵۰، ص ۱۴۹ / تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۲۴ / مستدرک سفینه، ج ۴، ص ۱۲۳.
۲ - تفسیر فرات الکوفی، ص ۲۰۳ / تفسیر بصائر، ج ۵۰، ص ۱۴۹.
۳ - تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۸.
۴ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۴.



رجعت سایر امامان معصوم علیهم السلام

در دو بخش پیشین، از رجعت امیرمؤمنان و امام حسین علیهما السلام به تفصیل سخن گفتیم. در این جا اضافه می‌کنیم که رجعت مخصوص آن دو امام بزرگوار نیست، بلکه همه امامان معصوم علیهم السلام در رجعت برمی‌گردند. دلیل ما در این گفتار، سه دسته از روایات است:

- ۱- روایاتی که از رجعت فرد فرد امامان سخن گفته است؛ مانند روایاتی که از رجعت امام حسن مجتبی علیه السلام^۱ امام صادق علیه السلام^۲ و حضرت بقیة الله علیه السلام^۳ سخن گفته‌اند.
- ۲- روایاتی که تصریح می‌کنند، همه امامان رجعت می‌نمایند و همه مؤمنین خالص و نیز سرآمد کفار و طواغیت زمان هر امامی، همراه با حجت زمان خویش رجعت می‌کنند.^۴
- ۳- روایات، ادعیه و زیاراتی که از دوازده فرمانروای دادگر و هدایتگر بعد از حضرت ولی عصر علیه السلام گفت‌وگو کرده‌اند.^۵

۱ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۲ / الايقاظ، ص ۳۵۳.

۲ - ارشاد مفید، ص ۲۷۱ / تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۱۸ / مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۹ / الايقاظ، ص ۳۱۹.

۳ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۶۴ / بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱۰۸.

۴ - الايقاظ، ص ۳۶۱.

۵ - مکیال المکارم، ج ۲، ص ۷۶ / جمال الاسبوع، ص ۵۱۱ / مصباح کفعمی، ص ۵۵۰ / بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۳۳۲ و ج ۱۰۲، ص ۱۱۵.

چه کسانی در رجعت باز می‌گردند؟ ﴿ ۱۹۳

از بررسی مجموع این سه دسته روایت معلوم می‌شود که همه امامان معصوم علیهم‌السلام رجعت می‌کنند، به خصوص که تصریح شده، حضرت ولی عصر علیه‌السلام نیز بعد از رحلتشان رجعت خواهند نمود. آنچه در روایات آمده است که قیام قیامت، چهل روز پس از رحلت حضرت ولی عصر علیه‌السلام می‌باشد، مربوط به رحلت آن حضرت در رجعت است^۱ و گرنه طبق صدها حدیث که نمونه‌های آن در این کتاب عرضه شد، بعد از رحلت اول حضرت بقیة الله علیه‌السلام هزاران سال اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام فرمانروایی خواهند داشت. مطابق برخی از روایات، حکومت آل محمد علیهم‌السلام در رجعت ۸۰ هزار سال است.^۲

۱ - بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۰۸.

۲ - الايقاظ، ص ۳۶۹.



رجعت جمعی از اصحاب پیامبر ﷺ

از بررسی اخبار رجعت استفاده می‌شود که دو گروه از اصحاب پیامبر ﷺ رجعت می‌کنند: گروه اول: کسانی هستند که بر آل محمد ﷺ ستم کردند و حق را از مجرای خود بیرون راندند و صدها سال آثار ستم آن‌ها، جهان را برای مؤمنان تیره و تار و ناخوشایند ساخت؛ آن‌ها برمی‌گردند تا حساب پس دهند و در محکمه عادلانه دولت حقه، به سزای اعمال خود برسند. از کسانی که در این رابطه به اسم آنان اشاره شده است، قنفذ و مولایش می‌باشند، که هر دو آورده می‌شوند و به عنوان قاتلان محسن فاطمه علیها السلام محاکمه و به دار آویخته می‌شوند.^۱ دیگری زنی است که حضرت زهرا علیها السلام را خیلی آزار می‌کرد و به مادر جناب ابراهیم تهمت می‌زد، او نیز آورده می‌شود و حدّ قذف (هشتاد تازیانه) به او زده می‌شود.^۲

گروه دوم: اصحاب باوفای رسول اکرم صلی الله علیه و آله و یاران و شیعیان باصفای امیر مؤمنان علیه السلام که در طریق ولایت ثابت قدم ماندند و هرگز منحرف نشدند که اسامی تعدادی از آن‌ها در احادیث آمده است و ما به برخی از آن‌ها در این جا اشاره می‌کنیم:

۱ - سلمان فارسی رضی الله عنه

در ضمن حدیثی بسیار طولانی، جناب سلمان از وجود مقدّس رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند

۱ - کامل الزیارات، ص ۳۳۴ / دلائل الامامة، ص ۲۹۷.

۲ - تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۶۷ / بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۴ و ج ۵۳، ص ۹۰.

که در آن، از دوازده وصی خود از حضرت علی تا حضرت مهدی علیه السلام با نام و لقب و اوصاف کریمه‌شان نام برده می‌شود. آنگاه جناب سلمان گریه می‌کند و عرض می‌نماید: چگونه می‌شود که سلمان آن‌ها را درک کند؟ حضرت می‌فرمایند:

ای سلمان! تو آن‌ها را درک می‌کنی، و هر کس مانند تو آن‌ها را از روی معرفت کامل دوست بدارد و از آن‌ها پیروی کند، آنان را درک می‌کند. جناب سلمان می‌گوید: خدا را بسیار سپاس گفتم و سپس عرض کردم: یا رسول الله! آیا عمر من تا زمان آن‌ها ادامه خواهد داشت؟ فرمود: ای سلمان! بخوان این آیه را:

﴿ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولِيهِمَا... ﴾^۱

- این آیه از آیات رجعت است و تلاوتش اشاره به این است که جناب سلمان، پیش از ظهور رحلت می‌کند ولی بعد از ظهور رجعت می‌نماید -

جناب سلمان می‌گوید: بسیار گریستم و بر اشتیاقم افزوده شد و گفتم: ای رسول گرامی! آیا این پیمانی است از طرف شما؟ فرمود: آری، سوگند به خدایی که محمد را به رسالت برانگیخت، این پیمانی است از سوی من، علی، فاطمه، حسن و حسین و نه تن امامان و از سوی همه کسانی که از ما هستند و در راه ما مورد ستم قرار گرفته‌اند.

ای سلمان! به خدا سوگند، ابلیس و سپاهیان‌ش حاضر می‌شوند و همه مؤمنان خالص و کافران خالص نیز حاضر می‌شوند، آنگاه قصاص‌ها و انتقام‌ها گرفته می‌شود و پروردگارت به کسی ستم روا نمی‌دارد. این است تأویل این آیه که می‌فرماید: «ما اراده کرده‌ایم، بر کسانی که در روی زمین به ضعف کشیده شده‌اند، منت نهیم و آن‌ها را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم...»^۲

جناب سلمان می‌گوید: از محضر رسول اکرم صلی الله علیه و آله خارج شدم و دیگر پروایی

۱ - اسراء : ۵ .

۲ - قصص : ۵ .

نداشتم که مرگ سراغ من بیاید یا من به سراغ مرگ بروم.^۱

امام صادق علیه السلام نیز به هنگام بحث از اصحاب حضرت ولی عصر علیه السلام از جناب سلمان نام می‌برند.^۲

۲ - مقداد بن اسود رضی الله عنه

امیرمؤمنان علیه السلام در ضمن خطبه‌ای بسیار طولانی، از ظهور حضرت بقیة الله علیه السلام و یاران باوفای آن حضرت بحث کرده، می‌فرماید:

بیست تن از یاران قائم علیه السلام از اهل یمن هستند که یکی از آنها مقداد پسر اسود است.^۳

امام صادق علیه السلام نیز او را در میان یاران حضرت بقیة الله علیه السلام نام برده است.^۴

۳ - جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه

در حدیثی از امام صادق علیه السلام نام جابر نیز در میان اصحاب حضرت بقیة الله علیه السلام یاد شده است.^۵

۴ - ابودجانة انصاری رضی الله عنه

امام صادق علیه السلام ابودجانة را از کسانی شمرده‌اند که به هنگام ظهور حضرت بقیة الله علیه السلام از

۱ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۳۳ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۶ و ج ۳، ص ۲۱۹ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۳.

۲ - ارشاد مفید، ص ۳۶۵ / تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۱ / تفسیر صافی، ج ۳، ص ۲۳۸.

۳ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۸۶.

۴ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲ / تفسیر صافی، ج ۳، ص ۲۳۸ / ارشاد مفید، ص ۳۶۵ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۱ / دلائل الامامة، ص ۲۴۷.

۵ - المحججه، ص ۷۶ / دلائل الامامة، ص ۲۴۷.

یاران آن حضرت خواهد بود.^۱

ابودجانه مرد ارزنده و غیوری است که روز اُحد در نصرت رسول اکرم ﷺ پایدار ماند. چون همه فرار کردند و جز حضرت علی علیه السلام و ابودجانه کسی نماند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

ای ابودجانه! من بیعتم را از تو برداشتم تو نیز برگرد. اما علی، او از من است و من از اویم. ابودجانه گفت: نه، هرگز، به خدا قسم من هرگز خودم را از بیعت شما خارج نمی‌کنم. من با شما بیعت کرده‌ام، شما را تنها بگذارم، به کجا بروم؟ به سوی زن و فرزندی که خواهند مرد؟ یا به سوی خانه‌ای که ویران خواهد شد؟ به سوی ثروتی که فانی خواهد بود؟ و یا به سوی اجلی که فرا خواهد رسید؟! آن قدر از رسول اکرم صلی الله علیه و آله دفاع کرد، تا در اثر زخم‌های بی‌شمار توان خود را از دست داد.^۲

۵ - مالک اشتر رضی الله عنه

مالک اشتر، آن یار باوفای امیرمؤمنان علیه السلام که حضرت به هنگام رحلتش فرمودند:

ای کاش در زیر آسمان مالک دیگری نیز بود، او جزء یاران حضرت بقیة الله است که رجعت نموده، از طرف آن حضرت در گوشه‌ای از جهان پهناور حکومت می‌کند.^۳

۶ - مفضل بن عمر رضی الله عنه

مفضل بن عمر، یکی از بزرگان اصحاب امام صادق علیه السلام است. حضرت او را مرده دادند که از

۱ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۱ / تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۸۵ / تفسیر صافی، ج ۳، ص ۲۳۸.

۲ - نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۹۷.

۳ - المحجّه، ص ۷۶ / ارشاد مفید، ص ۳۶۵ / اعیان الشیعه جزء چهارم، قسم سوم، ص ۱۵۳ / بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۱ و ج ۵۲، ص ۳۴۶.

یاران حضرت بقیة الله ﷺ می باشد و فرمودند:

تو ای مفضل! در طرف راست حضرت قائم ﷺ می ایستی و امر و نهی می کنی. در آن روز بیش از امروز از تو فرمان می برند.^۱

۷ - حمران بن اعین رضی الله عنه

حمران بن اعین، برادر زرارة بن اعین است که از او نیز در میان یاران حضرت ولی عصر عجل الله فرجه یاد شده است.^۲

این ها هفت مورد از مواردی است که مشخصاً از آن ها نام برده شده، که در رجعت برمی گردند.

اینک از سه مورد دیگر نام می بریم که در امت های گذشته مشخصاً از آن ها نام برده شد، که به هنگام ظهور حضرت بقیة الله عجل الله فرجه رجعت خواهند کرد:

۱ - مؤمن آل فرعون

در جلسه مشورتی فرعون، هنگامی که به کشتن حضرت موسی عجل الله فرجه و همه مردانی که به او ایمان آورده اند رأی داده شد، مردی از آل فرعون که ایمان محکم و پابرجایی به حضرت موسی عجل الله فرجه داشت و ایمان خود را مکتوم نگه می داشت، مطالب بسیار حکیمانه ای گفت که به کلی رأی حاضرین در مجلس را دگرگون ساخت. این گفتار حکیمانه را، خداوند متعال در سوره مؤمن، آیه های ۲۸ - ۴۴ آورده است.

قرآن کریم از این شخص به عنوان «مؤمن آل فرعون» نام برده و در لسان احادیث به همین عنوان معروف شده است. امام صادق عجل الله فرجه نام او را در لیست اصحاب خاص حضرت بقیة الله عجل الله فرجه

۱ - دلائل الامامة، ص ۲۴۸.

۲ - مستدرک سفینه، ج ۴، ص ۱۲۶.

آورده است.^۱

۲ - یوشع بن نون

یوشع بن نون، وصی حضرت موسی علیه السلام بود و تاریخ زندگی او شباهت زیادی به حوادث زندگی مولای متقیان علیه السلام داشت. از امام صادق علیه السلام روایت شده:

جناب یوشع بن نون بعد از حضرت موسی علیه السلام مصیبت‌های بسیار دید، به خصوص از سه تن از طواغیت بنی‌اسرائیل، و چون آن سه تن به هلاکت رسیدند کار او قوت گرفت. آنگاه دو تن از منافقان زوجه حضرت موسی علیه السلام را با خودشان هم‌فکر کردند و با صد هزار سپاه به جنگ یوشع بن نون برخاستند. جنگ سختی درگرفت و سرانجام سپاه صد هزار نفری شکست خورد و پا به فرار نهاد و یوشع بن نون بر آنها پیروز شد. دختر شعیب که همسر حضرت موسی علیه السلام بود اسیر شد. او را به خدمت حضرت یوشع آوردند. جناب یوشع به او فرمود: من تو را در دنیا عفو کردم، تا در آخرت حضرت موسی علیه السلام را ملاقات کنم و از توبه او شکایت نمایم و به او بگویم که تو و قوم تو با من چه کردید. زوجه حضرت موسی علیه السلام گفت: ای وای بر من! به خدا سوگند اگر به من اجازه ورود به بهشت بدهند، من شرم می‌کنم که وارد بهشت شوم؛ چون پیامبر خدا حضرت موسی در آن است و من حریم او را شکستم و از سرپرده او بیرون آمدم و با وصی او جنگیدم.^۲

از همین حدیث، تشابه کامل حوادث عصر یوشع با عصر حضرت امیر علیه السلام آشکار می‌شود؛ با این تفاوت که طاغیه عصر حضرت علی علیه السلام هنوز تصور می‌کرد که در سرپرده عصمت نشسته و

۱ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲ / المحجّه، ص ۷۶ / دلائل الامامة، ص ۲۴۷.

۲ - کمال الدین، ج ۱، ص ۱۵۴ / امالی صدوق، ص ۱۴۰ / بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۳۶۶.

با آیه ﴿ وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ ﴾ مخالفت نکرده است. جالب توجه است که رحلت یوشع نیز در شب ۲۱ ماه مبارک رمضان اتفاق افتاده است، چنان که امام حسن مجتبیٰ علیه السلام در خطبه روز شهادت امیرمؤمنان علیه السلام بیان فرمودند.^۱

امام صادق علیه السلام نیز جناب یوشع را از یاران حضرت بقیة الله علیه السلام نام می‌برند که پس از ظهور آن حضرت رجعت می‌کند و در محضر حضرت حجت علیه السلام در نخستین روز بیعت از مکه معظمه ظاهر می‌شود.^۲

۳ - اصحاب کف

در مورد اصحاب کف و سرگذشت جالب آن‌ها قبلاً به تفصیل سخن گفتیم. در این جا فقط اشاره می‌کنیم که این کاروان توحید که برای حفظ ایمان و اعتقاد خود از شهر گریخته و به غاری پناهنده شدند و در آن جا آن حادثه تاریخی برایشان پیش آمد، در زمرة یاران حضرت بقیة الله علیه السلام و از مسؤولان عالی رتبه عصر ظهور هستند که در نخستین روز ظهور رجعت می‌کنند و در اولین روز اعلام ظهور با آن حضرت بیعت می‌نمایند.^۳

از سیاق احادیث استفاده می‌شود که این عده جزء ۳۱۳ نفری هستند که در روز اول با آن حضرت بیعت می‌کنند و در دولت حقه ایشان، فرمانروایان روی زمین به امر آن حضرت خواهند بود. در مورد اصحاب کف به این موضوع تصریح شده و در میان ۳۱۳ تن از آن‌ها نام برده شده است.^۴

۱ - امالی صدوق، ص ۱۹۲ / بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۳۷۶.

۲ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲ / تفسیر صافی، ج ۳، ص ۲۳۸ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۱ / ارشاد مفید، ص ۳۶۵ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۱.

۳ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲ / تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۱ / تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۸۵ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۱ / المحجّه، ص ۷۶ / ارشاد مفید، ص ۳۶۵.

۴ - الملاحم و الفتن، ص ۲۰۳ / دلائل الامامة، ص ۳۰۹ و ۳۱۹.



پاسخ به شبهات

در کتب مربوط به رجعت چند شبهه مطرح گردیده، که ما به برخی از آنها در این جا اشاره می‌کنیم:

۱ - بازگشت فعل به قوه

می‌گویند موجودی که استعداد کمال دارد، هنگامی که کمالات استعدادی آن جنبه فعلیت به خود بگیرد - از قوه به فعل درآید - دیگر نمی‌تواند به حال اولی برگردد؛ زیرا رجوع از فعلیت به قوه محال است. نفس انسانی با مردن از ماده تجرد پیدا می‌کند و یک موجود مجرد مثالی یا عقلی می‌شود که این دو رتبه - مثالی و عقلی - از مرتبه ماده برتر بوده و وجود آنها از وجود ماده قوی‌تر است. اگر مجدداً نفس بعد از مرگ به ماده تعلق پیدا کند، لازم می‌آید که از فعل به قوه بازگردد و آن محال است.

جواب این شبهه واضح است؛ زیرا که موت معنایش انفکاک روح است از بدن، و روح هیچ‌گونه تجردی ندارد، چنان که در روایات نیز به آن تصریح شده: «الروح جسم رقیق»^۱ و یا «انّ الروح متحرک كالريح... لانّ الروح مجانس للريح»^۲ روح مؤمنین پس از جدا شدن از بدن، همراه با قالبی مثالی در وادی السلام و بهشت برزخی و روح غیر مؤمنین همراه با قالبی مثالی در برهوت

۱ - بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۳۴.

۲ - بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۲۸ / کافی، ج ۱، ص ۱۳۳ / اجتناج، ج ۲، ص ۳۲۳.

و جهنم برزخی می‌باشند و در رجعت به امر پروردگار روح به بدن اصلی بازگردانده می‌شود و اصلاً نفس یک موجود مجرد مثالی یا عقلی نمی‌شود که اشکال قوه و فعل پیش آید. این پاسخ حلی شبهه اول است و می‌توانیم دو پاسخ نقضی نیز به آن اضافه کنیم:

۱ - پیروان همه ادیان آسمانی به معاد عقیده دارند. بدون تردید در روز رستاخیز روح به بدن باز می‌گردد و انسان‌ها زنده می‌شوند و به سزای اعمال خود می‌رسند. اشکال کننده، در مورد معاد هر پاسخی به شبهه خود بدهد، ما همان پاسخ را در مورد رجعت می‌گوییم.^۱

۲ - قرآن به صراحت از زنده شدن مردگان در امت‌های پیشین سخن گفته است که ده نمونه آن را در این کتاب آوردیم. اشکال کننده، در مورد رجعت اقوام گذشته، هر پاسخی به شبهه خود دهد، ما در مورد رجعت امت اسلامی در زمان ظهور و بعد از ظهور همان پاسخ را می‌دهیم. مرحوم حاج شیخ «مجتبی قزوینی» نیز به تفصیل این شبهه را پاسخ گفته است. علاقمندان به کتاب پراج «بیان الفرقان» رجوع کنند.

۲ - تناسخ

برخی تصور کرده‌اند که قول رجعت، مستلزم قول به تناسخ است و آن محال است. در پاسخ این شبهه باید گفت: رجعت هیچ ارتباطی به تناسخ ندارد؛ زیرا رجعت بازگشت روح به بدن اولی است ولی در تناسخ، روح پس از نوعی تکامل به بدن دیگری وارد می‌شود که بدون تردید محال است.

تناسخ از نظر شیعه مردود است و اخبار بسیاری بر بطلان آن وارد شده و علمای شیعه بر نادرستی آن اجماع کرده‌اند.^۲ مرحوم شیخ مجتبی قزوینی، قول به تناسخ را به تفصیل بیان کرده، محال بودن آن را از نظر عقلی، و باطل بودن آن را از نظر شرعی اثبات نموده، فرق آن را با رجعت و عدم ملازمه بین آن دو را به تفصیل بیان نموده است.^۳

۱ - بیان الفرقان، ج ۵، ص ۲۴۷ و ۲۵۳.

۲ - الايقاظ، ص ۴۲۷.

۳ - بیان الفرقان، ج ۵، ص ۲۲۸ و ۲۴۷.

۳ - اجماع منقول

برخی گفته‌اند که دلیل قائلین به رجعت، اجماع منقول است و آن به منزله خبر واحد است. در پاسخ این شبهه باید بگوییم:

اولاً دلیل ما منحصر به اجماع نیست، بلکه برخی از آیات بر آن دلالت دارد و روایات متواتر بر اثبات آن موجود است. ثانیاً اجماع ادعا شده، اجماع منقول نیست، بلکه اجماع محصل است به آن بیانی که مرحوم قزوینی توضیح داده است^۱ و اجماع موجود در مورد رجعت، انحصار به اجماع علما ندارد، بلکه اجماع همه شیعیان است.^۲ ثالثاً مسأله بالاتر از اجماع است و به تعبیر مرحوم عاملی، اعتقاد به رجعت یکی از ضروریات مذهب شیعه است.^۳

۴ - خبر واحد

برخی گفته‌اند که روایات رجعت متواتر نیست؛ زیرا شرط خبر متواتر آن است که خبر در تمام مراتب به حد تواتر برسد و چنین خبری به تصدیق بزرگان فقها نادر است. در پاسخ این شبهه، باید خبر متواتر را معنا کنیم و توضیح دهیم که تواتر بر سه قسم است: تواتر لفظی، تواتر معنوی و تواتر اجمالی. علاقمندان را در هر دو موضوع به کتاب «بیان الفرقان» ارجاع می‌دهیم^۴ و اضافه می‌کنیم که بسیاری از بزرگان در مورد احادیث رجعت، ادعای تواتر کرده‌اند که نظرشان به تواتر معنوی و اجمالی است^۵ ولی «شیخ طوسی» در مورد برخی از احادیث رجعت، ادعای تواتر لفظی هم نموده است.^۶ علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه در این رابطه می‌فرماید:

۱ - بیان الفرقان، ج ۵، ص ۲۶۲.

۲ - مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۵.

۳ - الايقاظ، ص ۶۰ و ۶۶.

۴ - بیان الفرقان، ج ۵، ص ۲۶۳ و ۲۷۴.

۵ - الايقاظ، ص ۳۱ / مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۴ / تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۶ / المجلی، ص ۴۹۰.

۶ - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۷.

اگر روایات رجعت متواتر نباشد، پس در دنیا روایت متواتر وجود ندارد.^۱

۵ - استبعاد

برخی می‌گویند رجعت چیزی است که عقل آن را بسیار بعید می‌شمارد. در پاسخ این شبهه باید گفت: بعید شمردن چیزی، دلیل بطلان آن نیست. ما حق نداریم چیزی را صرفاً برای این که از نظر عقلی بعید است باطل بشماریم. اگر بعید شمردن چیزی علامت بطلان باشد، باید بر همه معجزات پیامبران خطاً بطلان بکشیم، در حالی که پیروان همه ادیان آسمانی، وجود اعجاز و وقوع معجزه را پذیرفته‌اند.

در این جا فرق است بین این که، چیزی محال ذاتی باشد و یا برخلاف عادت باشد. اگر چیزی محال ذاتی باشد قدرت بر آن تعلق نمی‌یابد، ولی اگر فقط بر خلاف عادت باشد، هیچ اشکالی ندارد؛ چرا که همه معجزات و خوارق عادت از این قبیل‌اند. این موضوع را تفصیلاً در کتاب طول عمر امام زمان علیه السلام شرح داده‌ایم.^۲

۶ - اجتماع دو امام

برخی گفته‌اند اگر امامان در عصر حضرت مهدی علیه السلام رجوع کنند، اجتماع دو امام در یک زمان لازم می‌آید و اگر بعد از آن حضرت رجعت نمایند در آن فاصله زمین خالی از حجت می‌باشد.

در پاسخ می‌گوییم: به طوری که در بخش رجعت امام حسین علیه السلام گفتیم، ایشان اولین امامی است که رجعت می‌کند و رجعت او در آخرین روزهای زندگی حضرت بقیة الله علیه السلام است، که آن حضرت را غسل، کفن و دفن می‌کند و بعد از او حکومت می‌نماید. طبق این بیان، نه اجتماع دو امام است و نه خالی بودن زمین از حجت.

۱ - بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۳.

۲ - طول عمر امام زمان، ص ۷۳ و ۷۶.

چه کسانی در رجعت باز می‌گردند؟ ﴿۱﴾ ۲۰۵

شیخ «حزّ عاملی» این شبهه را به تفصیل و از ۹ طریق جواب داده است. طالبین به «الایقاظ» مراجعه کنند.^۱

۷ - بدن مثالی

برخی گفته‌اند شاید در رجعت روح به یک بدن مثالی وارد می‌شود. در پاسخ می‌گوییم: اولاً این نوعی تناسخ است که باطل و محال است، ثانیاً بر خلاف صریح اخبار است، ثالثاً بر خلاف اجماع است، رابعاً آن بدن مثالی گناهی نکرده تا مجازات آن در مورد رجعت بدکاران جایز باشد.^۲

۸ - تأویل رجعت

برخی احادیث، رجعت را به همان حکومت حقّه حضرت بقیّة الله ﷺ تأویل کرده و گفته‌اند: منظور از رجعت این است که حق به صاحب آن برمی‌گردد و چون ائمه همه نور واحد هستند، حکومت امام زمان ﷺ همان حکومت حضرت علی، امام حسین و دیگر معصومین ﷺ است. در پاسخ باید بگوییم: این تأویل بر خلاف اجماع، بر خلاف صریح روایات و بر خلاف مفهوم رجعت است و اگر چنین تأویلی جایز باشد، دیگر به چیزی در جهان نمی‌توانیم اعتماد کنیم؛ چون احتمال تأویل می‌دهیم. مرحوم شیخ «حزّ عاملی» این شبهه را از ۱۲ طریق رد کرده است.^۳

۹ - آثار سوء

ابوالقاسم بلخی می‌گوید:

رجعت جایز نیست؛ زیرا اگر مردم بدانند که رجعت هست، در گناهان غوطه‌ور می‌شوند، به امید این که در رجعت توبه کنند.

در پاسخ این شبهه مرحوم طبرسی می‌فرماید:

۱ - الایقاظ، ص ۴۱۲ - ۴۲۱.

۲ - الایقاظ، ص ۴۲۷.

۳ - الایقاظ، ص ۴۲۴ - ۴۲۶.

آنان که به رجعت عقیده دارند، نمی‌گویند که همه مردم رجعت می‌کنند، بلکه می‌گویند گروهی از مردم برمی‌گردند. و لذا هر کسی که احتمال می‌دهد جزء رجعت‌کنندگان نباشد، نمی‌تواند به امید رجعت از توبه صرف نظر کند.^۱

به عنوان جواب نقضی می‌توانیم بگوییم: اگر با این احتمال می‌توان رجعت را غیر مجاز اعلام کرد، در مورد توبه و شفاعت و امثال آن‌ها نیز می‌توان گفت که این‌ها موجب ارتکاب گناه می‌شوند و لذا مجاز نیستند. و به عنوان جواب حلی می‌گوییم: آنان که به رجعت معتقدند، برای رجعت‌کنندگان در توبه را بسته می‌دانند.

۱۰ - بطلان رستاخیز

برخی گفته‌اند اگر رجعت حتمی باشد، باید رستاخیز باطل شود؛ زیرا مجرمین در رجعت مجازات می‌شوند و دیگر نیازی به روز قیامت نمی‌ماند.

در پاسخ می‌گوییم: در مورد حدود شرعی هم همین اشکال لازم می‌آید؛ اگر مجرم را حد شرعی بزنند - قصاص کنند و در همین دنیا مجازات نمایند - پس نیاز به قیامت از بین می‌رود! ولی این طور نیست؛ عذاب و انتقام دنیا، جای عقاب آخرت را نمی‌گیرد. کسانی که استحقاق دارند که در دوزخ مخلد باشند، اگر در رجعت برگردند و با وسایل دنیوی مجازات شوند، این مجازات حتی به اندازه یک دقیقه آتش جهنم در داور نیست. مجازات مجرمین در این دنیا به عنوان سزای اعمال آن‌ها نیست، بلکه به عنوان تشفی خاطر مؤمنان است. و اما سزای کامل آن‌ها به آخرت می‌ماند.

در این جا ممکن است شبهات دیگری نیز طرح شود که با دقت در احادیث رجعت پاسخ آن‌ها روشن گردد.

الحمد لله الذی جعلنا من الممتسکین

بولاية أمير المؤمنين و الأئمة ﷺ



قال حجة بن الحسن المهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف :

أَنَا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاةِ تَكْرُفِ لَنَا سَيِّئِينَ
لِذِكْرِكُمْ .

حضرت مهدی ارواحنا له الفدا فرمودند:

ہمانا در رعایت حال شما کوتاہی منیکنیم و یاد شما را
از خاطر نمی بریم .

بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵

فصل هشتم :

کتابنامه رجعت

چون مسأله رجعت یکی از اعتقادات ویژه شیعیان است، علمای شیعه کتاب‌های فراوانی در این زمینه تألیف کرده‌اند که بیش‌تر آن‌ها در طول تاریخ، با گذشت زمان و هجوم اشراک به منازل علمای شیعه از بین رفته است. اینک اسامی برخی از کتاب‌هایی که مستقلاً در موضوع رجعت نوشته شده است را یادآور می‌شویم.

۱ - **اثبات الرجعة**؛ علامه مجلسی، محمد باقر، متوفای ۱۱۱۱ هـ در این کتاب حدود ۲۰۰ حدیث پیرامون رجعت گردآوری شده است. این کتاب به زبان فارسی و در هند چاپ شده است.^۱

۲ - **اثبات الرجعة**؛ آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، متوفای ۱۱۲۵ هـ^۲

۳ - **اثبات الرجعة**؛ حلی، حسن بن سلیمان بن خالد، در سال ۷۵۷ هـ از مرحوم شهید اول اجازه دریافت کرده و مؤلف «مختصر البصائر» می‌باشد که علامه مجلسی احادیث فراوانی را از او در باب رجعت نقل می‌کند.^۳

۱ - الذریعه، ج ۱، ص ۹۰ / امل الآمل، ج ۲، ص ۲۴۸.

۲ - الذریعه، ج ۱، ص ۹۱.

۳ - همان، ج ۱، ص ۹۱ و ج ۱۰، ص ۱۶۲ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۴ / روضات الجنات، ج ۲، ص ۲۹۳.

- ۴ - اثبات الرجعة ؛ لاهیجی، حسن بن عبدالرزاق، صاحب «شمع الیقین» که آن را به فارسی نوشته است.^۱
- ۵ - اثبات الرجعة ؛ عاملی کاظمی آل صدر، حسن بن هادی.^۲
- ۶ - اثبات الرجعة ؛ علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، متوفای ۷۲۶ هـ.^۳
- ۷ - اثبات الرجعة ؛ طبسی نجفی، محمد رضا، که در سال ۱۳۵۴ هـ در نجف اشرف به چاپ رسیده و به زبان اردو نیز ترجمه شده است.^۴ این کتاب در سال ۱۳۵۵ هـ توسط سید محسن نواب به عربی برگردانده شده و در نجف به چاپ رسیده است.
- ۸ - اثبات الرجعة ؛ آل عبدالجبار قطیفی، سلیمان بن احمد، متوفای ۱۲۶۶ هـ.^۵
- ۹ - اثبات الرجعة ؛ تستری، میر محمد عباس، متوفای ۱۳۰۶ هـ در لکهنو.^۶
- ۱۰ - اثبات الرجعة ؛ محقق کرکی، علی بن حسین بن عبدالعالی، متوفای ۹۴۰ هـ.^۷
- ۱۱ - اثبات الرجعة ؛ ابن شاذان، فضل بن شاذان ازدی، که از اصحاب امام رضا علیه السلام بود و تا سال ۲۶۰ هـ زیسته و عمر با برکت خود را در دفاع از حریم مکتب اهل بیت علیهم السلام سپری کرده و ۱۸۰ جلد کتاب ارزنده از خود به یادگار نهاده که سه جلد آن مربوط به رجعت است.^۸
- ۱۲ - اثبات الرجعة ؛ مولی سلطان محمود، از شاگردان علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه و تلخیص کننده شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید است.^۹

۱ - الذریعه، ج ۱، ص ۹۲.

۲ - همان، ج ۱، ص ۹۲.

۳ - همان، ج ۱، ص ۹۲.

۴ - همان، ج ۱، ص ۹۲.

۵ - همان، ج ۱، ص ۹۲.

۶ - همان، ج ۱، ص ۹۳.

۷ - همان، ج ۱، ص ۹۳.

۸ - معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۲۸۹ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۳ / فهرست شیخ طوسی، ص ۱۵۴ / الايقاظ، ص ۶۲.

۹ - امل الآمل، ج ۲، ص ۳۱۶.

- ۱۳ - اثبات الرجعة؛ استرآبادی، محمد مؤمن، مقیم مکه معظمه بود و در سال ۱۰۸۸ هـ در همان جا به شهادت رسید.^۱
- ۱۴ - اثبات الرجعة؛ بحرانی، شرف الدین یحیی، شاگرد محقق کرکی و نایب او در یزد، که صاحب ریاض از او زیاد نقل می‌کند.^۲
- ۱۵ - ارشاد الجهله؛ احتمالاً از: خراسانی، محمد هاشم.^۳
- ۱۶ - الايقاظ من الهجعه؛ حرّ عاملی، محمد بن حسن، متوفای ۱۱۰۴ هـ این کتاب جامع‌ترین کتابی است که پیرامون رجعت در دست داریم. در این کتاب با ۶۴ آیه و متجاوز از ۶۰۰ حدیث بر اثبات رجعت تلاش شده است.^۴
- ۱۷ - بیان الفرقان؛ قزوینی خراسانی، مجتبی، متوفای ۱۳۸۷ هـ وی از پرورش یافتگان مکتب مرحوم حاج میرزا مهدی اصفهانی است.^۵ جلد پنجم این کتاب تحت عنوان غیبت و رجعت به مسأله رجعت اختصاص دارد، که ما در پاسخ شبهات از این کتاب بهره بردیم.
- ۱۸ - تفریح الکربة؛ حسینی کاظمی، محمود، معاصر شیخ حرّ عاملی، که مرحوم عاملی در اوّل کتاب الايقاظ به این کتاب اشاره می‌کند.^۶
- ۱۹ - حذو النعل بالنعل؛ ابن شاذان، فضل بن شاذان، متوفای ۲۶۰ هـ او از اصحاب امام رضا علیه السلام بود و عصر امام حسن عسکری علیه السلام را نیز درک کرده بود.^۷
- ۲۰ - حذو النعل بالنعل؛ ابن بابویه، محمد بن علی معروف به شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ هـ^۸

۱ - شهداء الفضیلة، ص ۱۹۹ / امل الآمل، ج ۲، ص ۲۹۶ / الذریعه، ج ۱، ص ۹۴ و ج ۱۰، ص ۱۶۳.
۲ - الذریعه، ج ۱، ص ۹۵.
۳ - همان، ج ۱، ص ۵۱۳.
۴ - همان، ج ۱، ص ۱۴۴.
۵ - گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۱۵۵.
۶ - امل الآمل، ج ۲، ص ۳۱۶ / الايقاظ، ص ۳ / الذریعه، ج ۱، ص ۹۴ و ج ۴، ص ۲۳۰.
۷ - الذریعه، ج ۶، ص ۳۹۱ / الايقاظ، ص ۶۲.
۸ - فهرست شیخ طوسی، ص ۱۸۹ / الذریعه، ج ۶، ص ۳۹۲ / الايقاظ، ص ۶۳ / معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۳۱۸.

شیخ صدوق و فضل بن شاذان، عنوان کتاب را از حدیث معروف رسول اکرم ﷺ گرفته‌اند که می‌فرماید: آنچه در امت‌های پیشین واقع شده، مو به مو در این امت نیز واقع خواهد شد. متن حدیث در بخش «رجعت در امت اسلامی» آورده شده است.

۲۱ - **دحض البدعة**؛ همدانی، محمد علی، صاحب «خصائص الزهراء (ع)»، و آن کتاب مبسوطی است در رجعت که در سال ۱۳۵۴ هـ در نجف اشرف به چاپ رسیده است.^۱

۲۲ - **الرجعة و احادیثها**؛ سید احمد بن حسن بن اسماعیل، که در سال ۱۲۷۷ هـ به تألیف آن پرداخته است.^۲

۲۳ - **الرجعة**؛ کاشانی، حبیب الله، متوفای ۱۳۴۰ هـ این کتاب به فارسی است و در ایران به طبع رسیده است.^۳

۲۴ - **الرجعة و احادیثها**؛ ابن شاذان، فضل بن شاذان، متوفای ۲۶۰ هـ مرحوم شیخ آقا بزرگ تصریح کرده که این کتاب غیر از کتاب «اثبات الرجعة» است، و آیت الله خوئی سه کتاب از ایشان پیرامون رجعت نقل کرده است.^۴

۲۵ - **الرجعة**؛ ابن بابویه، محمد بن علی، معروف به شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ هـ.^۵

۲۶ - **الرجعة**؛ عیاشی، محمد بن مسعود، صاحب تفسیر عیاشی و از بزرگان شیعه در قرن سوم هجری.^۶

۲۷ - **الرجعة**؛ فزاری جرجانی، احمد بن داود، از علمای شیعه قرن سوم هجری، که برای رد یک حدیث در مورد خلیفه دوم، محمد بن طاهر خزاعی والی خراسان دستور داد که او را هزار

۱ - الذریعه، ج ۸، ص ۵۰.

۲ - الذریعه، ج ۱۰، ص ۱۶۱.

۳ - الذریعه، ج ۱۰، ص ۱۶۱.

۴ - معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۲۸۹ / الذریعه، ج ۱۰، ص ۱۶۲.

۵ - الذریعه، ج ۱۰، ص ۱۶۳ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۴ / الايقاظ، ص ۶۳.

۶ - الذریعه، ج ۱۰، ص ۱۶۳ / الايقاظ، ص ۶۳.

ضربه شلاق بزنند و سپس زبان و دست و پایش را قطع کنند و آنگاه به دار آویزند.^۱

۲۸ - **الرجعة**؛ بطائنی، حسن بن علی بن حمزه، از بزرگان واقفیه، که در عصر امام رضا علیه السلام می زیست.^۲

۲۹ - **النجة فی الرجعة**؛ نقوی لکهنوی، علی نقی، که در سال ۱۳۵۴ هـ در ضمن مجله «الرضوان» چاپ شده است.^۳

این‌ها نمونه‌هایی از کتاب‌های بزرگان شیعه است که مستقلاً پیرامون رجعت تألیف شده و ما در این فرصت کوتاه به اسامی آن‌ها دست یافتیم. برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد هر یک از آن‌ها به منابع یاد شده در پاورقی‌ها مراجعه فرمایید.

۱ - فهرست شیخ طوسی، ص ۶۲ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۳ / رجال کشی، ص ۵۳۲.
۲ - معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۱۴ / بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۳ / الايقاظ، ص ۶۲.
۳ - الذریعه، ج ۲۴، ص ۶۸.



فهرست منابع

ما در ویرایش این نوشتار ضمن بهره‌مندی از قرآن کریم از دیگر منابع ذیل که به ترتیب حروف الفبا می‌آوریم، استفاده کرده‌ایم:

- ۱ - اثبات الهداة، شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن، (م ۱۱۰۴ هـ)، چاپ ۱۳۹۹ هـ تهران، ترجمه احمد جنتی.
- ۲ - احتجاج، طبرسی، احمد بن علی، قرن ششم، با تعلیقات سید محمد باقر خراسان، چاپ ۱۴۰۱ هـ بیروت.
- ۳ - احقاق الحق، شوشتری، نور الله بن شریف الدین معروف به شهید ثالث، (مستشهد ۱۰۱۹ هـ)، با تعلیقات و تحقیقات آیه الله نجفی مرعشی، چاپ تهران.
- ۴ - الارشاد، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (م ۴۱۳ هـ)، چاپ ۱۳۹۹ هـ بیروت.
- ۵ - اصول کافی، شیخ کلینی، محمد بن یعقوب، (م ۳۲۹ هـ)، با ترجمه سید جواد مصطفوی، چاپ تهران.
- ۶ - اعلام الوری، طبرسی، فضل بن حسن، چاپ ۱۳۹۹ هـ بیروت.

- ۷ - **اعیان الشیعه**، امین، سید محسن، (م ۱۳۷۱ هـ)، جلد ویژه حضرت بقیة اللہ ﷺ (جزء چهارم قسمت سوم) چاپ بیروت.
- ۸ - **اقبال الاعمال**، سید بن طاووس، علی بن موسی، (م ۶۶۴ هـ)، چاپ افست تهران از روی کتابت ۱۳۱۲ هـ.
- ۹ - **الزام الناصب**، یزدی، علی، (م ۱۳۴۳ هـ)، چاپ چهارم، ۱۳۹۷ هـ، بیروت.
- ۱۰ - **الامام المهدی**، دخیل، علی محمد علی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ، بیروت.
- ۱۱ - **امل الآمل**، شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن، (م ۱۱۰۴ هـ)، با تحقیقات احمد حسینی اشکوری، چاپ ۱۳۸۵ هـ، نجف اشرف.
- ۱۲ - **الانوار اللمعة**، در شرح زیارت جامعه، شبر، عبدالله، (م ۱۲۴۲ هـ)، چاپ ۱۴۰۳ هـ، بیروت.
- ۱۳ - **او خواهد آمد**، الهامی، داود و علی اکبر مهدی پور، چاپ هشتم، ۱۴۰۳ هـ، قم.
- ۱۴ - **الایضاح**، ابن شاذان، فضل بن شاذان ازدی، (م ۲۶۰ هـ)، چاپ ۱۴۰۲ هـ، بیروت.
- ۱۵ - **الایفاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة**، شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن، (م ۱۱۰۴ هـ)، با ترجمه احمد جنتی، چاپ ۱۳۴۱ ش. قم.
- ۱۶ - **بحار الانوار**، علامه مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (م ۱۱۱۱ هـ)، چاپ تهران.
- ۱۷ - **البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان**، متقی هندی، علی بن حسام الدین، (م ۹۷۵ هـ)، چاپ ۱۳۹۹ هـ، قم.
- ۱۸ - **البلد الامین**، کفعمی، ابراهیم بن علی، (م ۹۰۰ هـ)، چاپ تهران.
- ۱۹ - **بیان الفرقان**، قزوینی خراسانی، شیخ مجتبی، (م ۱۳۸۷ هـ)، چاپ ۱۳۸۰ هـ، مشهد.
- ۲۰ - **البیان فی اخبار صاحب الزمان**، گنجی شافعی، محمد بن یوسف، (م ۶۵۸ هـ)، با تعلیقات محمد خراسان. چاپ ۱۳۹۹ هـ، بیروت.
- ۲۱ - **پرتوی از قرآن**، طالقانی، محمود، (م ۱۳۹۹ هـ)، چاپ سوم، تهران.

- ۲۲ - تاریخ ما بعد الظہور، صدر، محمد، چاپ دوم، بیروت .
- ۲۳ - تفسیر المیزان (ترجمہ فارسی)، طباطبائی، محمد حسین، (م ۱۴۰۲ هـ)، چاپ بنیاد سید محمد حسین طباطبائی.
- ۲۴ - البرہان فی تفسیر القرآن، بحرانی، سید ہاشم بن سلیمان، (م ۱۱۰۹ هـ)، چاپ دوم، تہران.
- ۲۵ - تفسیر البصائر، رستگاری جویباری، یعسوب الدین، چاپ اول، قم.
- ۲۶ - الصافی فی تفسیر القرآن، فیض کاشانی، محمد بن شاہ مرتضیٰ، (م ۱۰۹۱ هـ)، چاپ ۱۳۹۹ هـ، بیروت.
- ۲۷ - تفسیر عیاشی، عیاشی، محمد بن مسعود، چاپ ۱۳۸۰ هـ، تہران.
- ۲۸ - تفسیر قمی، قمی، علی بن ابراہیم، (م ۳۷۰ ہ بہ بعد)، چاپ تہران.
- ۲۹ - تفسیر فرات الکوفی، کوفی، فرات بن ابراہیم، (م ۳۹۴ ہ)، چاپ نجف اشرف.
- ۳۰ - تنزیہ الانبیاء، علم الہدی، سید مرتضیٰ، (م ۴۳۶ ہ)، چاپ ۱۲۹۰ ہ، تبریز.
- ۳۱ - تہذیب الاحکام، شیخ طوسی، محمد بن حسن، (م ۴۶۰ ہ)، چاپ تہران.
- ۳۲ - الجزیرة الخضراء و قضية مثلث برمودا، نجار، ناجی، ترجمہ و تحقیق علی اکبر مہدی پور، چاپ دوم، ۱۴۰۵ ہ، قم.
- ۳۳ - جمال الاسبوع، سید بن طاوس، علی بن موسیٰ، (م ۶۶۴ ہ)، چاپ ۱۳۳۰ ہ، تہران.
- ۳۴ - جوامع الجامع، طبرسی، فضل بن حسن، (م ۵۴۸ ہ)، چاپ ۱۴۰۳ ق، تہران.
- ۳۵ - حیات، دائرۃ المعارف ترکی، چاپ استانبول، ۱۹۶۸ م.
- ۳۶ - خصال، ابن بابویہ (شیخ صدوق)، محمد بن علی، (م ۳۸۱ ہ)، چاپ ۱۴۰۳ ہ، قم.
- ۳۷ - الدر المنثور، سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (م ۹۱۱ ہ)، چاپ ۱۳۱۴ ہ، مصر.
- ۳۸ - دلائل الامامہ، طبری (امامی)، محمد بن جریر، (م قرن چہارم ہ)، چاپ ۱۳۸۳ ہ.

نجف اشرف.

۳۹ - **الذریعه الی تصانیف الشیعه**، شیخ آقابزرگ طهرانی، محمد محسن، (م ۱۳۸۹ هـ)، بیروت.

۴۰ - **رجال شیخ طوسی**، طوسی، محمد بن حسن، (م ۴۶۰ هـ)، چاپ نجف اشرف.

۴۱ - **اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)**، شیخ طوسی، محمد بن حسن، (م ۴۶۰ هـ)، چاپ ۱۳۴۸ ش. مشهد.

۴۲ - **رجال نجاشی**، نجاشی، احمد بن علی، (م ۴۵۰ هـ)، چاپ افسس ۱۳۹۸ هـ قم.

۴۲ - **روضات الجنات**، خوانساری، محمد باقر زین العابدین، (م ۱۳۱۳ هـ)، چاپ ۱۳۹۰ هـ تهران.

۴۴ - **روضه کافی**، شیخ کلینی، محمد بن یعقوب، (م ۳۲۹ هـ)، چاپ تهران.

۴۵ - **روضه الواعظین**، ابن فثال نیشابوری، محمد بن احمد، چاپ سنگی ۱۳۰۳ هـ تهران.

۴۶ - **کتاب سلیم بن قیس**، سلیم بن قیس هلالی، (از اصحاب امیر مؤمنان علیه السلام و م حدود ۹۰ هـ)، چاپ ۱۴۰۰ هـ بیروت.

۴۷ - **سنن ابن ماجه**، ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، (م ۲۷۵ هـ)، چاپ ۱۳۹۵ هـ بیروت.

۴۸ - **سنن ابی داود**، ابو داود، سلیمان بن اشعث سجستانی، (م ۲۷۵ هـ)، چاپ بیروت.

۴۹ - **سنن ترمذی**، ترمذی، محمد بن عیسی، (م ۲۷۹ هـ)، چاپ ۱۳۵۷ هـ قاهره.

۵۰ - **شهداء الفضیله**، علامه امینی، عبدالحسین، (م ۱۳۹۰ هـ)، چاپ ۱۳۹۳ هـ قم.

۵۱ - **صحیح بخاری**، بخاری، محمد بن اسماعیل، (م ۲۵۶ هـ)، با حواشی سندی، چهار جلدی، چاپ مصر.

۵۲ - **صحیح مسلم**، مسلم بن حجاج نیشابوری، (م ۲۶۱ هـ)، با تحقیقات محمد فؤاد عبدالباقی، چاپ ۱۳۷۴ هـ بیروت.

- ۵۳- طول عمر امام زمان علیه السلام، مهدی پور، علی اکبر، چاپ دوم، ۱۴۰۴ هـ، تهران.
- ۵۴- عقد الدرر فی اخبار المنتظر، مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن یحیی، (م قرن هفتم هـ)، چاپ ۱۳۹۹ هـ، قاهره.
- ۵۵- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، (م ۳۸۱ هـ)، چاپ تهران.
- ۵۶- الغدير، علامه امینی تبریزی، عبدالحسین، (م ۱۳۹۰ هـ)، چاپ ۱۳۸۷ هـ، بیروت.
- ۵۷- الغيبة، ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم نعمانی، (م قرن سوم هـ)، چاپ ۱۳۹۷ ق، تهران.
- ۵۸- الغيبة، شیخ طوسی، محمد بن حسن، (م ۴۶۰ هـ)، چاپ سوم، نجف اشرف.
- ۵۹- الفهرست، شیخ طوسی، محمد بن حسن، (م ۴۶۰ هـ)، چاپ سوم ۱۴۰۳ هـ، بیروت.
- ۶۰- قاموس الاعلام، سامی، شمس الدین بن خالد افندی، (م ۱۳۲۲ هـ)، چاپ ۱۳۰۶ هـ، استانبول.
- ۶۱- کامل الزیارات، ابن قولویه، جعفر بن محمد، (م ۳۶۸ هـ)، با تعلیقات علامه امینی، چاپ ۱۳۵۶ هـ، نجف اشرف.
- ۶۲- الکشاف، زمخشری، جار الله محمود بن عمر، (م ۵۲۸ هـ)، چاپ افست قم.
- ۶۳- کفایة الاثر، خزاز رازی، علی بن محمد، (م قرن چهارم هـ)، چاپ ۱۴۰۱ هـ، قم.
- ۶۴- کلمة الامام المهدي علیه السلام، شیرازی، حسن، (مستشهد ۱۴۰۰ هـ)، چاپ ۱۴۰۰ هـ، بیروت.
- ۶۵- کمال الدین و تمام النعمه، ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، (م ۳۸۱ هـ)، چاپ ۱۳۹۵ هـ.
- ۶۶- کنز العمال، متقی هندی، علی بن حسام الدین، (م ۹۴۵ هـ)، چاپ ۱۳۹۹ هـ.
- ۶۷- گنجینه دانشمندان، شریف رازی، محمد، چاپ قم.
- ۶۸- لسان العرب، ابن منظور، محمد بن مکرم، (م ۷۱۱ هـ)، چاپ ۱۰۵۴ ق، قم.
- ۶۹- لغت نامه، دهخدا، علی اکبر، چاپ سازمان لغت نامه دهخدا، چاپ دوم، تهران.

- ۷۰- **لوائح الانوار**، سفارینی حنبلی، محمد، (م ۱۱۸۸ هـ)، چاپ ۱۳۲۴ هـ مصر.
- ۷۱- **الفصول المختاره (مجالس)**، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ترجمه آقا جمال خوانساری، چاپ ۱۳۶۲ ش. تهران.
- ۷۲- **مجمع البیان**، طبرسی، فضل بن حسن، (م ۵۴۸ هـ)، چاپ ۱۳۷۹ هـ تهران.
- ۷۳- **المجلی**، ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن زین العابدین، چاپ تهران.
- ۷۴- **المحجة فيما نزل في القائم الحجة**، بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، (م ۱۱۰۹ هـ)، چاپ ۱۴۰۳ هـ بیروت.
- ۷۵- **مرآة العقول**، علامه مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (م ۱۱۱۱ هـ)، چاپ ۱۳۹۸ هـ تهران.
- ۷۶- **مزار**، شهید اول، محمد بن مکی، (مستشهد ۷۸۶ هـ).
- ۷۷- **مزار کبیر**، مشهدی، محمد بن جعفر.
- ۷۸- **مستدرک علی الصحیحین**، حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله، (م ۴۰۵ هـ)، چاپ بیروت.
- ۷۹- **مستدرک سفینه البحار**، نمازی شاهرودی، شیخ علی، چاپ ۱۳۵۶ ش، مشهد.
- ۸۰- **المشرب الوردی فی اخبار المهدی**، قاری، علی بن سلطان محمد، (م ۱۰۱۴ هـ)، نسخه‌های خطی این اثر در کتابخانه سلیمانیه در استانبول و کتابخانه سلطنتی در برلین غربی موجود است.
- ۸۱- **مشکاة المصابیح**، خطیب عمری، محمد بن عبدالله، (م ۷۴۱ هـ به بعد)، با تحقیقات محمد ناصر البانی، چاپ دمشق.
- ۸۲- **مصباح الزائر**، سید بن طاوس، علی بن موسی، (م ۶۶۴ هـ)، چاپ تهران.
- ۸۳- **المصباح**، کفعمی، تقی الدین ابراهیم بن علی، (م ۹۰۰ هـ)، چاپ ۱۳۴۹ ش، تهران.
- ۸۴- **مصباح المتهدد**، شیخ طوسی، محمد بن حسن، (م ۴۶۰ هـ)، چاپ افسس، قم.

- ۸۵- **معانی الاخبار**، ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، (م ۳۸۱ هـ)، چاپ ۱۳۶۱ ش. قم.
- ۸۶- **معجم رجال الحديث**، خویی، سید ابوالقاسم، چاپ سوم، ۱۴۰۳ هـ، بیروت.
- ۸۷- **مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم**، موسوی اصفهانی، محمد تقی، (م ۱۳۴۸ هـ)، چاپ دوم ۱۳۹۷ هـ، قم.
- ۸۸- **الملاحم و الفتن**، سید بن طاوس، علی بن موسی، (م ۶۶۴ هـ)، چاپ پنجم ۱۳۹۸ هـ، بیروت.
- ۸۹- **تفسیر المنار**، رضا، محمد رشید، سلسله دروس محمد عبده، چاپ بیروت، افسست از چاپ ۱۳۵۲ هـ، مصر.
- ۹۰- **مناقب آل ابی طالب**، ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (م ۵۸۸ هـ)، قم.
- ۹۱- **المهدی**، صدر، صدر الدین، (م ۱۳۷۳ هـ)، چاپ ۱۳۹۸ هـ، بیروت.
- ۹۲- **المیزان فی تفسیر القرآن**، طباطبائی، محمد حسین، (م ۱۴۰۲ هـ)، چاپ سوم، بیروت.
- ۹۳- **نهج البلاغه**، شریف رضی، محمد بن حسین، (م ۴۰۶ هـ)، با تعلیقات صبحی صالح، چاپ ۱۳۸۷ هـ، بیروت.
- ۹۴- **نور الابصار**، شبلینجی، مؤمن بن حسن، (م بعد از ۱۲۹۰ هـ)، چاپ مصر.
- ۹۵- **تفسیر نور الثقلین**، حویزی، عبد علی بن جمعه، (م ۱۱۱۲ هـ)، چاپ ۱۳۸۳ هـ، قم.
- ۹۶- **وسائل الشیعه**، شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن، (م ۱۱۰۴ هـ)، چاپ چهارم ۱۳۹۱ هـ، بیروت.
- ۹۷- **یاد مهدی**، خادمی شیرازی، محمد، چاپ ۱۴۰۵ هـ، تهران.
- ۹۸- **ینابیع الموده**، قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، (م ۱۲۹۴ هـ)، چاپ هشتم ۱۳۸۵ هـ، قم.
- ۹۹- **یوم الخلاص**، سلیمان، کامل، چاپ چهارم، ۱۴۰۲ هـ، بیروت.
- ۱۰۰- **الیوم الموعود**، صدر، محمد، چاپ سوم، ۱۴۰۳ هـ، بیروت.